

و خیلی هم افتخار داشتند ولی در نتیجه رؤیت زندگانی مأمورین مالبه اهالی هم آن زندگان ساده خود را اذیت داده و طرز زندگانی تجملی آن ها را پیش گرفته اند و این اسباب بدبختی آن ها شده است.

هائی که دارند بدون داشتن نگرانی انجام دهند . این را بنده فقط در مورد وزراء عرض نمیکنم بلکه برای آقایان و کلاه هم می گویم .

چون آقای یاسائی در ضمن مذاکره راجع بوزراء نسبت بو کلاه هم مذاکره فرمودند .

بنده خودم بیک روزی اینجا اشاره کردم که حقوق و کلاه هم زیاد شده است ولی این اشاره بنده از این باب بود که ناپست حقوق و کلاه زیاد بشود .

بلکه بنده عقیده دارم که ملت و مملکت باید مستخدمین خودش را مرفه نگاهدارند تا بتوانند بخوبی از عهده خدمت برآیند .

زندگانی شوخی نیست انسان وقتی که از باب امر معاش خودش نگران بوده هیچ کاری از او ساخته نیست .

چهار صد تومان نوشته اند . راجع بوزراء و کلاه بنده عرض می کنم که یک چیزهایی هم باید در خاطر داشت .

زیرا وزراء و کلاه مثل سایر مستخدمین نیستند و یک تفاوت کلی دارند و آن این است که مستخدمین بموجب قانون استخدام حال و آبنده شان تا این می شود .

ولی وزراء و کلاه از این حیث حکم سایر مستخدمین را ندارند . وزیر یک مدتی الی یک سال دو سال وزیر است بعد که از کار منصرف شد سا هست پنج سال شش سال ده سال بیکار می ماند . در این مدت بیکاری حقوق انتظار خدمت را هم که ندارند .

مستمری و شهریه هم اگر بخواهد بگیرد در مجلس شورای ملی مورد عمل می شود و حقیقتاً هم کار خوبی نیست و اگر هم بخواهد بگیرد باید در تحت ترتیبی باشد که هنوز آن ترتیب داده نشده است وکیل هم همین حال را دارد ملامت مکن است .

امسال یک کسی وکیل باشد در دوره دیگری منتهب نشود چنانچه خیلی اشخاص در دوره اول مجلس انتخاب شده بودند ولی دوره های بعد دیگر منتصب نشدند خوب با این وضع مملکت که خودتان میدانید طوری نیست که انسان بعضی اینکه از وزارت یا وکالت افتاد فوراً او را بیک مشاغلی بشود و معاش خودش را فراهم کند .

باید همه ملاحظات را در نظر گرفت با این حال اگر حقوق وکیل یا وزیر پنجاه تومان از خرجش اضافه تر باشد اهمیتی ندارد زیرا ایام بیکاری و پیری را هم ملاحظه باید کرد .

بلاوه اگر موضوع قابل بود شاید بنده هم حرفی نداشتم ولی از این صدتومانی که از حقوق وزراء کسر کنید برای مملکت چه صرفه حاصل خواهد شد . و این صرفه که از این راه حاصل می شود نمی آرد بصدقه که بیک عده وارد می آید .

بلاوه اگر موضوع قابل بود شاید بنده هم حرفی نداشتم ولی از این صدتومانی که از حقوق وزراء کسر کنید برای مملکت چه صرفه حاصل خواهد شد . و این صرفه که از این راه حاصل می شود نمی آرد بصدقه که بیک عده وارد می آید .

اشخاصیکه یک مسئولیتهائی دارند باید حواسشان جمع باشد تا بتوانند آن مسؤلیت

این عده فعلی را بنده عرض نمیکنم بلکه اشخاصی هم که بعدها خواهند آمد با این حال هر طور بفرمائید بنده حرفی ندارم .

رئیس - پیشنهاد تجزیه شده - آقای طهرانی پیشنهاد کرده اند با آقایان وزراء ششصد تومان و معاونین سیصد و پنجاه تومان داده شود .

آقا شیخ محمد علی طهرانی - نسبت بو وزراء پس گرفته ولی نسبت به معاونین بطور تساوی همان سیصد و پنجاه تومان را عقیده دارم .

رئیس - آقای ملک الشعراء پیشنهاد کرده اند وزراء ششصد تومان و معاونین سیصد و پنجاه تومان داده شود ملک الشعراء یک استثنائی هم داشت .

رئیس - معاون وزارت خارجه را استثنائاً چهار صد تومان نوشته اند .

ملک الشعراء - اجازه میفرمائید . رئیس - بفرمائید . ملک الشعراء - واضح است .

و این کلاه و وزراء و تمام مردم بواسطه وضعیاتی که در مملکت پیش آمده است همیشه فکر میکنند از چاره ای مغایر را که می شود کاست بگنند و این یک سلسله افکار طبیعی است که برای یک عده اشخاص و یک مملتی که از زندگانی عقب افتاده است طبعاً پیش می آید .

در این قضایا نمیتوان یکدیگر را ملامت کرد . و بامنطق دلیل هم نمی شود این حس را از دماغ ما خارج کرد .

راست است بنده خودم یکی از اشخاصی بودم که عقیده داشتم باید همیشه عایدات را زیاد کرد و از مخارج نباید زیاد کاست .

این عقیده را بنده داشته ام ولی با وضع کار کردن همگنان و با پیش آمدهائی که عرض شد متأسفانه چیزی که هیچ در فکرتش نیستیم همان زیادی مداخل و کثرت هوای مملکتی است و چون اینطور است هر وقت و در هر موردی که بتوانیم حقاً بکفران از مخارج زیادی کسر کنیم باید کسر کنیم و در تقابل مخارج مقدم شویم و از همدیگر گله بکنیم و بامنطق هم در تقابل یکدیگر مقامت نکنیم .

بطوری که اینجا گفته شد سابقاً وزراء بانصد تومان می گرفته اند با این حال تجملشان هم بیشتر بود و وضعیتشان هم خیلی خوب بود .

مرادوات و معاشرتشان هم با مردم خیلی زیاد تر بود ولی امروزه بواسطه حس اقتصادی هم مخارجشان کمتر شده است هم تجملاتشان کمتر شده است انومیبل هم از طرف دولت بآنها داده میشود و در مقابل حقوقشان زیاد تر شده است .

اگر حقیقه معاون یک وزارتخانه ای یک کار پر حست کرد ممکن است دولت یک پیشنهاد مخصوص برای او بکند و الا این چه اختصاصی است که نسبت به معاون وزارت خارجه قائل شده اند و بنده

معاشرتی است که نسبت به معاون وزارت خارجه قائل شده اند و بنده

همیشه مخالف با این قبیل اختصاصات بودم و آنرا مخالف با قانونگذاری میدانم برای اینکه ما باید قانون را علی السویه وضع کنیم و اختصاص قائل نشویم .

از این جهت بنده این پیشنهاد را کردم و عقیده دارم اگر بناسنت چهار صد تومان بدهند همه را بدهند و الا تمام سیصد و پنجاه تومان بگیرند .

زیرا چه دلیل دارد معاون وزارت خارجه سیصد و پنجاه تومان بگیرد و معاون وزارت خارجه چهار صد تومان باین جهت بنده پیشنهاد کردم که تمام علی السویه بگیرند .

رئیس - آقای متهد السلطنه هم نسبت به معاون وزارت مالبه استثنائی قائل شده اند پیشنهادی کرده اند .

آقای متهد السلطنه (اجازه) هم عرض کردم عقیده دارم اگر بنا شود یک استثنائی برای معاونین قائل شویم نسبت به معاون وزارت مالبه اولی و نائب است برای اینکه کار معاون وزارت مالبه از همه بیشتر است و بیشتر از سایر وزارتخانه ها کار می کند و فعلاً هم این چهار صد تومان را می گیرد این است که بنده پیشنهاد کردم و چهار صد تومان بگیرد .

رئیس - رأی می گیریم . بعضی از نمایندگان - این پیشنهاد است نمی شود رأی گرفت .

رئیس - صحیح است نمی شود رأی گرفت .

رئیس - صحیح است نمی شود رأی گرفت .

رئیس - صحیح است نمی شود رأی گرفت .

رئیس - صحیح است نمی شود رأی گرفت .

رئیس - صحیح است نمی شود رأی گرفت .

رئیس - صحیح است نمی شود رأی گرفت .

رئیس - صحیح است نمی شود رأی گرفت .

رئیس - صحیح است نمی شود رأی گرفت .

رئیس - صحیح است نمی شود رأی گرفت .

برای این بود که نتوانست در مورد استثناء قائل نشود و علتش هم معلوم است که او یک پذیرائی ها و یک معاشرت هائی دارد که ناچار خرج او زیاد تر از سایر معاونین می شود از این جهت بنده با پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب مخالفم و بنا بر اینت کمیسیون موافقم .

رئیس - رأی می گیریم به پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب که کلیه معاونین سیصد و پنجاه تومان باشد آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند .

(عده معدودی برخاستند) رئیس - تصویب نشد . پیشنهاد آقای داور و رئیس التجار قرائت میشود .

(بشرح ذیل قرائت شد) امضاء کنندگان پیشنهاد می کنند حقوق معاونین وزارتخانه ها مثل سابق تصویب شود .

رئیس - آقای داور (اجازه) هم عرض کردم عقیده دارم اگر بنا شود یک استثنائی برای معاونین قائل شویم نسبت به معاون وزارت مالبه اولی و نائب است برای اینکه کار معاون وزارت مالبه از همه بیشتر است و بیشتر از سایر وزارتخانه ها کار می کند و فعلاً هم این چهار صد تومان را می گیرد این است که بنده پیشنهاد کردم و چهار صد تومان بگیرد .

رئیس - رأی می گیریم . بعضی از نمایندگان - این پیشنهاد است نمی شود رأی گرفت .

رئیس - صحیح است نمی شود رأی گرفت .

رئیس - صحیح است نمی شود رأی گرفت .

رئیس - صحیح است نمی شود رأی گرفت .

رئیس - صحیح است نمی شود رأی گرفت .

رئیس - صحیح است نمی شود رأی گرفت .

رئیس - صحیح است نمی شود رأی گرفت .

رئیس - صحیح است نمی شود رأی گرفت .

رئیس - صحیح است نمی شود رأی گرفت .

رئیس - صحیح است نمی شود رأی گرفت .

وزراء موضوع داشته باشد ولی چون حقوق معاونین سیصد و پنجاه تومان پیشنهاد شد بنده عقیده دارم که حقوق وزراء باید دو برابر باشد باین جهت این پیشنهاد را کردم .

مخبر - بنده درست توضیحات حضرت والا را نفهمیدم .

ولی برای استحضار خاطر ایشان عرض میکنم که این مبلغ را اگر ما کم کنیم مربوط به پنجاه آخر سال است و اگر چنانچه تا آخر سال هم پنجاه تومان کسر کنیم پنجاه ماهش میشود هزار و پانصد تومان چون شش وزیر بیشتر نیستند بهر صورت این وضع و ترتیب مجلس بیشتر بهر حال شبیه شده یا بنده گمان میکنم اوقات مجلس را باین چیزها نباید صرف کرد .

رئیس - رأی گرفته میشود . باین پیشنهاد .

آقایانیکه تصویب می کنند قیام فرمایند .

(کس قیام نکرد) رئیس - تصویب نشد . رأی آید گرفته شود پیشنهاد آقای داور .

دست غیبی - بنده اخطار نظامنامه دارم .

رئیس - بفرمائید . دست غیبی - ماده شصت و پنج نظام نامه داخلی مطرح است در موردی که قانون بودجه مطرح است بهیچوجه اضافه خرج نمیتوان پیشنهاد کرد چه از طرف کمیسیون و چه از طرف و کلاه و پیشنهاد آقای داور .

رئیس - ماده الحاقیه حقوق وزراء در ماده السنه سی و چهارم لیل ۱۳۰۴ از قرار ما می هفتصد و پنجاه تومان و حقوق معاونین وزراء ماهیانه سیصد و پنجاه تومان با استثنای معاون وزارت خارجه که ماهیانه چهار صد تومان است باید منظور و پرداخته گردد .

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه) سلیمه ان میرزا - همان طور که در یک قسمت عرض کردم در قانون چهارجا لفظ ترکی استعمال شده است که هیچ مفید فایده نیست و اگر بگوئیم ۱۳۰۴ که دیگر لفظ سی و چهارم لیل باشد کافی است همینطور در ماده سه نوشته ۱۳۰۱ در ماده ۱۲ نوشته سه ماده تنگ و ژیل این هم لازم نیست و همان ۱۳۰۲ کافی است و خوب است بعد از این هم این الفاظ ترکی را در لوایح نگذارند همان سه

رئیس - اشخاصی که طرح پیشنهاد میکنند آنها افراد و کلاه هستند که کمیسیون افراد و کلاه نمیتوانند یک همچو چیزی آقای تدین

رئیس - اشخاصی که طرح پیشنهاد میکنند آنها افراد و کلاه هستند که کمیسیون افراد و کلاه نمیتوانند یک همچو چیزی آقای تدین

رئیس - اشخاصی که طرح پیشنهاد میکنند آنها افراد و کلاه هستند که کمیسیون افراد و کلاه نمیتوانند یک همچو چیزی آقای تدین

رئیس - اشخاصی که طرح پیشنهاد میکنند آنها افراد و کلاه هستند که کمیسیون افراد و کلاه نمیتوانند یک همچو چیزی آقای تدین

رئیس - اشخاصی که طرح پیشنهاد میکنند آنها افراد و کلاه هستند که کمیسیون افراد و کلاه نمیتوانند یک همچو چیزی آقای تدین

مجلس کرده بودند مسترد داشتند بنا بر این امروز دیگر نمیشود در آن صحبت کرد .

بعد که یک و دجه اعتباری خواستند در بودجه اعتباری هم همانطوری که نوشته شده بود کمیسیون معتقد بود که حقوق مستخدمین از رتبه اول معیر بشود و حقوق وزراء و معاونین را هم معتقد بود معین شود .

دلیل اینکه در سال گذشته که بودجه اعتباری پیشنهاد نکرده اضافاتی منظور شده بود و امسال هم اگر بهمان ترتیب باشد ممکن است یک اضافاتی منظور کنند چون در سال گذشته در بودجه حقوق وزیر مالبه هشتصد تومان و سایر وزراء هفتصد و پنجاه تومان شده بود .

این بود که کمیسیون در نظر گرفت حالا که بودجه اعتباری میدهد اختلاف ما بین حقوق وزراء و معاونین آنها مرتفع شود و یک میزان باشد که دیگر تا آخر سال از این حد زیاد تر شود از این جهت این ماده را پیشنهاد کردم راجع به حقوق وزراء و هم راجع به حقوق معاونین که اختلاف نداشته باشد .

رئیس - رأی میگیریم پیشنهاد آقای داور آقایانیکه این پیشنهاد را تصویب میکنند قیام فرمایند .

(عده کمی قیام نمودند) رئیس - تصویب نشد . رأی گرفته میشود بماده پیشنهادی کمیسیون قرائت میشود .

ماده الحاقیه حقوق وزراء در ماده السنه سی و چهارم لیل ۱۳۰۴ از قرار ما می هفتصد و پنجاه تومان و حقوق معاونین وزراء ماهیانه سیصد و پنجاه تومان با استثنای معاون وزارت خارجه که ماهیانه چهار صد تومان است باید منظور و پرداخته گردد .

رئیس - اشخاصی که طرح پیشنهاد میکنند آنها افراد و کلاه هستند که کمیسیون افراد و کلاه نمیتوانند یک همچو چیزی آقای تدین

رئیس - اشخاصی که طرح پیشنهاد میکنند آنها افراد و کلاه هستند که کمیسیون افراد و کلاه نمیتوانند یک همچو چیزی آقای تدین

رئیس - اشخاصی که طرح پیشنهاد میکنند آنها افراد و کلاه هستند که کمیسیون افراد و کلاه نمیتوانند یک همچو چیزی آقای تدین

رئیس - اشخاصی که طرح پیشنهاد میکنند آنها افراد و کلاه هستند که کمیسیون افراد و کلاه نمیتوانند یک همچو چیزی آقای تدین

رئیس - اشخاصی که طرح پیشنهاد میکنند آنها افراد و کلاه هستند که کمیسیون افراد و کلاه نمیتوانند یک همچو چیزی آقای تدین

رئیس - اشخاصی که طرح پیشنهاد میکنند آنها افراد و کلاه هستند که کمیسیون افراد و کلاه نمیتوانند یک همچو چیزی آقای تدین

رئیس - اشخاصی که طرح پیشنهاد میکنند آنها افراد و کلاه هستند که کمیسیون افراد و کلاه نمیتوانند یک همچو چیزی آقای تدین

رئیس - اشخاصی که طرح پیشنهاد میکنند آنها افراد و کلاه هستند که کمیسیون افراد و کلاه نمیتوانند یک همچو چیزی آقای تدین

قسمت اول آقایان وزیر راه و مهندسی و پناه تومان .
 آقایانیکه تصویب می کنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)
 رئیس- تصویب شد .
 خطاب به آقای معتمد السلطنه (خطاب به آقای معتمد السلطنه)
 سعادت کتیبم یادوقسمت؟
معتمد السلطنه- بیک قسمت دیگر رای گرفته شود
 رئیس- رای میگیریم .
 بقسمت دوم آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند .
 (اکثر قیام نمودند)
 رئیس- تصویب شد .
 (همه نمایندگان ایشان پیشنهاد کردند دو قسم شود قسمت اولش را اول رای گرفتیم و این قسمت ثانوی بود که رای گرفته شد .
 حالا رای گرفته میشود بجموع این ماده که ماده العاقبه شده .
 آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند .
 (اغلب قیام نمودند)
 رئیس- تصویب شد .
 آقای تدین (اجازه)
 تدین- بنده يك كلمه راهتیده دارم اضافه شود و آن كلمه شمس است .
 چون ۱۳۰۱ و ۱۳۰۴ مطلق نوشته شده .
 رئیس- نسبت بکلیه لایحه بکچنین پیشنهادی شده است .
 درموقتی که راجع بکلیات صحبت میشود این قضیه هم حل میشود .
 اجازه میفرمایند جلسه ختم شود .
 بعضی از نمایندگان- صحیح است .
 رئیس- جلسه آتی فردا .
 دستور اولاً بودجه مملکتی ثانیاً خبر کمیسیون بودجه راجع بعقالتندرس آقایان مدیران و ناظرین مدارس ثالثاً راپرت کمیسیون بودجه راجع به کتیرات مسیوهانری اشترونک مدیر مدرسه آلمانی رابها راپرت کمیسیون بودجه راجع بمسوهون مستخدم بازیکی خامساً راپرت کمیسیون فوائد عامه راجع بامتیاز رب سوس اگر مخالفی هست فرمایند .
وزیر قوا اعداعامه آبانمکن است بنده استدعا کنم لایحه مفایمت ماشین های صنعتی و فلاحتی راجعه دستور بگذارند
 رئیس- در کدام درجه؟
وزیر قوا اعداعامه- در هر درجه باشد بعد از بودجه .
 رئیس- درجه دوم مخالفتی ندارد؟
 (بعضی گفتند- خیر)
 رئیس- آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - عرض بنده راجع بلاجه رب سوس بود که فرمودید .
 رئیس- آقای یاسائی (اجازه)
یاسائی- بنده میخواهم تقاضا کنم لایحه علامت صنعتی که چند جلسه جزء دستور بود و تمام نشدو فقط يك ماده اش هم تمام شود که این قانون هم از مجلس بگذرد .
 رئیس- صده برای رای گرفتن کافی نیست .
کازرونی (اجازه)
 کازرونی- بنده عرضی ندارم فقط خواستم استدعا کنم که قانون تجدید نظر در انتظارات که مدتی است در کمیسیون بوده است و بنظر بنده ممکن است وقتش بگذرد .
 و چون آقایان در نظر دارند که در دوره چهارم همینطور بمساجه گذشت تا این که بکلی وقتش فوت شده حالا اگر جزء دستور بگذارند که بهمت آقایان شش ماه بآخر دوره مانده از مجلس بگذرد خیلی بجا است که بنده پیشنهاد میکنم آن قانون جزء دستور گذارد شود .
 رئیس- آقای اجاق (اجازه)
آقا سید حسن اجاق- بنده عرضم این است که آقای سالار اشرف را با اینکه بیست روز اجازه خواسته اند و درموقتی که راجع با اجازه ایشان را غائب مینویسند تمنی گرفته شود .
 رئیس- آقای معتمد السلطنه (اجازه)
معتمد السلطنه بنده استدعا می این بود که در فقره راپرت کمیسیون بودجه راجع بدو نفر از صاحب منصبان سوئدی و فرانسوی جزء دستور شود .
 رئیس - اینها می ماند برای روز شنبه
 مجلس موقع ظهر ختم شد
 رئیس مجلس شورای ملی مؤتمن الملک منشی - علی اقبال الملک منشی معظم السلطان
جلسه صد و دوم صورت مشروح مجلس یوم یکشنبه هفتم برج جدی ۱۳۰۴ مطابق غرة جمادی الثانیه ۱۳۴۲
 (مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل شد)
 (دورت مجلس روز قبل را آقای میرزا جوادخان قرائت نمودند)

رئیس- آقای وکیل الملک (اجازه)
 اسدالله خان را در صورت مجلس غائب بی اجازه نوشته اند در صورتیکه ایشان چند روز است مریض بستری هستند تقاضای مرخصی شان هم توسط خود بنده تقدیم شد .
 با آسید محمود هم گفتیم بداره هم خبر دادیم الان هم بستری هستند .
 رئیس- بلی صحیح است باید اصلاح شود . آقای یاسائی .
یاسائی- بنده بعد از تصویب صورت جلسه عرض دارم .
 رئیس- آقای ضیاء الواعظین (اجازه)
ضیاء الواعظین- بنده را جزو دیر آمدگان بی اجازه نوشته اند در صورتیکه بنده حتی المقدور اهتمام دارم دیر نیام . شاید اشتباه شده باشد .
 رئیس- آقای کازرونی (اجازه)
کازرونی- بنده هم بعد از تصویب صورت مجلس عرض دارم .
 رئیس- آقای افشار (اجازه)
افشار- عرض بنده هم بعد از تصویب صورت مجلس است .
 رئیس- نسبت بصورت مجلس ایرادی نیست ؟
 (گفتند خیر)
 رئیس- آقای یاسائی (اجازه)
یاسائی- چون در قسمت های آخر جلسات آقایان زود تشریف می برهنه می شود در دستور مجلس رای گرفت این است که بنده قبل از دستور عرض میکنم .
 چندی قبل بنده پیشنهادی راجع باصلاح مواد شصت و شش و شصت و هفت و هفتاد و يك قانون استخدام کشوری تقدیم مجلس نمودم و بیشتر نظریاتی هم که راجع بقانون استخدام هست راجع بهمین دوسه ماده است .
 این پیشنهاد قابل توجه شد و رفت بکمیسیون تجدید نظر در قانون استخدام و در آنجا توجهی باین پیشنهاد نکردند یعنی نبرد کردند نه قبول و نه اصلاح کردند و همینطور بالانکلیف مانده است چون در نظامنامه يك ماده هست که هر گاه بعد از دو ماه کمیسیون راپرت نداد پیشنهاد کننده حق دارد تقاضا کند پیشنهادش جزء دستور شود و حالا هم از موقع تقدیم این پیشنهاد چهار ماه گذشته است لهذا بنده تقاضا میکنم در جلسه دیگر بعد از بودجه مملکتی جزو دستور شود .
 رئیس- آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی- چند فقره راپرت از طرف کمیسیون عرایض و مرخصی تقدیم شده مدتی هم طول کشیده و تقاضا کنندگان هم مکرر از کمیسیون مطالبه میکنند و بطوری که مشاهده شد موقع بعضی از آنها هم گذشته است بنابراین استدعا می-کنم اگر ممکن باشد جزو دستور امروز گذاشته بشود .
 رئیس- قبل از ورود بدستور رای میگیریم . آقای افشار (اجازه)
افشار- دوسه سال قبل از این هیئت تجار ارومیه تصمیم گرفتند برای معارف آنجا از عایدات مرسولات پستی دریایه ارومیه بوطی چهارشاهی تخصیص بدهند . از قرار اطلاعات واصله حالا آنرا جزو مالیات آذر بایجان کرده اند و این عوائد معارفی را تبدیل بموائد مملکتی نموده اند . از یک طرف هم مبلغ ۵۷ هزار تومان امانه ارومیه را که در تجارت خانه طومانیانسی بوده و بخدمت داده شده حاله مأمورین وزارت مالیه آمده اند و با کمال فشار از مردم مطالبه می کنند در بیست و شش عترب هم سؤالی در این خصوص از وزارت مالیه نموده ام و هنوز برای جواب حاضر نشده اند استدعا میکنم تأکید فرمایند برای جواب حاضر شوند .
 رئیس- تأکید میشود . آقای حائری زاده (اجازه)
حائری زاده- در آخر جلسه سابق که عده رای اخذ رای کافی نبود در موضوع راپرت کمیسیون تجدید نظر در قانون انتخابات عنوان شد که از عمر مجلس يك سال و کسری بیشتر باقی مانده است و قانون انتخابات لاقابل باید هفت هشت ماه بآخر دوره از تصویب مجلس بگذرد که مردم کاملاً مطلع باشند و دولت هم بتواند شش ماه بآخر دوره مانده وسائل اجرای آن را فراهم کند .
 امروز هم بنده تصور کردم که شاید در آخر جلسه عده برای مذاکره و رای کافی نباشد .
 این بود که در اول جلسه اجازه خواستم تقاضا کنم که قانون انتخابات راجع بدستور جلسه آتی قرار بدهند که قانون زودتر از تصویب مجلس بگذرد چون وقت خیلی تنگ است .
 رئیس- آقایانی که مرخصی بیست روزه آقای سالار اشرف را تصویب میکنند قیام فرمایند .
 (اغلب نمایندگان برخاستند)
 رئیس- تصویب شد
 آقای سالار اشرف نماینده محترم تلگرافاً تقاضای بیست روز تمدید مرخصی کرده اند کمیسیون چون ایشان را معذور تشخیص داد تصویب می نماید .
 رئیس- آقایانی که مرخصی بیست روزه آقای سالار اشرف را تصویب میکنند قیام فرمایند .
 (جمع کثیری قیام نمودند)
 رئیس- تصویب شد .
 آقای مظیبی بجهت مداوا و معالجه رمد چشم تقاضا کرده اند که در ده جلسه از تاریخ یازدهم قوس در هر جلسه يك زاده که مخبر بودند چند روزی کسالت داشتند ممکن نشد خبر آن تقدیم مجلس بشود و

فداری بتأخیر افتاد در هر صورت قصوری از طرف کمیسیون نشده است معض اطلاع خاطر نماینده محترم عرض کردم .
بعضی از نمایندگان - وارد دستور شوید .
 رئیس- چند فقره راپرت مرخصی قرائت می شود بعد وارد دستور می شویم . (بشرح آتی قرائت شد)
 حضرت آقای آشتیانی نماینده محترم چون خودشان را مکلف میدانند که زیارت هتبات مالیات شرف شوند تقاضا کرده اند که دوماه اجازه ایشان داده شود کمیسیون تصویب می نماید که مدت دو ماه از روز حر کت غائب با اجازه نوشته اند .
 رئیس- آقایانیکه مرخصی دو ماهه آقای آشتیانی را تصویب می کنند قیام فرمایند .
 (اغلب قیام نمودند)
 رئیس- تصویب شد .
 حضرت آقای سردار عشار نماینده محترم استجازه قیامت در در جلسه سه شنبه ۲۶ و پنجشنبه ۲۸ عترب کرده بودند کمیسیون تقاضای ایشان را تصویب می نماید .
حائری زاده- این معنی ندارد . اجازه میفرمائید؟
 رئیس- چرا لازم است رای گرفته شود .
 آقایانی که مفاد راپرت کمیسیون را تصویب میکنند قیام فرمایند .
 (عده کثیری قیام نمودند)
 رئیس- تصویب شد
 آقای شریعت زاده نماینده محترم تقاضا کرده اند که چون بجهت رفع کسالت مزاج مشغول معالجه هستند اگر از تاریخ دوم قوس تا مدت ده روز از ساعات معینه جلسات دیرتر بمانند مجاز هستند کمیسیون تقاضای مشروع ایشان را تصویب می نماید .
 رئیس- آقایانی که مفاد راپرت کمیسیون عرایض را تصویب می کنند قیام فرمایند .
 (اغلب نمایندگان برخاستند)
 رئیس- تصویب شد
 آقای سالار اشرف نماینده محترم تلگرافاً تقاضای بیست روز تمدید مرخصی کرده اند کمیسیون چون ایشان را معذور تشخیص داد تصویب می نماید .
 رئیس- آقایانی که مرخصی بیست روزه آقای سالار اشرف را تصویب میکنند قیام فرمایند .
 (جمع کثیری قیام نمودند)
 رئیس- تصویب شد .
 آقای مظیبی بجهت مداوا و معالجه رمد چشم تقاضا کرده اند که در ده جلسه از تاریخ یازدهم قوس در هر جلسه يك زاده که مخبر بودند چند روزی کسالت داشتند ممکن نشد خبر آن تقدیم مجلس بشود و

بالاجازه باشند کمیسیون عذر موجه ایشان را تصویب مینماید .
 رئیس- لازم برای گرفتن نیست .
 مرخصی آقای نظام التولیه (اینطور خوانده شد)
 آقای نظام التولیه تقاضا کرده اند که چون مشغول معالجه هستند يك ماه از اول جدی الی اول دلو اجازه قیامت بایشان داده شود چون دلائل عذر ایشان موجه بر کمیسیون مکتشف بود تقاضای ایشان را تصویب مینماید .
 رئیس - آقایانیکه با مفاد راپرت کمیسیون موافقت قیام فرمایند .
 (جمع قیام نمودند)
 رئیس- تصویب شد .
 قسمت دوم ماده چهاردهم راپرت کمیسیون بودجه دیروز بلا تکلیف همانند امروز باید رای گرفته شود و تکلیفش معلوم شود .
 رای گرفته میشود باورقه آقایانیکه موافقت ورقه سفید والا کبود خواهند داد . لازم است قرائت شود؟
 بعضی از نمایندگان - قرائت شود . (اینطور قرائت شد)
 ابتدای تبه های قانونی مستخدمین کشوری و قضات از اول حمل تنگوزنیل ۱۳۰۲
 رئیس- تنگوزنیل لازم نیست . حمل ۱۳۰۲ شمسی .
 مجدداً قرائت میشود .
 (مجدداً با حذف تنگوزنیل) و اضافه کلمه شمس قرائت شد)
 (اخذ و استخراج آراء بعمل آمده اینطور نتیجه حاصل شده ورقه سفید ۱۹ ورقه کبود ۵)
 رئیس- عده حاضر نود و يك قسمت دوم ماده چهاردهم با بنجاه و چهار رای رد شد .
 اسامی مخالفین- آقایان حاج مشیر اعظم آقا سید کاظم آقا شیخ جلال الدین کازرونی اعتبار الدوله سلیمان میرزا رئیس التجار صدرائی آقا شیخ عبدالرحمن سهام السلطان حاج سیدالاحقین حائری زاده ضیاءالاطباء شیخ الاسلام آقا سید یعقوب سلطان العلماء شیردانی نجات ملک الشمره .
 اسامی مخالفین- آقایان میرزا جوادخان افشار اقبال الملک هلائی امیر شحمت مشیر معظم دولت آبادی مشیر الدوله تنی زاده رهنما وکیل الملک سردار فاخر مقوم الملک عدل الملک احتشام الملک احتشام الحکماء مشاور اعظم سر کشک زاده سردار متصرف هریزی آقا شیخ محمد علی نهرانی سیف الله خان اسکندری حاج میرزا عبدالوهاب امیر اعلم دیوان بیگی میرزا آقاخان مصدق الملک یاسائی وحید الدوله مدرس الملک میرزا سلیم خان دست غیب امیر

بهره قائم مقام حاج میرزا علی رضا غلامحسین میرزا سیدار اعظم عماد السلطنه سردار معتمد ضیاء الواعظین صولت السلطنه سردار نصرت امیر احتشام آقا میرزا سید مصطفی سالار لشکر امین الشریعه ضیاء الملک هایم سردار مفهم داور مظیبی آقا میرزا سید حسن کاشانی صدق السلطنه معتمد السلطنه یمن الملک .
 رئیس- رای گرفته میشود بقسمت اولر دوم ماده چهاردهم قرائت میشود . (بشرح آتی قرائت شد)
 ماده چهاردهم کلیه وزارتخانه ها مکلف خواهند بود که بودجه تفصیلی خود را با در نظر گرفتن اصول ذیل از اول عده السنه ۱۳۰۴ تهیه نمایند .
 ۱- مقرری رتبه اول مستخدمین کشوری سی و دو تومان رتبه اول قضات چهل و پنج تومان .
 یاسائی- بنده میخواستم تقاضا کنم لفظ اصول تبدیل شود زیرا اینجا يك اصل بیشتر نیست .
 منیر- بلی صحیح است چون سابقه اصل داشت ولی حالا در اصلش از طرف مجلس رد شده است و باید نوشته شود بترتیب ذیل .
 رئیس - رای میگیریم بقسمت اول با تبدیل اصول ذیل بترتیب ذیل آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند .
 (اغلب قیام نمودند)
 رئیس- تصویب شد . رای میگیریم به مجموع هر دو قسمت آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند .
 (جمع کثیری قیام نمودند)
 رئیس- تصویب شد .
 يك ماده العاقبه هم رسیده است که گمان میکنم جایش اینجا نباشد معذکات قرائت می شود .
 (پیشنهاد جمعی از آقایان بشرح ذیل قرائت شد)
 اینجانبان پیش نهاد مینمائیم که ماده العاقبه ذیل بر مواد قانون بودجه علاوه شود .
 ماده العاقبه - وزراء مکلفند مادامی که در جزو منتظرین خدمت وزارتخانه ها اشخاصی هستند که از عهده شغلی ر میایند اشخاص خارج را بعنوان کتیرات استخدام ننمایند مگر در فن مخصوصی متخصص باشند که در عده منتظرین خدمت یافت نشود .
 طهران- امیر شحمت .
 رئیس- گمان نمیکم این جایش در قانون بودجه باشد (بعضی از نمایندگان صحیح است) آقای طهرانی .
 (اجازه)
 طهران- بنده عقیده ام این است که این مسئله محتاج بتدکیر نیست فقط

ماده دهم قانون استخدام مینویسد - متخصمین فنی از اتباع داخله که بموجب قراردادهای مخصوصه برای مدت معینی اجیر میشوند جزو مستخدمین رسمی محسوب نخواهند شد .
 مقصود این ماده اینست که اگر متخصمین فنی استخدام شده اند جزو منتظرین خدمت و مشغولین خدمت محسوب نخواهند شد فقط همین اندازه نوشته است و این يك دست آویزی شده است برای غالب وزارتخانه ها و کلمه را بعنوان متخصمین فنی انتخاب و استخدام مینمایند در صورتیکه عده زیادی از اعضاء وزارت خانه ها بعنوان منتظرین خدمت بیکار هستند .
 بنده و بعضی از آقایان محترم که پیش نهاد کردم نظرم آن در این موضوع راجع بودجه است .
 از بکطرف اشخاصی را استخدام میکنند بعنوان کتیرات وارد وزارتخانه ها میکنند و میگویند متخصمین فنی هستند درحالی که در بین آن منتظرین خدمت همان مقدار تخصص فنی که این اشخاص دارند دارا هستند و ما می بینیم اشخاصی را بعنوان مترجم یا بناورین دیگر خدمت معناد تقریباً کتیرات وارد وزارت خانه ها کرده اند و يك مقدار تمتد بهی از عایدی مملکت صرف آنها میشود و حال آنکه در بین منتظرین خدمت اشخاصی هستند که میتوانند شغل مترجمی را عهده دار شوند .
 در صورتیکه در بین منتظرین خدمت هست دیگر هیچ لزومی ندارد يك عده را کتیرات کنند و از عایدی مملکت مبلغ زیادی به آنها بدهند -
 هفتاد تومان هشتاد تومان صد تومان دوست تومان سیصد تومان .
 عده زیادی بیچاره بعنوان منتظرین خدمت باید بیرون قدم بزنند . حتی يك چیزی بنده شنیده ام شاید راست باشد شاید هم دروغ باشد .
 اشخاصی را بعنوان متخصمین فنی استخدام کرده اند که در بازار میروند قلم و مداد میخرند .
 در صورتیکه در بین منتظرین خدمت هستند اشخاصی که میتوانند مداد و قلم بخرند و این هفتاد و هشتاد تومان را به آنها بدهند دیگر يك حقوق منتظر خدمت علاوه بر بودجه مملکتی نشود .
 بنا بر این برای این که مبلغ زیادی بر بودجه مملکتی تحمیل نشود .
 بنده و رفقای دیگر که در اینجا امضا کرده اند عقیده ما این است که مادام که در بین منتظرین خدمت متخصمین فنی هستند وزارت خانه ها حق ندارند خارج اشخاصی را بنام متخصمین فنی استخدام کنند .

حالا اگر میگوئید ماده ده قانون استخدام اقاده این معنی را میکند بنده میگویم نمیکند اگر مقرر ماید راجع بقانون بودجه نیست بنده بنظر می آید که مربوط بودجه هست چون موافق این ماده مبلغی از بودجه کسر میشود.

جایش این جا است و این حق هم برای ما هست که پیش نهاد نمایم.

رئیس- آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا- ایشان فقط ماده ده قانون استخدام را ملاحظه فرموده اند. اگر ماده هفتاد و سه قانون استخدام را ملاحظه بفرمایند همین پیش نهاد ایشان است و دیگر این پیش نهاد از روی ندارد که يك مرتبه هم در قانون موقتی بودجه نوشته خود محض استحضار خاطر ایشان ماده هفتاد و سه را میخوانم.

مادام که عده منتظرین خدمات ادارات دولتی بیش از صدی پنج مقرر در ماده ۲۹ میباشد هیچ يك از وزارت خانه ها و ادارات حق استخدام عضو جدید ندارند و باید عضولازم را با رعایت قدمت خدمت و دارا بودن شرایط و معلومات لازم از میان منتظرین خدمت وزارت خانه ها انتخاب نمایند مطلبی که ایشان میخوانند در قانون استخدام بگمردی هم بیشتر نوشته شده خیلی هم واضح و روشن است.

حالا اگر چنانچه فرضاً رعایت این ماده نشود این پیشنهاد هم همان حال را خواهد داشت پس باید سعی کرد که قوانین اجرا شوند.

رئیس- در هر صورت گمان میکنم جایش اینجا نباشد.

مدرس- جایش همین جا است چون در بودجه تفاوت میکنند.

رئیس- جایش اینجا است؟ بعضی از نمایندگان - بلی.

رئیس- بسیار خوب.

رأی میگیریم بقابل توجه بودنش آقایانیکه این پیشنهاد قابل توجه میدانند (اغلب قیام نمودند)

رئیس- قابل توجه شد.

رایورت کمیسیون قوانین مالییه قرائت میشود.

(شرح آتی قرائت شد)

خبراز کمیسیون قوانین مالییه بمجلس شورای ملی:

کمیسیون قوانین مالییه لایحه پیشنهادی ماشینهای فلاحتی و صنعتی تقدیم مجلس شده بود مورد شور و فرار داده مواد ذیل را تقدیم می نماید

ماده اول - کلیه ماشینهای فلاحتی و صنعتی و با قطعات آنها از تاریخ تصویب این قانون تا ده سال از حقوق ورودی

کمرک معاف خواهد بود.

تبصره- معافیت فوق شامل ماشینهای ذیل و قطعات آنها نیست:

ماشینهای خیاطی - قیطان دوزی - فلاپدوزی و ماشین آژور - ماشینهای طبع- گراور و صعافی- ماشینهای توتون بری و لیز سازی - ماشین جوراب بافی - ماشینهای مربوط بطبع ماده دوم - وزارت مالییه مأمور اجرای این قانونست.

رئیس - مذاکرات راجع بکلیات است مخالفی ندارد؟ (گفته شد خیر)

رئیس - رأی میگیریم برای دخول در شور و موافق.

آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس- تصویب شد. ماده اول (بشرح سابق قرائت شد)

رئیس- مخالفی ندارد؟ گفتند خیر - ماده دوم.

(بشرح گذشته خوانده شد)

رئیس- آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - در این خصوص رقتیکه در کمیسیون اقتصادیات مذاکره شد نظریه کمیسیون این بود که چون این اصل اتخاذ شده است برای ترویج صنعت و ترقی فلاح فقط معاف بودن از کمرک حکایت نمی کنند خوبست در این باب نظری هم اتخاذ شود که ماشینهای فلاحتی هم از کمرک و هم از باج راه و نوافل که تجملاتش بیش از کمرک است معاف باشند (صحیح است)

این دو نظر در کمیسیون اقتصادیات گرفته شد.

رئیس - این مسئله راجع به ماده دو نیست.

ارباب کیخسرو - کدر اینجا يك پیشنهادی بشود که آنها هم ضمیمه این قانون باید پیشنهاد شود.

یعنی اگر مجلس موافقت بکند این پیشنهاد هم ضمیمه این قانون بشود.

آقای وزیر فواید عامه هم حضور داشتند و موافق بودند.

شاور مخبر کمیسیون - این اظهاریکه آقای ارباب فرمودند مخالفت نبود بلکه خواستند يك چیزی اضافه شود.

بنده تصور میکنم اساساً فکر کمیسیون اقتصادیات فکر صحیحی است و باید بهر شکلی هست وسائل تسهیل ورود ماشینهای فلاحتی و صنعتی را در مملکت فراهم کرد ولی آیا این مسئله در ضمن این لایحه باید قید شود یا خیر؟

بنده نمیدانم و برای بنده قدری تردید

حاصل شده در هر حال چون در اصل ماده مخالفی نیست بنده تصور میکنم به ماده رأی گرفته شود.

(بعضی از نمایندگان - شور اول است) بعد اگر آقایان پیشنهادی دارند بفرستند به کمیسیون کمیسیون هم نظریه خود را اظهار میدارد.

آن وقت اگر مجلس قبول کرد در ضمن لایحه نوشته می شود و الا يك طرح علیحدگانه (که بنظر بنده بهتر خواهد بود) تقدیم نمایند.

(بعضی از نمایندگان - صحیح است)

رئیس - آقای تقی زاده (اجازه)

تقی زاده - آقا فرمودند: شاید مناسب ترین باشد که يك طرح دیگری در این خصوص پیشنهاد شود.

اگر طرح دیگری پیشنهاد شود و بکمیسیون مبتکرات و مدتی در آنجا مانده بعد پس از قابل توجه شدنش می رود چندین ماده در کمیسیون مربوطه خودش می ماند آخرش هم با مجلس می آید یا نمی آید پس حالا که مجلس به اتفاق آراء با قریب به اتفاق لازم دانسته اند که قدامی راجع به اقتصادیات برداشته شود و کمیسیون اقتصادیات تشکیل شده است و در آنجا پاره مسائل اقتصادی مورد مذاکره و مطالعه در آمده اگر چه اساسی جزئی است و کلی نیست ولی امیدوارم بزودی در مسائل کلی از قبیل راه آهن و غیره نیز داخل شوند ولی البته این قسمت های فنی هم خیلی به اقتصادیات کمک میکند لهذا بنده علاوه بر آنکه پیش نهاد آقای ارباب را تأیید میکنم علاوه میکنم بر پیشنهاد ایشان که راجع بوسائل نقلیه هم چرخ دارد (غیر از وسائل نقلیه حیوانی) آنها هم از باج راه و کمرک معاف باشد.

اگر در کمیسیون اقتصادیات مذاکره شده است يك طرح لایحه قانونی دیگری از مجلس بگذرد که متضمن تمام اینها باشد ولی مخالفتی هم ندارد که يك ماده الحاقیه در همین لایحه پیشنهاد شود و هیچ با هم متباین نخواهد بود اساساً این باشد که ماشینهای صنعتی و فلاحتی و همچنین وسائل نقلیه که چرخ دارد از کمرک و باج راه و نوافل معاف باشند.

راجع باج راه هم کمیسیون در نظر دارد يك تعقیفی بدهند که بتدریج از بین برود دولت هم موافقت کرده است.

رئیس- دیگر مخالفی ندارد؟ (گفته شد خیر) پیشنهادها قرائت میشود.

پیشنهاد آقای تهرانی (بشرح ذیل قرائت شد)

اینجانب پیشنهاد مینمایم که پس از عبارت در ورودی کمرک عبارت (و باج راه)

معاف خواهد بود.

شیروانسی - بنده عرض نظامنامه دارم.

رئیس- بفرمایند.

شیروانسی- چون نظامنامه اجازه میدهد که يك نفر نماینده تقاضای فوریت يك لایحه را بنماید و اگر بناء باشد این لایحه به کمیسیون برگردد مدتها طول میکشد این است که بنده تقاضای فوریت آنرا می نمایم که دیگر برای شور دوم طول نکشد.

رئیس - در عین شور گفته نشده است.

(سایر پیشنهادها بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که ماشین ها و ادوات مذکوره علاوه بر معافیت کمرک کمیسیون عوارض در بین راه از قبیل باج راه و نوافل معاف باشد. کاررونی بنده پیشنهاد میکنم ماشین های مذکوره در لایحه مطرح شده نیز عوارض باج راه و نوافل معاف باشد کیخسرو.

بنده پیشنهاد میکنم مدت پنج سال باشد. میرزا شهاب.

ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد میدارم. کلیه ماشین های ورودی مذکوره در ماده (۱) از هر گونه حق عبور در راه ها و عوارض ورودی در شهرها معاف خواهند بود. محمولی.

رئیس- پیشنهاد هالرجاع می شود بکمیسیون ماده دوم دیگر مخالفی ندارد.

(گفتند خیر)

رئیس- رأی میگیریم بشور دوم آقایانی که تعویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس- تصویب شد این رایورت که طبع و توزیع شده بود در آن خبر کمیسیون فواید عامه بودجه هم مندرج و هر دو کمیسیون تصویب کرده بودند البته با اطلاع آقایان رسیده است.

(بعضی از نمایندگان صحیح است)

خبر کمیسیون بودجه راجع بحق التدریس مدیران و ناظمین مدارس مطرح است.

(خبر مزبور بشرح ذیل خوانده شد)

کمیسیون بودجه لایحه ۱۸۳۸۸۸ سنبله وزارت معارف و ارجاع بحق التدریس مدیران و ناظمین مدارس دولتی مورد مطالعه قرار دادند و نظر باینکه پرداخت دو حقوق قانوناً متنوع است و از طرفی هم مدیران و ناظمین مدارس حسب الامروزات معارف مشغول تدریس بوده اند و نظر باینکه وزارت مالییه هم در تحت لایحه ۴۴۲۴ موافقت خود را ابراز و تشخیص میدهند که محل حق التدریس مزبور را بابت سنه ماضیه موجود و پرداخته نشده لهذا کمیسیون نظر بر اینست حال مدیران و ناظمین و نظر باینکه

محل این تنخواه از باب اعتبارات ماضیه باقی است پرداخت آنرا بعنوان انعام تصدیق نموده و ماده واحده ذیل را تنظیم و جهت تصویب تقدیم مجلس مقدس مینماید:

ماده واحده - مجلس شورای ملی تصویب مینماید مبلغ سه هزار ریاضد و نود و نه تومان و نه قران حق التدریس سنه ماضیه ۱۳۰۲ مدیران و ناظمین مدارس دولتی را بشرح و رتبه منضمه از محل منظور در بودجه تنگ و ذیل بضمیمه انعام پرداخت نماید.

رئیس- آقای دستغیب (اجازه)

دستغیب- بنده موافقم.

رئیس- مخالفی ندارد؟ بعضی از نمایندگان خیر.

رئیس- رأی گرفته میشود آقایانی که تصویب میکنند ورقه سفید والا ورقه کبود (اغذ واستخراج آراء بعمل آمده هشتاد و سه ورقه سفید تعدادند)

رئیس- عده حضار نمود و پنج باهتاد و سه رأی تصویب شد.

اسامی رأی دهندگان: آقایان - صدق - السلطنه - خونی - هلائی - اقبال الملك - افشار - محمد ولی میرزا - معظم السلطان - آقا شیخ هادی شیخ الرئیس - آقا سید کاظم - آقا شیخ جلال - محمد هاشم میرزا - امیر حشمت - حاج مشیر اعظم - مشیر الدوله - حاج میرزا یحیی دولت آبادی - وکیل الملك - کاررونی - اعتبار الدوله - سلیمان میرزا - سردار فاخر - مقوم الملك - رهنما بین الملك - مشیر اعظم - اسکندری - صدر الاسلام - سهراب خان - میرزا شهاب - احتشام الملك - ارباب کیخسرو - یاسائی - سردار منتصر - عساکر السلطنه - مشیر معظم - معتمد السلطنه - نصرت الدوله - مصدق الملك - میرزا آقاخان - آقا شیخ محمد علی طهرانی - صدر العلماء - مفتی - سهراب زاده - امیر اشرف - احیاء السلطنه - شریعت زاده - ایزدی - صدرائی - وحید الدوله - آقا شیخ عبدالرحمن - حاج میرزا علی رضا دستغیب - غلام حسین قائم مقام - امیر اعظم - حائری زاده - معز عیاضه الاطیاب - سیدز اعظم - شیخ الاسلام - آقا میر سید احمد بهبهانی - سردار معتمد - صولت السلطنه - ضیاء الواعظین - آقا سید مصطفی بهبهانی - امیر احتشام - مدرس - آشتیانی - سردار نصرت - هرزی - معاهد السلطنه - سالار اشکر - حاج آقا اسماعیل - امین الشریعه - ضیاء الملك - سلطان العلماء - آقا سید یعقوب - نجات - هابم - داور - عظیمی - آقا میر سید حسن کاشانی - عدل الملك.

رئیس- رایورت کمیسیون معارف راجع با استخدام د کتر هانری اشترونک يك شور دارد.

(خبر کمیسیون معارف اینطور قرائت شد)

کمیسیون معارف لایحه ۵۳۸۵ وزارت معارف راجع با استخدام (دکتر هانری اشترونک) مدیر و معلم مدرسه صنعتی را با حضور نماینده آن وزارت خانه مطرح مذاکره فرار داده مواد ذیل بانفاق آراء تصویب و بمجلس شورای ملی تقدیم می نماید.

ماده اول - دولت مجاز است (دکتر هانری اشترونک) تبعه آلمان را ب مدت ۳ سال از تاریخ اول سرطان ۱۳۰۳ (۲۲ ژوئن ۱۹۲۴) برای معلمی و مدیری مدرسه صنعتی استخدام نماید.

ماده دوم - حقوق د کتر اشترونک سابقاً چهار هزار تومان خواهد بود و بطور قسط - الشهور از تاریخ فوق دریافت میدارد.

ماده سوم - مبلغ چهار صد تومان خرج مسافرت بد کتر اشترونک داده میشود و پس از خدمت فرار داد برای مراجعت مشارالیه نیز معادل همین مبلغ تأییه خواهد شد.

ماده چهارم - دولت مجاز است بر طبق ماده ۳ قانون کتترات مستخدمین خارجیه مصوبه ۲۳ محرم ۱۳۰۱ سایر شرایط را تعیین و کتترات د کتر اشترونک را امضاء نماید.

رئیس- در کلیات مخالفی نیست؟ عظیمی- اجازه میفرمایند؟

رئیس- بفرمایند.

عظیمی- در اینجا نوشته شده است که د کتر هانری اشترونک را از برج سرطان گذشته دولت کتترات کرده است. بنده میخواستم توضیح بدهم آیا دولت کتترات کرده است بعد این لایحه را بمجلس فرستاده است یا اینکه هنوز کتترات نکرده اند و میخواهند ما را تصویب کنیم؟ چون برای گذشته که ما نمی توانیم تصویب کنیم خوبست توضیح بدهند.

ضیاء الواعظین مخبر - بنده ملتفت نبودم که آقای عظیمی چه فرمودند فقط چیزی را که بنده ملتفت شدم این بود که فرمودند چرا در اینجا نوشته شده است از اول سرطان در حالتیکه باید خاطرشان مسبوق باشد

الآن مدتی است این شخص وارد ایران شده وزارت معارف هم در زمانیکه حضرت اقدس والا (اجازه سلیمان میرزا) - متصدی وزارت معارف بودند مدتی در این خصوص مشغول مطالعه بوده اند و کتترات ایشان در تحت شور بوده است بعد تقدیم مجلس شده الان هم قریب یکماه و نیم است کتترات ایشان بمجلس آمده است.

رئیس- دیگر مخالفی ندارد؟ آقای کاررونی.

(اجازه)

کاررونی - عرض بنده هم همانست که آقای عظیمی فرمودند کتترات باید

بعد از آنکه مجلس تصویب کرد منضمه شود لکن اینجا نوشته شده است از اول سرطان کتترات شده اگر مختار بوده اند خودشان کتترات کرده اند

دیگر چرا با میگویند تصویب کنید و آزرده اند این جا؟

اگر هم کتترات نشده است دیگر سرطان چه معنی دارد؟

اما آنچه که آقای مخبر فرمودند در اول در این خصوص ذکر کردند یکی اینکه فرمودند سابق بر این این شخص وارد ایران شده

البته باید تصدیق بفرمایند که اگر ده سال پیش از این هم وارد شده بودند ما برای این ده سال نباید کتترات ایشان را بپذیریم علاوه فرمودند وزیر مشغول مطالعه و ترتیب کتترات بوده اند این را هم گمان نمی کنم برای مجلس دلیل بشود در هر صورت بنده تصور میکنم پس از آنکه تصویب شد باید کتتراتش منضمه شود

رئیس- آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده با فرمایش آقای عظیمی که فرمودند باید کتترات از تصویب مجلس بگذرد و تا نگذشته است رسمیت ندارد موافق هستم خواستم همین را عرض کنم.

رئیس- عس مخالف بودید؟

آقا سید یعقوب - بلی.

رئیس- آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - آقای کاررونی خودشان از کلای دوره چهارم بودند و میدانند که در دوره چهارم يك مبلغی اعتبار برای مدرسه آلمانی تصویب شد و این مبلغ برای تهیه لوازم اولیه اش بود و یکی از چیزها یکه لازم بود و دولت هم اقدام کرد و در رسید بر آمد استخدام يك مدیر برای این مدرسه بود و در همان موقع که بنده در آلمان بودم توسط سفارت ایران در آلمان اقداماتی شد و با این شخص مشغول مذاکره بودند

اساساً وقتیکه دولت اجازه مقدمانی داشته باشد يك کاری بکنند هیچ محظوری ندارد که داخل در مذاکره بشود و مقدمات کار را تهیه کند و اینجا هیچ خلاف قانونی نشده است پس از آنکه مذاکرات تمام شد با این شخص قراری دادند و کتترات آن را تقدیم مجلس نمودند.

بعضی از نمایندگان - صحیح است.

رئیس- رأی میگیریم برای شور در مواد آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس- تصویب شد. ماده اول (بعضیون سابق قرائت شد)

رئیس- مخالفی ندارد؟ (گفتند خیر)

رأی گرفته می شود بپادشاه اول آقایانی که موافقت قیام فرمایند.

(جمع کثیری قیام نمودند)

رئیس- تصویب شد. ماده دوم (مجدداً قرائت شد)

رئیس - آقایان موافقتین قیام فرمایند.

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس- تصویب شد. ماده سوم (بترتیب سابق قرائت شد)

رئیس- موافقتین با این ماده قیام فرمایند.

(جمع کثیری برخاستند)

رئیس- تصویب شد. ماده چهارم (بعضیون سابق الذکر خوانده شد)

رئیس- اشخاص که این ماده را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(غالب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد در کلیات آخر مخالفی نیست؟

آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - آقای مخبر و همچنین آقای ارباب که اطلاع دارند بخوبست توضیح بدهم. چون اگر این شخص مراجعت کند دولت چهار صد تومان باید با بدهد ولی اگر چنانچه بخواهد در ایران بماند آیا باز این حقوق را با میدهند یا نه

رئیس- حالا موقع نیست. آن ماده گذشت

آقا سید یعقوب- در کلیات نمیتوانم عرض کنم خواستم آقای مخبر توضیحی در این خصوص بدهند

مخبر- برای يك شخصی که با مصیبت بیاید برای خدمت باین مملکت آنقدر می ارزد که در موقع انتضاء کتترات وقتی که دولت از او رضایت دارد فرضاً در ایران هم بماند چهار صد تومان با بدهند چیزی نیست خیلی هم مستحضر است

رئیس- رأی می گیریم به رایورت کمیسیون معارف که مشتمل بر چهار ماده است آقایانی که تصویب می کنند ورقه سفید خواهند داد

(اغذ واستخراج آراء بعمل آمده نمود و سه ورقه سفید تعداد شد)

رئیس- عده حضار نمود و پنج بانودسه رأی تصویب شد

اسامی رأی دهندگان: آقایان - اقبال الملك - ملك الشعراء - خونی - معظم السلطان - نجات - افشار - هلائی - عظیمی - آقا سید کاظم یزدی - آقا شیخ هادی شیخ الرئیس - آقا شیخ جلال الهین - اجاقی - شاه زاده شیخ الرئیس - امیر حشمت وکیل الملك معمدولی میرزا حاج مشیر اعظم - دولت آبادی - دولت سردار مشیر حاج آقا اسمعیل سلیمان میرزا

تقی زاده عدل الملک مشیرالدوله سردار فخر - رهنما اعتبارالدوله - مقوم الملک یسن الملک - صدر الاسلام - مشارعظم اسکندری - صدق السلطنه - آقا میرزا شهاب مشیرمعلم - ارباب کیخسرو - سهراب خان هرمزی - یاسائی - سردار منصور - عماد السلطنه - معتد السلطنه - صدق الملک - رئیس التجار - سردار نصرت - عصر انقلاب - معنی - سهراب - زاده شریعت زاده - دکتر احیاء السلطنه - صدرائی - سهام السلطان - روحی آفاشیخ - عبدالرحمن - حاج میرزا علی رضا - دست قیب - غلام حسین میرزا قائم مقام - صدق السلطنه - آفاشیخ محمد علی تهرانی - امیراعظم حاج - سیدالمحققین - شیخ الاسلام - کازرونی - حاجی زاده ضیاءالاطباء - زعیم - سهراب - اعظم سردارمعتد - ضیاءالواصفین - سواد السلطنه - نصرت الدوله آقا میرزا - احمد بهبهانی - امیراحشام آفا سید مصطفی - بهبهانی سرکشیک زاده - معاضد السلطنه - آقا میرزا شهاب آشتیانی - سالار لشکر آقا - سید یعقوب - سردارمفتخ - امین الشریعه - ضیاءالملک شیروانی - هایم - داور آفا سید حسن - کاشانی - ایزدی - دیوان بیگی - احتشام الحکامه - وحیدالدوله - امیر اشرف - رئیس - چند دقیقه تنفس داده می شود (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل ویس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید رئیس - خیر کیسیون بودجه راجع به کتبرات مسیو هون مطرح است آقا مقوم الملک (اجازه) مقوم الملک - اجنبی هائی که در این مملکت مستخدم میشوند بنده عقیده دارم ... یک نفر از نمایندگان - راپرتش قرائت شود رئیس - قرائت میشود (شرح ذیل قرائت شد) خبر از کیسیون بودجه به مجلس مقدس شورای ملی ، کیسیون بودجه لایحه ۲۹۵۷۹ دولت را مورد بحث و مطالبه قرارداد و بدلایل شایقه که علاوه بر مفاد لایحه ۲۹۵۷۹ شفاهاً در کیسیون از طرف نماینده وزارت مالیه اظهار گردید لایحه مورد با اکثریت تصویب و موافقت از جهت تصویب به مجلس مقدس تقدیم نمایند ماد اول - وزارت مالیه مجاز است مسیوهون بلژیکی را از تاریخ تصویب تا سوم سنبله ۱۳۰۴ که موعده انقضاء کتبرات های دوازده نفر بلژیکی مصوب مجلس شورای ملی است بجهت خدمت اداره گمرک مجدداً مستخدم نمایند - ماده دوم - حقوق مسیوهون سالپانه

شش هزار دو صد و بیست تومان خواهد بود و بلاوه بطوری که درباره سایر مأمورین بلژیکی گمرک مقرر است اداره گمرک کافی السابق منزل مناسبی به اختیار مسیوهون خواهد گذاشت ماده سوم - سایر شرایط کتبرات بدستور قانون استخدام مستخدمین خارجی مصوب ۲۳ عرق ۱۳۰۱ مقرر خواهد شد رئیس - کیسیون خارجی هم ملتش را تصویب نموده است مقوم الملک - بنده عقیده مندم که کلیه اجنبی هائی که باین مملکت می آیند اولاداری تصدیق نامه علمی باشند و بلاوه این شخص شانزده سال است در ایران مانده است و اگر می شد استفاده ای از ایشان بنمایند تا بحال کرده بودند و خیلی ایرانی ها هستند که اطلاعاتشان از این شخص بیشتر است در صورتی که ما احتیاجی باین شخص نداریم برای چه باید شش هزار دو صد و بیست تومان با کرایه خانه پایشان بدهیم؟ در صورتی که د کتراتش و نکرارتی می خواهد کتبرات کنید چهار هزار تومان بدهید با اینکه یک آدم متخصص است و در فن خودش خیلی قابل است مسیوهون اگر در یک مکتب ابتدائی هم تحصیل کرده باشد باندازه که می توانستند از او استفاده نمایند از او استفاده کرده اند بنده معتقدم کلیه فرنگی ها که در مملکت ما می آیند پس از سه سال که ماندند تشریف ببرند زیرا اخلاق آنها مثل اخلاق مامی شود و اشباع می شود بلاوه ما آن معلومات که از مسیوهون انتظار داریم ایشان دارای آن معلومات نیستند رئیس - آقا شریعت زاده (اجازه) آقا مغبخبر برای دفاع از صندلی خود در کت نمودند رئیس - تأمل بفرمائید آقا مغبخبر میخواهند صحبت کنند مغبخبر - عقیده آقا مقوم الملک به عکس عقیده اغلب آقایان است برای اینکه آقا اینطور اظهار فرمودند که خوب مستخدمین خارجی و فیکه می آیند در ایران سه سال که مانده برون دسته دیگر بیایند در صورتیکه مادر عدل به عکس این دیده ایم اداره گمرک در نتیجه توقف مدت طولانی مستخدمین بلژیکی است که باین صورت تنظیم و انتظام حالیه در آمده است بعضی از نمایندگان - صبح است

و بلاوه ایراد می فرمایند که چرا حقوق فلان معلم چهار هزار تومان و حقوق مسیو هون شش هزار و فلانقدر تومان است در صورتیکه این دو مسئله را نمیتوان طرف مقایسه قرارداد و این شخص مطابق تحقیقاتی که شده است یکی از بهترین مستخدمین بلژیکی است و خدماتی که در سرحد شمال کرده است شاید آقایان نمایندگان معتز مرتضی خوب مسیو باشند که در درشت خدماتش نسبت به گمرک خیلی خوب و مهم بوده است بلاوه یک چیز دیگر هم هست و آن این است که اساساً استخدام مسیو هون از این تاریخ است تا سوم سنبله ۱۳۰۴ که تقریباً هفت ماه یا هشت ماه می شود و علت اینکه تاریخش را اینقدر فرار داده اند این است که مطابق بشود خانه اش یا خانه کتبرات سایر مستخدمین بلژیکی و در آنوقت اگر آقا یک نظر بیانی راجع باقراد مستخدمین بلژیکی داشته باشند میتواند اظهار کنند بعضی از نمایندگان - گفتند مفاکرات کافی است رئیس - تصویب شد (ماده اول شرح سابق قرائت شد) رئیس - آقا سید یعقوب (اجازه) این کلماتیکه یک قدری احتمال دارد همیشه مغالط بودم بلکن مناسبی این یک عبارتی است که در ادارات دولتی که می رود قابل همه گونه تفسیر شود بهتر این است معین نمایند منزل مناسب حدش چه اندازه است ترتیبش چه اندازه است که ما با بصیرت رای بدهیم مغبخبر - این نظری که آقا دارند در کیسیون مذاکره شده این است که ایران این مدتی که بودند بهترین اشخاص در ادای وظیفه بودند لیکن خوا - تم عرض کنم همین شخص را که حالا پیش نهاد کرده اند در دوره چهارم چیست عرض کردم مستخدمین بلژیکی خدمات خودشان را کرده اند منهم مخالف نیستم لیکن در دوره چهارم این شخص یادوسته نفر دیگر بودند که از مجلس رده شدند علت تجدیدش چه بود؟ خواستم از آقا مغبخبر یا آقایان که اطلاع دارند سؤال کنم مغبخبر - در دوره چهارم همین طوری که میفرمائید پیش نهادی که شده بود بودجه مجلس استخدام آنها را رد نکرد ولی در کیسیون بودجه که آمده بود در وقت شد با نظر رئیس کل گمرک که آنوقت یک کیسیون آمده بود اینطور توافق حاصل شد که تصور کردند با ۱۲ نفر میتوانند کاملاً گمرک را اداره نمایند ولی حال در عمل

نمیدند که یک نفر دیگر باین سمت و باین حقوق برای بنادر جنوب لازم است بنابر این ایشان را پیش نهاد کرد اند رئیس - آقا کازرونی (اجازه) کازرونی موافقم جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است رئیس - کافی است؟ بعضی از نمایندگان - بلی کافی است رئیس برای میگیریم باده اول موافقین قیام بفرمایند (اکثریت برخاستند) رئیس - تصویب شد - ماده دوم (ترتیب گذشته قرائت شد) رئیس - آقا کازرونی (اجازه) کازرونی - موافقم رئیس - آقا زعیم زعیم موافقم رئیس - آقا آفا سید یعقوب (اجازه) آفا سید یعقوب - بنده اساساً در این کلماتیکه یک قدری احتمال دارد همیشه مغالط بودم بلکن مناسبی این یک عبارتی است که در ادارات دولتی که می رود قابل همه گونه تفسیر شود بهتر این است معین نمایند منزل مناسب حدش چه اندازه است ترتیبش چه اندازه است که ما با بصیرت رای بدهیم مغبخبر - این نظری که آقا دارند در کیسیون مذاکره شده این است که ایران این مدتی که بودند بهترین اشخاص در ادای وظیفه بودند لیکن خواستم از آقا مغبخبر یا آقایان که اطلاع دارند سؤال کنم مغبخبر - در دوره چهارم همین طوری که میفرمائید پیش نهادی که شده بود بودجه مجلس استخدام آنها را رد نکرد ولی در کیسیون بودجه که آمده بود در وقت شد با نظر رئیس کل گمرک که آنوقت یک کیسیون آمده بود اینطور توافق حاصل شد که تصور کردند با ۱۲ نفر میتوانند کاملاً گمرک را اداره نمایند ولی حال در عمل

رئیس - رأی گرفته میشود بمواافقه گانه آقا اینیکه تصویب میکنند ورقه سفید والا ورقه کی بود خواهند داد (اخذ واستخراج آراء بعمل آمده نتیجه بطریق ذیل حاصل شد) ورقه سفید ملاحت قبول ۵۸ ورقه کی بود ۶ رئیس - عده حاضر نود و سه باینجا هشت رأی تصویب شد اسامی موافقین آقایان رهنما - سردار - فخر - مشیرالدوله - شیخ جلال الدین - محمد ولی میرزا - علانی - سید کاظم یزدی - اسکندری - وکیل الملک - یاسائی - سردار - منتصر - صدق الملک - نصرت الدوله - معتد السلطنه - عماد السلطنه - مشیرمعلم - هرمزی - احتشام الحکامه - سرکشیک زاده - ازبک - سهراب خان - کازرونی - عدل الملک - صدق السلطنه - شیخ عبدالرحمن - صدرائی - احیاء السلطنه - شریعت زاده - سهراب زاده - دیوان بیگی - معنی - امیر اشرف - وحیدالدوله - غلام حسین میرزا - صدر الاسلام - صدق السلطنه - مدرس - میرزا سید احمد - ملک الشعراء - ضیاءالواصفین - سردار معتد - سهراب - شیخ الاسلام - ضیاءالاطباء - شیخ محمد علی - طهرانی - امیراعلم - زعیم - قائم مقام - عطیسی - داور - نجات - شیروانی - سید یعقوب - هایم - سالار لشکر - معظم السلطان - شیخ - هادی - اشار - اسامی مخالفین - آقایان روحی - میرزا آقاخان - مقوم الملک - میرزا جوادخان - خونی - البوئی - حاج سیدالمحققین - رئیس - خبر کیسیون قوائدنامه راجع بامتیاز عصاره گیری از سوس مطرح است شورش اول است - آقا سید یعقوب (اجازه) آقا سید یعقوب - موافقم رئیس - مخالفی ندارم؟ (گفتند خیر) سرکشیک زاده (گفتند خیر) رئیس - ماده سوم (شرح آتی خوانده شد) ماده سوم - صاحبان امتیاز مکلف هستند کارخانجات عصاره گیری را در شمال در طرف یک سال ونیم و در غرب در طرف دو سال ونیم و در جنوب در طرف سه سال ونیم از تاریخ امضاء و مبادله این امتیازنامه تأسیس نمایند رئیس - مخالفی ندارد؟ آقا سرکشیک زاده (اجازه) سرکشیک زاده - بنده خواستم آقا مغبخبر توضیح بدهند علت اینکه مدت سه سال و نیم شده چیست؟ آیا ممکن است از این مدت کم شود مواد آقایانیکه موافقت داخل در شوره مواد بشویم قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) رئیس - تصویب شد - ماده اول (شرح ذیل قرائت شد) ماده اول - دولت علیه ایران امتیاز انحصاری تأسیس کارخانجات عصاره گیری از گیاه موسوم بسوس را در ایالات شمالی و غربی و جنوبی ایران با آقایان حسن علی خان نصر الملک و عزت الله خان هدایت که هر دو تبعه مسلم ایران هستند و در این قرارداد بنام صاحبان امتیاز مذکور میشود و اگدا می نمایند رئیس - آقا سید یعقوب (اجازه) آقا سید یعقوب - موافقم رئیس - آقا غلام حسین میرزا

رئیس - رأی گرفته میشود بمواافقه گانه آقا اینیکه تصویب میکنند ورقه سفید والا ورقه کی بود خواهند داد (اخذ واستخراج آراء بعمل آمده نتیجه بطریق ذیل حاصل شد) ورقه سفید ملاحت قبول ۵۸ ورقه کی بود ۶ رئیس - عده حاضر نود و سه باینجا هشت رأی تصویب شد اسامی موافقین آقایان رهنما - سردار - فخر - مشیرالدوله - شیخ جلال الدین - محمد ولی میرزا - علانی - سید کاظم یزدی - اسکندری - وکیل الملک - یاسائی - سردار - منتصر - صدق الملک - نصرت الدوله - معتد السلطنه - عماد السلطنه - مشیرمعلم - هرمزی - احتشام الحکامه - سرکشیک زاده - ازبک - سهراب خان - کازرونی - عدل الملک - صدق السلطنه - شیخ عبدالرحمن - صدرائی - احیاء السلطنه - شریعت زاده - سهراب زاده - دیوان بیگی - معنی - امیر اشرف - وحیدالدوله - غلام حسین میرزا - صدر الاسلام - صدق السلطنه - مدرس - میرزا سید احمد - ملک الشعراء - ضیاءالواصفین - سردار معتد - سهراب - شیخ الاسلام - ضیاءالاطباء - شیخ محمد علی - طهرانی - امیراعلم - زعیم - قائم مقام - عطیسی - داور - نجات - شیروانی - سید یعقوب - هایم - سالار لشکر - معظم السلطان - شیخ - هادی - اشار - اسامی مخالفین - آقایان روحی - میرزا آقاخان - مقوم الملک - میرزا جوادخان - خونی - البوئی - حاج سیدالمحققین - رئیس - خبر کیسیون قوائدنامه راجع بامتیاز عصاره گیری از سوس مطرح است شورش اول است - آقا سید یعقوب (اجازه) آقا سید یعقوب - موافقم رئیس - مخالفی ندارم؟ (گفتند خیر) سرکشیک زاده (گفتند خیر) رئیس - ماده سوم (شرح آتی خوانده شد) ماده سوم - صاحبان امتیاز مکلف هستند کارخانجات عصاره گیری را در شمال در طرف یک سال ونیم و در غرب در طرف دو سال ونیم و در جنوب در طرف سه سال ونیم از تاریخ امضاء و مبادله این امتیازنامه تأسیس نمایند رئیس - مخالفی ندارد؟ آقا سرکشیک زاده (اجازه) سرکشیک زاده - بنده خواستم آقا مغبخبر توضیح بدهند علت اینکه مدت سه سال و نیم شده چیست؟ آیا ممکن است از این مدت کم شود مواد آقایانیکه موافقت داخل در شوره مواد بشویم قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) رئیس - تصویب شد - ماده اول (شرح ذیل قرائت شد) ماده اول - دولت علیه ایران امتیاز انحصاری تأسیس کارخانجات عصاره گیری از گیاه موسوم بسوس را در ایالات شمالی و غربی و جنوبی ایران با آقایان حسن علی خان نصر الملک و عزت الله خان هدایت که هر دو تبعه مسلم ایران هستند و در این قرارداد بنام صاحبان امتیاز مذکور میشود و اگدا می نمایند رئیس - آقا سید یعقوب (اجازه) آقا سید یعقوب - موافقم رئیس - آقا غلام حسین میرزا

محمد ولی میرزا - موافقم رئیس - آقا کازرونی (اجازه) کازرونی - بنده عقیده دارم که اتباع ایران هر گاه یک امتیازی میخواهند نه تنها باید داد بلکه باید تشویق کرد چون این مسائل در ایران هنوز معمول نشده است باید بمرم نشان داد که بعد از این طرز زندگی از این راه است باید از دولت امتیاز بگیرند و کارخانجاتی از خارج یاروند و از این مرم هم خودشان منتفع شوند وهم دولت فایده ببرند بنابر این بنده معتقدم که در صورتی که مدت آوردن کارخانه را سه سال ونیم قائل شده ایم مدت امتیاز باید بیشتر باشد بواسطه این که شما سه سال و نیم مدت معین کرده اید رئیس - مدت امتیاز راجع بماده دوم کازرونی - راجع سه سال ونیم است که عرض می کنم زیاد است مغبخبر - بنده درست ملتفت نشدم سه قسمت است ، یک قسمت مدت آوردن کارخانه برای شمال یک سال ونیم قسمت دوم در طرف غرب دو سال و نیم فقط قسمت سومش که طرف جنوب ولی در هر صورت در قسمت اولش از تاریخ مبادله این امتیاز یک سال ونیم است و که متر از این ممکن نیست رئیس - دیگر مخالفی ندارد؟ (گفتند خیر) رئیس - ماده چهارم (شرح ذیل خوانده شد) ماده چهارم - برای تأمین اجرای مقررات این امتیاز صاحبان امتیاز ملزم هستند که توأم با مبادله امتیازنامه مبلغ سه هزار و نهصد تومان در بانک ایران یا خزانه داری کل و در سه بانکدارند و با آنکه ضمانت نامه بسیارند که بموجب آن بانک معتبری که طرف اعتماد خزانه داری کل باشد متمهد شود که معادل وجه مزبور را در صورت عدم اجرای مقررات ماده سوم بترتیب مذکور در ماده پنجم بدولت علیه تادیه نماید رئیس - آقا ضیاءالواصفین (اجازه) ضیاءالواصفین - مخالفم رئیس - آقا آفا سید یعقوب (اجازه) آقا سید یعقوب - موافقم رئیس - آقا یاسائی (اجازه) یاسائی - مخالفم رئیس - بفرمائید ضیاءالواصفین - بنده هم مخالف بودم

رئیس - مخالف هستم؟ ضیاءالواصفین - بلی رئیس - فرمائید ضیاءالواصفین - بنده باین ماده مخالف هستم برای اینکه می بینم تشویق ایرانی ها را نسبت بتأسیس و اقدام در این گونه امور کم می کند و تصور می کنم با سرمایه قلیلی که ما ایرانی ها داریم و باین اهتمامی که در این قسمت صرف میکنیم وقتی متمهد شویم که قانوناً مبلغ سه هزار و نهصد تومان یعنی آنقدر وجه نقدترین پولی که میتوانیم بیانه بدهیم بکارخانهای اروپا و کارخانه ماشین بیآوریم در ایران و خرج حمل و نقل ماشین بکنیم یک همچو مبلغی را بیآوریم تعجیر کنیم در یک چنین جائی وقتی که مجلس شورای ملی یک چنین ماده را تصویب کند یک چنین اصلی را تصویب کند این بیچاره که میرود ترقیات ملل عالم را می بیند و می بیند که مردم چطور کارخانه دارند و از منابع طبیعی خودشان استفاده می کنند او هم می بیند میل میکند بیاید سرمایه که دارد خانه اش بیافشد کان و هستی خودش را بفروشد یک کارخانه وارد کند آن وقت در صورتیکه هنوز پول بکارخانه نرفته است و هنوز ماشین ها را طلب نکرده ما بگویی هم هزار و نهصد تومان یک نفر از نمایندگان - سه هزار و نهصد تومان مغبخبر - بسیار خوب بگوئیم سه هزار و نهصد تومان در بانک تعجیر کن چرا؟ برای این که در فلان مدت این کار را نکرده؟؟ خیلی عجیب است مدت ده سال است که یک ایرانی با مطالعات عمیق که در این ایرانی با تربیت با ذوق و شوقی که در این کار دارد رفته است و دیده سهل ترین چیزی را که بتواند این مملکت از او استفاده کند خار یک گیاهی است که خروارهایش در صحرا را ریخته آمده است میخواهد یک ماشینی تهیه کند و این گیاهی را که در صفحات جنوب و کرمان و نقاط دیگر واقع خروار خروار را بیاورند در شهر میفرشند می خواهند از آن استفاده کنند آن وقت وزارت فوائد عامه یک ماده در این خصوص پیش نهاد مجلس کرده است کیسیون هم تصویب کرده است مجلس شورای ملی هم تصویب کند که بیاید سه هزار و نهصد تومان در بانک بگذارد بنده تصور میکنم اگر آقایان

معتمد نسبت به این موضوع توجه نکند و این ماده اساساً از این قانون برداشته شود رغبت مردم باندام در اینگونه امور بیشتر میشود

رئیس- آقای آقا سید یعقوب (اجازه) آقا سید یعقوب بنده اساساً در تشریح و تهریس ایرانیها در آباد کردن مملکت گمان میکنم نه اینکه تنها بنده موافق باشم بلکه همه کس موافق است ولی يك مسئله هست راجع برگرفتن امتیاز و حبس کردن امتیاز و در صندوق گذاشتن این امتیازات که همیشه گرفته اند توی صندوق گذاشته اند برای آن اشخاصی که این ناخوشی را دارند (ناخوش امتیاز گرفتن) يك ماده وضع شده برای الزام آن اشخاص که در واقع باید تصدیق کرد که ما (یعنی بنده خود را میگویم باز جمله نکنند) بنده میبینم تا يك روزی توی سرما نباشد تا يك قاهره (حالا با قاهره قاهره روحانی با قوه قاهره جسمانی) توی سرما نباشد بالطبع آزاد باشم من عقب کار نمیروم با اینکه تصور میکنم يك آدم جدی هستم

دردوره تصویبات هم خیلی جدی بودم اما تا يك فشاری سر من نباشد طبعاً هیچ وجه کار نمیکنم

این يك اساسی است که آقا یان گمان میکنم تحقیقاً تصدیق کنند که يك ملزمی و فشار دهنده - يك ماده نظامنامه يك قانونی باید باشد که بنده آمدم این امتیاز را گرفتیم مثل امتیاز مسئله نوغان کیلان نباشد که بگیرد توی صندوق بگذارد و آن وقت هم عمل نشود و گیلانی های بدبخت هم دچار زحمت بشوند چرا؟ برای اینکه در آن امتیاز يك ماده ذکر نکردند که صاحب امتیاز ملزم است که زودتر بیايد و کار کند

آقایان بر ما گذشت دوره چهارم در همین مجلس اگر در آن امتیاز بی بود که تمام ایرانیان متوجه شده بودند اگر از روز اول به آن اشخاصی که آمده بودند و ما امتیاز نفع میخواستند ما گفته بودیم که به این طریق امتیاز نمیدهیم این همه مارا بزحمت میبنداختند؟؟ ما امتیاز را که مفت نمیدهیم؟

خیال میکنم همین که گفتند مال ایران است باید دهانشان را باز کنند - خیر

خیلی چیزهای ما محترم و با اهمیت است به مجرد اینکه بنده این حرف را زدم باید گفت طبعاً هستم؟

خیر این این امتیاز را میدهیم این شرط و ترتیب

اگر در آن امتیاز ما این قید را کرده بودیم حالا منتظر نبودیم کی تلگراف از آن طرف دنیا بیاید و آن

قید اورا تعقیب میکرد و امید داشت که با بیایدیا اگر نمی آید چرا مارا ببهره در زحمت انداخت و حالا که در زحمت انداخته ملزم بود

این اولاً و ثانیاً اینکه در آن مسئله که آقای ضاع الواعظین فرمودند بنده موافقم که بولورا نباید تعجیر و در بانک گذارد

همین مسئله را آقای رهنما در نظر دارند در صورت مجلس هم هست مخصوصاً خود آقایان فرمودند برای اینکه بول تعجیر نشود گفتیم که لازم نیست فلان مقدار بول در بانک بگذارد فقط یک ضامن معتبری بدهند که آن ضامن الزام کند اگر آن آقایان این امتیازی را که گرفته خيال نکن که این قانون شاهنامه است یا فلان کتاب است که توی طایفه بگذاردی نظیر آن امتیاز های دیگر نیست این امتیاز بداند این باید عملی باشیم چرا؟

برای این که این ماده قانون تورا ملزم میکند که عملی باشی که اگر عمل نکرد این ماده اورا ملزم کند که کار بکند من خود را عرض می کنم نباید به هول چیز توی پله بیفتیم

(خنده نمایندگان)

و اگر قانونی نباشد که او را ملزم بکنند فایده ندارد

این بود عقیده کمیسیون که در آن جا هم صحبت شده است

(بعضی از نمایندگان اظهار کردند مذاکرات کافی است و بعضی میگفتند کافی نیست)

رئیس- آقایان اینکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس- تصویب شد پیش نهادها قرائت میشود (شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیش نهاد میکنم که بجای سه هزار و نهصد تومان بول نقد سند زده و التزام سکتی از صاحبان امتیاز گرفته شود

بنده پیش نهاد میکنم ماده چهارم این امتیاز حذف شود باستانی بنده پیش نهاد می کنم ماده چهارم این طور اصلاح شود در صورتیکه تا مدت سه سال بعد از امتیاز کارخانه اقلایکی دایر نکرد این امتیاز لغو شود

کارخانجات مذکور در ظرف مدت های معینه در ماده سوم موجب الفای امتیاز نسبت بقصد مربوطه به آن مدت و ضبط بلاعوض نك وجه تودیس با دریافت نشو چه مزبور از بانگی که ضمانت نموده است خواهد بود

بنابراین چنانچه پس از انقضای سه سال و نیم از تاریخ مبادله امتیاز نامه هیچ يك از کارخانجات مزبور تشکيل نیافته باشد این امتیاز بکلی اذرنه امتیاز ماقط و کلیه وجوه الضمانه معائنات و بلاعوض بدولت علیه تلقن خواهد یافت برعکس هر موقعی که یکی از کارخانجات سه گانه در ظرف مهلت مربوط به آن تاسیس شود نك وجه تودیس به صاحبان امتیاز مسترد و یا در صورت ضمانت بانك ضمانت مزبور نسبت بلك وجه بلا یار خواهد بود

رئیس- آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی- بنده عقیده ام این است تا تکلیف ماده قبل معلوم نشود در این ماده نمی شود مذاکره کرد

رئیس- حالا که رای نمیدهید آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب- موافقم

رئیس- آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو- این جا يك شرطی کرده اند که اگر در این مدت ها کارخانجات را بکار نینداختند و عمل نکردند این امتیاز ملغی است اما یک شرط دیگری این جا لازم داشته است و آن این است که اگر يك حوادثی روی بدهد و مضر موچهی برای طرف باشد نباید ملغی شود و در همه جا هم مرسوم است این شرط غلقت شده است

رئیس- دیگر مخالفی نیست؟ آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب- بنده گمان می کنم این فرمایشی که آقای ارباب فرمودند در نظر کمیسیون بود و در لایحه هم باشد اگر هم باشد بنده که یکی از اعضاء کمیسیون هستم عقیده ام این است که نوشته شود قرضاً وقتی که نرس مآزر شد اموال نیست

رئیس- حق است ممکن است پیش نهاد بفرمایید

شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)

محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس بگو شم خورد که لفظ ضمانت و بانك خوانند خوبست نوشته شود ضمانت معتبر

بلفظ بانك بنده مخالف هستم و فقط باید نوشته شود ضمانت معتبر

رئیس- دیگر مخالفی ندارد؟ (گفتند خیر)

رئیس- عاده ششم (شرح ذیل خوانده شد)

ماده ششم - اتباع داخله مترواند استفاده های معموله که تا اکنون از سوس به عمل می آوردند ادامه دهند و این امتیاز بهیچ وجه مانع عملیات آنها نخواهد بود ولی عصاره گیری از علف مزبور بوسیله کارخانجات بانقضای مدت مذکور در ماده دوم منحصر بصاحبان امتیاز خواهد بود و دیگران از اقدام به آن ممنوع میباشند

رئیس- مخالفی ندارد؟ ماده هفتم قرائت میشود (شرح ذیل قرائت شد)

ماده هفتم - صاحبان امتیاز میتوانند با اطلاع وزارت فوائد عامه و مطابق قوانین ایران برای اجرای موضوع این امتیاز به تشکیل شرکتهی مبادرت نمایند مشروط بر این که مرکز شرکت مزبور در ایران بوده و موارد مطیع مقررات قوانین ایران باشد در این صورت شرکت مزبور از هر جهت قائم مقام صاحبان امتیاز خواهد بود

رئیس- آقای داور (مخالفند؟) داور- بله بنده اینجا مخالفم باین جمله

چون اگر مقصود ما از این (اطلاع) این است که وقتی میخواهند شرکت را تشکیل بدهد يك اطلاعی بدهد وزارت فوائد این عیبی ندارد

ولی اگر باید وزارت فوائد نامه اجازه بدهد اجازه لازم نیست و مطابق قوانین شرکتهای که معائنات کمیسیون عدلیه مشغول نوشتن آن قوانین است و اجازه رهام لازم ندانسته است باید عمل کند

بنابراین ذکر این جمله را در این جا بنده زاید میدانم

رئیس- آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب- این را که آقای داور فرمودند گمان می کنم ما تصدیق داشتیم وزارت فوائد عامه هم تصدیق ندارد به جهت اینکه قانون شرکتهای هنوز نگذاشته است

داور- پس از گذشتن آقا سید یعقوب معلوم است قوانین شرکتهای و قوانین قضائی فوق این قوانین است و تیکه آن قانون آمد اینهم تابع آن قانون شرکتهای خواهد بود

رئیس- آقای ضیاء الواعظین (اجازه)

ضیاء الواعظین- موافقم

رئیس آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی موافقم

رئیس- شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه) شیخ الرئیس- موافقم

رئیس- آقای نصرت الدوله (اجازه) نصرت الدوله موافقم میخواستم توضیحی بدهم

رئیس- آقای داور (اجازه) داور- بنده نخواستم امراری کرده باشم و اهمیت فوق العاده داده باشم ولیکن وقتی که نوشته اند موافق قوانین باطلیمه باید موافق ترتیبی که آن قوانین پیش بینی می کنند رفتار شود اما ممکن است شما يك نفری را یا يك شرکتهی راعلاوه بر آن قوانین متمهش کنید يك قانون دیگری چون آن قوانین که الا این قسمت شرکتهایش تمام شده است و شاید

داور- بنده نخواستم امراری کرده باشم و اهمیت فوق العاده داده باشم ولیکن وقتی که نوشته اند موافق قوانین باطلیمه باید موافق ترتیبی که آن قوانین پیش بینی می کنند رفتار شود اما ممکن است شما يك نفری را یا يك شرکتهی راعلاوه بر آن قوانین متمهش کنید يك قانون دیگری چون آن قوانین که الا این قسمت شرکتهایش تمام شده است و شاید

با اطلاع وزارت فوائد عامه و مطابق قوانین ایران برای اجرای موضوع این امتیاز به تشکیل شرکتهی مبادرت نمایند مشروط بر این که مرکز شرکت مزبور در ایران بوده و موارد مطیع مقررات قوانین ایران باشد در این صورت شرکت مزبور از هر جهت قائم مقام صاحبان امتیاز خواهد بود

رئیس- آقای داور (مخالفند؟) داور- بله بنده اینجا مخالفم باین جمله

چون اگر مقصود ما از این (اطلاع) این است که وقتی میخواهند شرکت را تشکیل بدهد يك اطلاعی بدهد وزارت فوائد این عیبی ندارد

ولی اگر باید وزارت فوائد نامه اجازه بدهد اجازه لازم نیست و مطابق قوانین شرکتهای که معائنات کمیسیون عدلیه مشغول نوشتن آن قوانین است و اجازه رهام لازم ندانسته است باید عمل کند

بنابراین ذکر این جمله را در این جا بنده زاید میدانم

رئیس- آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب- این را که آقای داور فرمودند گمان می کنم ما تصدیق داشتیم وزارت فوائد عامه هم تصدیق ندارد به جهت اینکه قانون شرکتهای هنوز نگذاشته است

داور- پس از گذشتن آقا سید یعقوب معلوم است قوانین شرکتهای و قوانین قضائی فوق این قوانین است و تیکه آن قانون آمد اینهم تابع آن قانون شرکتهای خواهد بود

رئیس- آقای ضیاء الواعظین (اجازه)

ضیاء الواعظین- موافقم

رئیس آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی موافقم

رئیس- شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه) شیخ الرئیس- موافقم

رئیس- آقای نصرت الدوله (اجازه) نصرت الدوله موافقم میخواستم توضیحی بدهم

رئیس- آقای داور (اجازه) داور- بنده نخواستم امراری کرده باشم و اهمیت فوق العاده داده باشم ولیکن وقتی که نوشته اند موافق قوانین باطلیمه باید موافق ترتیبی که آن قوانین پیش بینی می کنند رفتار شود اما ممکن است شما يك نفری را یا يك شرکتهی راعلاوه بر آن قوانین متمهش کنید يك قانون دیگری چون آن قوانین که الا این قسمت شرکتهایش تمام شده است و شاید

با اطلاع وزارت فوائد عامه و مطابق قوانین ایران برای اجرای موضوع این امتیاز به تشکیل شرکتهی مبادرت نمایند مشروط بر این که مرکز شرکت مزبور در ایران بوده و موارد مطیع مقررات قوانین ایران باشد در این صورت شرکت مزبور از هر جهت قائم مقام صاحبان امتیاز خواهد بود

رئیس- آقای آقا سید یعقوب (اجازه) آقا سید یعقوب- من نفهمیدم که آقای مشار اعظم چه ایرادی کردند

دور صورت ایرادشان غیر وارد است بله يك لایحه قانونی تقدیم مجلس شد و به مجلس آمد برای تشویق اهالی مملکت و ادباب صنایع راجع بوارد کردن ماشین آلات

البته هر جائی که دستمان برسد این حرف را میزنم که دولت برای تشویق اهالی و زیاد کردن ماشین آلات این اسباب را از دادن حق گمرک معاف نماید

ولی آن راجع به ماشینهای زراعتی بود و این راجع ماشینهای صنعتی است

بعضی از نمایندگان - راجع به ماشینهای صنعتی هم هست

آقا سید یعقوب - بسیار خوب ولی وقتیکه این لایحه به کمیسیون آمد همچو قانونی از مجلس نگذشته بود فحاص قبل از جناب کنایه کرد

حالا اگر آن قانون عسویت دارد و شامل این ماده هم میشود می توانیم در کمیسیون راجع به این موضوع صحبت کنیم ولی ما هم ناچار بودیم برای ترویج صنایع موافق همان حسی که شما داشتید و ما هم داشتیم این ماده را بپذیریم

رئیس- پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو قرائت میشود

بنده پیشنهاد میکنم ماده ششم از قسمت و برای استفاده الی آخر حذف شود

رئیس - ارسال میشود به کمیسیون ماده نهم

(اینطور قرائت شد) ماده نهم - از روزیکار افتادن یکی از کارخانجات مذکور در ماده سوم تا مدت پنج سال مواد مربوطه به گیاه سوس که در کارخانجات مزبور تهیه شده باشد در موقع خروج از ایران از تأدیبه حقوق صادر شود

گمرکی معاف خواهد بود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - موافقم

رئیس - آقای داور

داور - موافقم

رئیس - مخالفی ندارد؟ (گفتند خیر)

رئیس - ماده دهم (به طریق ذیل خوانده شد)

ماده دهم - صاحبان امتیاز با شرکت قائم مقام آنها موظفند که حقوق دولت را يك سال بعد از تاسیس هر يك از کارخانجات خود سه ساله در صد عمل کرد کارخانه را قبل از آنکه هیچگونه طرحی از آن کسر شده باشد یا در يك عایدات خالص سالانه آن را بدولت علیه کارسازی دارد ولی هر گاه در آتی مالیه های قانونی وضع شود که باین کارخانجات اطلاق شده میزان آن از سه در صد یا ده در صد مذکور در فوق تجاوز نماید صاحبان امتیاز فقط ملزم به تأدیبه مالیات مزبور خواهند بود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - موافقم

رئیس - آقای داور

داور - موافقم

رئیس - آقای باستانی (اجازه)

باستانی - اینجا بطور تردید نوشته شده است که حق دولت عبارت است از سه صد عایدات بدون اینکه مخارج کسر شده باشد یا در يك عایدات خالص

و تردید در این قضیه مرچب زحمت صاحب امتیاز خواهد بود و اگر ده يك عایدات خالص را مجزا پیشنهاد میکنند یا اینکه سه صد عایدات را بدون کسر مخارج مجزا پیشنهاد میکنند هم تکلیف صاحب امتیاز معلوم بود و هم تکلیف دولت ولی چون بطور تردید نوشته شده همیشه يك اختلافاتی بین دولت و صاحب امتیاز تولید میشود زیرا هر کدام بصره خود نگاه میکنند مثلاً يك مرتبه صرفه صاحب امتیاز در اینست که سه صد بدهد بدون کسر مخارج و صرفه دولت اینست که دولت بگوید بعد از وضع مخارج و با بالعکس و بعقیده بنده خوب بود کمیسیون يك قسمت آنرا قبول می کرد

رئیس - در اینجا اختیار با دولت است و صاحب امتیاز هم قبول کرده است که دولت هر کدام را اختیار کرد بپردازد البته مواظب که نمیتوان گرفت بنا بر این هر کدام را که دولت قبول کند صاحب امتیاز بپردازد

رئیس - ماده یازدهم (اینطور خوانده شد)

ماده ۱۱ - عایدات خالص عبارت است از کلیه عمل کرد کارخانه پس از وضع مخارج لازمه اداری و قیمت مواد اولیه و وجوه لازمه

برای تعمیر و مرمت کارخانه

انتخاب ۳ عایدات غیر خالص یا ۰/۰۱ عایدات خالص با اختیار دولت است

رئیس - مخالفی ندارد؟ (گفتند خیر)

رئیس - ماده دوازدهم (باین مضمون قرائت شد)

ماده دوازدهم - صاحبان امتیاز مکلفند که برای محاسبات کارخانه خود دفاتر منظمی ترتیب داده و سه ساله صورتحساب (بیلان) دخل و خرج خود را بدولت علیه تقدیم دارند

بلاوه مستثنی دولت که دارای حکم کتبی باشند میتوانند در موقع لزوم قبل از آنکه صورت حساب (بیلان) محاسبات کارخانه تهیه شده باشد به دفتر صاحبان امتیاز دولت اخذ ۰/۰۱ عایدات خالص را تصمیم نموده باشند مالیاتی که خارج از میزان مذکور در ماده (۱۱) بخرج منظور شده باشد حذف نمایند

رئیس - مخالفی ندارد؟ (اظهاری نشد)

رئیس - ماده سیزدهم (بطریق آتی قرائت شد)

ماده سیزدهم - انتقال این امتیاز بهر نوعی از انواعه اتباع خارجیه با شرکت های خارجی ممنوع و موجب الفای امتیاز خواهد بود ولی در صورتیکه موافق ماده (۷) شرکتهی تشکیل شود اتباع خارجیه میتوانند تا چهل و نه درصد از سهام شرکت مزبور خریداری نمایند

رئیس - آقای عبدالملک (اجازه)

عبدالملک - بنده عرض میکنم آن چهل و نه درصدی را که کمیسیون فوائدهامه در نظر گرفته البته يك منظوری داشته است و بعقیده بنده این فاصله کوتاه آن منظور را تأمین نمی کند و بنده عقیده ام این است که چهل درصد با چهل و سه درصد باشد برای این که در اقلیت و اکثریت با هم تماش نکنند

رئیس - آقای داور (اجازه)

داور - بنده تصور میکنم نظری را که کمیسیون داشته است کلاً تأمین شده برای اینکه نصف علاوه يك سهام دست ایرانی ها است و مقصود حاصل است

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده تصور میکنم قدمت اول ماده که نوشته شده است انتقال این امتیاز با اتباع خارجه جایز نیست گمان میکنم کافی باشد و اگر مقصود اینست که سایر اتباع ایران هم میتوانند سهام این کمیتهی را بخرند در منافع و مضار سهمیه باشند این را که در ماده هفت ذکر کرده است بنا بر این دیگر استثناء لازم نیست و همینقدر کافی است که نوشته شود

انتقال این امتیاز با تابع خارج جابر است.

مخیر - وقتی که این قبیل امتیازات داده میشود نگرانی سیاسی در آن نیست و علت اینکه وزیر فواید عامه این قید را کرده است بنا بر معمول است و برای این است که در این مملکت یک جریان انحصاری پیدا شده که میگویند شرکتها باید همه اش ایرانی باشد در صورتیکه اینجا موضوع امتیاز نه زمینی است نه راه آهنی است بلکه فقط یک کارخانه میآورند اینجا بود سوس درست میکنند و البته تصدیق میفرمایند که ممکن است خارجی هم در آن شرکت کنند و نیتان این چه فکری است که در ایران پیدا شده است که میخواهند سرمایه خارجی را در ایران بیاید در تمام دنیا سعی میکنند که پولهای سایر ممالک با آنها برود ولی در ایران تمام سعی میکنند که پولهای خارجی بایران نیاید و این چهل و نه در صفا که قرار گذاشته اند برای این است که اکثریت سهام در دست خارجیان نباشد ولی لازم است سرمایه آنها هم بایران بیاید بکار بیفتد.

جمعی گفته اند که اگر کانی است رئیس - پیشنهاد آقای کازرونی قرائت میشود.

زیرا دوسه تا کمیانی را همینطور از بین برده اند که حالا نمیخواهم در آن باب صحبت کنم و چندتای آنها هم باین جلوی چشم شما دغبله میدهند و متعصب شده اند بواسطه همین حکمیت که نیتانم از روی چه اصولی است و بنده در کمیسیون در مورد یکی از قوانین دیگر بود که پیش نهاد کردم تا یک مقام صلاحیت داری برای طرف وزارت فواید عامه دیگری از طرف صاحبان امتیاز تعیین خواهد شد راجع میشود حکمین مزبور قبل از شروع پرسیدگی حکم تالی را انتخاب نمایند و رای حکمین در صورت عدم توافق نظر آنها رای حکم ثالث قطعی خواهد بود و بموجب حکم هیئت وزراء عظام به موقع اجرا گذارده میشود

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - بنده از این قانون استفاده می کنم و راجع به محاکمه بین دولت و مردم چند کلمه عرض میکنم در کمیسیون هم هر وقت از این قبیل چیزهایی آمدن راجع به محاکمه مطرح می شد بنده باین طریق مهاکمه ها مخالف بودم در مملکت مامتسافانه هنوز یک مقام صلاحیت داری برای محاکمه بین مردم و دولت وجود ندارد

اخیراً گویا از یک ماده اصول محاکمات حقوقی استفاده کرده اند و آن هم اجرا نمی شود یعنی ایشان یک لایحه قانونی ترتیب دادند و تقدیم مجلس می کنند ولی راجع به قسمت حکمیت بنده تصور می کنم که اگر یک ترتیبی را پیش بگیریم که نه فقط با دولت بلکه اگر تمام دعوی بر ترتیب حکمیت حل شود بهتر است و باید سعی کرد که حکمیت را ترویج کرد تا این که مردم گیر محاکم نیفتند نه اینکه بنده بخواهم از محاکم تنقید کرده باشم خبر محاکم هم خوب هستند ولی وقتی که بنگاه ده یا نوزده نفری که چند محاکمه تقسیم می شوند و بایستی رسیدگی بشام دعوی مردم این شهر بکنند طبیعتاً کارها دچار بطاوع جریان می شود و مردم بایستی سالها معطل شوند تا کارشان تمام شود در صورتی که ترتیب حکمیت کار بسیار آسانی و زود تمام شود و یک قسمت دیگر از محکومات حکمیت این است که حکم و قاضی را خود آن اشخاصی که با هم دعوی دارند تعیین میکنند و بهترین قاضی آن قاضی است که خودش مشخص می کند.

یس بطور کلی وقتی که شخص این عقیده را داشته باشد راجع بدولت بطریق اولی باید این کار را کرد برای اینکه فضا از طرف دولت هستند البته کسی این تصور را نمیکند اما اگر کسی برخلاف حق ملاحظه طرفداری دولت خواست حق کسی را پایمال کند و یک حکمی بدهد البته آن کسانی که مأمور دولت هستند بیشتر در تحت فشار هستند.

شیروانی - قاضی مأمور نیست داور بنابر این طریق حکمیت خیلی خوب ترتیبی است و در حال هم دیده شده است و خود دولت می گوید که غالباً حکم ها خود را محکوم کرده اند و مخصوصاً خود بنده یک وقت در یک مراسم بین یکی از تجار و وزارت جنگ حکم بودم و بنده وزارت جنگ را محکوم کردم و هیچ طوری هم نشد.

بنابر این باید اصل حکمیت را قبول کرد و در موقعی که بنده در کمیسیون وقت حضور داشتم آنجا یک چیزی را تذکر دادم و طرف توجه آقایان هم شد حالاً آن را میخواهم تذکر بدهم تا رفع نگرانی آقای شیروانی بشود آقای شیروانی میفرمایند این اشخاصی که اینجا هستند حکمیت کار این ها را باین جا رسانیده است در صورتی که حکمی در بین نبود است.

بنابر این باید اصل حکمیت را قبول کرد و در موقعی که بنده در کمیسیون وقت حضور داشتم آنجا یک چیزی را تذکر دادم و طرف توجه آقایان هم شد حالاً آن را میخواهم تذکر بدهم تا رفع نگرانی آقای شیروانی بشود آقای شیروانی میفرمایند این اشخاصی که اینجا هستند حکمیت کار این ها را باین جا رسانیده است در صورتی که حکمی در بین نبود است.

مشغول هستند و خود بنده هم با آقای معاون عدلیه مشغول تهیه یک لایحه قانونی هستم یعنی ایشان یک لایحه قانونی ترتیب دادند و تقدیم مجلس می کنند ولی راجع به قسمت حکمیت بنده تصور می کنم که اگر یک ترتیبی را پیش بگیریم که نه فقط با دولت بلکه اگر تمام دعوی بر ترتیب حکمیت حل شود بهتر است و باید سعی کرد که حکمیت را ترویج کرد تا این که مردم گیر محاکم نیفتند نه اینکه بنده بخواهم از محاکم تنقید کرده باشم خبر محاکم هم خوب هستند ولی وقتی که بنگاه ده یا نوزده نفری که چند محاکمه تقسیم می شوند و بایستی رسیدگی بشام دعوی مردم این شهر بکنند طبیعتاً کارها دچار بطاوع جریان می شود و مردم بایستی سالها معطل شوند تا کارشان تمام شود در صورتی که ترتیب حکمیت کار بسیار آسانی و زود تمام شود و یک قسمت دیگر از محکومات حکمیت این است که حکم و قاضی را خود آن اشخاصی که با هم دعوی دارند تعیین میکنند و بهترین قاضی آن قاضی است که خودش مشخص می کند.

یس بطور کلی وقتی که شخص این عقیده را داشته باشد راجع بدولت بطریق اولی باید این کار را کرد برای اینکه فضا از طرف دولت هستند البته کسی این تصور را نمیکند اما اگر کسی برخلاف حق ملاحظه طرفداری دولت خواست حق کسی را پایمال کند و یک حکمی بدهد البته آن کسانی که مأمور دولت هستند بیشتر در تحت فشار هستند.

شیروانی - قاضی مأمور نیست داور بنابر این طریق حکمیت خیلی خوب ترتیبی است و در حال هم دیده شده است و خود دولت می گوید که غالباً حکم ها خود را محکوم کرده اند و مخصوصاً خود بنده یک وقت در یک مراسم بین یکی از تجار و وزارت جنگ حکم بودم و بنده وزارت جنگ را محکوم کردم و هیچ طوری هم نشد.

بنابر این باید اصل حکمیت را قبول کرد و در موقعی که بنده در کمیسیون وقت حضور داشتم آنجا یک چیزی را تذکر دادم و طرف توجه آقایان هم شد حالاً آن را میخواهم تذکر بدهم تا رفع نگرانی آقای شیروانی بشود آقای شیروانی میفرمایند این اشخاصی که اینجا هستند حکمیت کار این ها را باین جا رسانیده است در صورتی که حکمی در بین نبود است.

بنابر این باید اصل حکمیت را قبول کرد و در موقعی که بنده در کمیسیون وقت حضور داشتم آنجا یک چیزی را تذکر دادم و طرف توجه آقایان هم شد حالاً آن را میخواهم تذکر بدهم تا رفع نگرانی آقای شیروانی بشود آقای شیروانی میفرمایند این اشخاصی که اینجا هستند حکمیت کار این ها را باین جا رسانیده است در صورتی که حکمی در بین نبود است.

کرد که عملی بشود در چه صورت عملی می شود در صورتیکه اگر اشخاصی که با دولت طرفت دارند بگویند ما میخواهیم بحکمیت رجوع کنیم در یک مدت معینی طرفین مجبور باشند حکمها را مین کنند والا ممکن است صاحب امتیاز با دولت اختلافی پیدا کند و بدولت اخطار کند که این مسئله محل اختلاف است بیایند و بنشینند و این کار را خانه بدهد و اینکار را ترویج کرد تا این که مردم گیر محاکم نیفتند نه اینکه بنده بخواهم از محاکم تنقید کرده باشم خبر محاکم هم خوب هستند ولی وقتی که بنگاه ده یا نوزده نفری که چند محاکمه تقسیم می شوند و بایستی رسیدگی بشام دعوی مردم این شهر بکنند طبیعتاً کارها دچار بطاوع جریان می شود و مردم بایستی سالها معطل شوند تا کارشان تمام شود در صورتی که ترتیب حکمیت کار بسیار آسانی و زود تمام شود و یک قسمت دیگر از محکومات حکمیت این است که حکم و قاضی را خود آن اشخاصی که با هم دعوی دارند تعیین میکنند و بهترین قاضی آن قاضی است که خودش مشخص می کند.

یس بطور کلی وقتی که شخص این عقیده را داشته باشد راجع بدولت بطریق اولی باید این کار را کرد برای اینکه فضا از طرف دولت هستند البته کسی این تصور را نمیکند اما اگر کسی برخلاف حق ملاحظه طرفداری دولت خواست حق کسی را پایمال کند و یک حکمی بدهد البته آن کسانی که مأمور دولت هستند بیشتر در تحت فشار هستند.

شیروانی - قاضی مأمور نیست داور بنابر این طریق حکمیت خیلی خوب ترتیبی است و در حال هم دیده شده است و خود دولت می گوید که غالباً حکم ها خود را محکوم کرده اند و مخصوصاً خود بنده یک وقت در یک مراسم بین یکی از تجار و وزارت جنگ حکم بودم و بنده وزارت جنگ را محکوم کردم و هیچ طوری هم نشد.

بنابر این باید اصل حکمیت را قبول کرد و در موقعی که بنده در کمیسیون وقت حضور داشتم آنجا یک چیزی را تذکر دادم و طرف توجه آقایان هم شد حالاً آن را میخواهم تذکر بدهم تا رفع نگرانی آقای شیروانی بشود آقای شیروانی میفرمایند این اشخاصی که اینجا هستند حکمیت کار این ها را باین جا رسانیده است در صورتی که حکمی در بین نبود است.

بنابر این باید اصل حکمیت را قبول کرد و در موقعی که بنده در کمیسیون وقت حضور داشتم آنجا یک چیزی را تذکر دادم و طرف توجه آقایان هم شد حالاً آن را میخواهم تذکر بدهم تا رفع نگرانی آقای شیروانی بشود آقای شیروانی میفرمایند این اشخاصی که اینجا هستند حکمیت کار این ها را باین جا رسانیده است در صورتی که حکمی در بین نبود است.

وجود نداشته باشد

ارباب کیخسرو رئیس - پیشنهادها ارسال می شود به کمیسیون ماده ۱۵

مشارع عظم - بنده پیشنهادی دارم رئیس - بفرستید به کمیسیون ارسال می شود ماده ۱۵ قرائت می شود (باین مضمون قرائت شد) ماده العاقبه - برای دست آوردن حلف اصل السوس رضایات مالکین اراضی شرط بوده عهده احیان امتیاز است که رضای مالکین اراضی را بعمل آورند رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - بنده نمی دانم بچه مناسبت ماده العاقبه نوشته اند خوب است همان ماده ۱۵ باشد رئیس - ماده پانزده خواهد بود آقای عدل الملک (اجازه)

عدل الملک - اینجا بطور مطلق نوشتن که رضایات مالکین را تحصیل کنند این ترتیب خیلی مشکل است برای اینکه به معنی اینکه مالکین احساس کردند از این محل می شود یک استفاده کرد خیلی مشکل است که رضایات آنها بعمل آید بنده پیشنهاد میکنم که یک راه حلی تعیین و یک حدی برای مالکین معین نمایند

رئیس - آقای داور (اجازه) داور - بنده گمان میکنم که اگر بطرز عاقله یا یک همچو چیزی بنویسند بهتر است

رئیس - آقای طهرانی (اجازه) طهرانی - بنده با آقای عدل الملک موافقم زیرا وقتی که صاحب امتیاز مجبور باشد رضایات مالکین را جلب کند اخلاق ما ایرانی ها این است که اگر دیدیم یک چیزی طرف توجه است اگر قبضش یک تومان باشد ده هزار تومان قیمت روی آن می گذاریم

بنده عقیده ام این است که اول استرضای خاطر صاحب ملک را جلب نمایند اگر استرضای خاطر مالک بعمل نیاید این جا جای تعیین حکم است که یک نفر حکم مالک معین کند و یک حکم هم صاحب امتیاز و هر قیمت عادلانه را که حکمین معین کردند صاحب امتیاز مکلف است ببالک بدهد والا این ترتیب ضرر برای صاحب امتیاز است و بیشتر فرستاده خواهد کرد

رئیس - شورا اول تمام شد باید رای گرفت بشور دوم آقایانیکه شور دوم را تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد برای اطلاع خاطر آقایان عرض می کنم که لایحه تفریغ بودجه سنه گذشته مجلس رسیده است بکمیسیون معاصبات ارسال میشود جلسه آتی روز ۴ شنبه

رئیس - تصویب شد برای اطلاع خاطر آقایان عرض می کنم که لایحه تفریغ بودجه سنه گذشته مجلس رسیده است بکمیسیون معاصبات ارسال میشود جلسه آتی روز ۴ شنبه

حاج میرزا عبدالوهاب - روز ۲ شنبه وفات است رئیس - روز چهارشنبه (جمعی از نمایندگان گفتند روز پنجشنبه)

رئیس - با ۴ شنبه آقایان مخالفند اصل السوس رضایات مالکین اراضی شرط بوده عهده احیان امتیاز است که رضای مالکین اراضی را بعمل آورند رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - بنده نمی دانم بچه مناسبت ماده العاقبه نوشته اند خوب است همان ماده ۱۵ باشد رئیس - ماده پانزده خواهد بود آقای عدل الملک (اجازه)

عدل الملک - اینجا بطور مطلق نوشتن که رضایات مالکین را تحصیل کنند این ترتیب خیلی مشکل است برای اینکه به معنی اینکه مالکین احساس کردند از این محل می شود یک استفاده کرد خیلی مشکل است که رضایات آنها بعمل آید بنده پیشنهاد میکنم که یک راه حلی تعیین و یک حدی برای مالکین معین نمایند

رئیس - آقای داور (اجازه) داور - بنده گمان میکنم که اگر بطرز عاقله یا یک همچو چیزی بنویسند بهتر است

رئیس - آقای طهرانی (اجازه) طهرانی - بنده با آقای عدل الملک موافقم زیرا وقتی که صاحب امتیاز مجبور باشد رضایات مالکین را جلب کند اخلاق ما ایرانی ها این است که اگر دیدیم یک چیزی طرف توجه است اگر قبضش یک تومان باشد ده هزار تومان قیمت روی آن می گذاریم

بنده عقیده ام این است که اول استرضای خاطر صاحب ملک را جلب نمایند اگر استرضای خاطر مالک بعمل نیاید این جا جای تعیین حکم است که یک نفر حکم مالک معین کند و یک حکم هم صاحب امتیاز و هر قیمت عادلانه را که حکمین معین کردند صاحب امتیاز مکلف است ببالک بدهد والا این ترتیب ضرر برای صاحب امتیاز است و بیشتر فرستاده خواهد کرد

رئیس - شورا اول تمام شد باید رای گرفت بشور دوم آقایانیکه شور دوم را تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد برای اطلاع خاطر آقایان عرض می کنم که لایحه تفریغ بودجه سنه گذشته مجلس رسیده است بکمیسیون معاصبات ارسال میشود جلسه آتی روز ۴ شنبه

پنجشنبه شود رئیس - مخالفی ندارد (اظهاری نشد) رئیس - در درجه چهارم گذاشته می شود - آقای ضیاء الملک (اجازه)

ضیاء الملک - بنده تقاضا میکنم لایحه استخدام یک نفر بیطار فرانسوی برای سرمایه سازی دستور شود رئیس - دستور خیلی سنگین است می ماند برای بعد (مجلس ۲ ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - مؤمن الملک منشی - علی اقبال الملک منشی - معظم السلطان جلسه صدوسه صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه ۱۱ جلی ۱۳۰۴ مطابق پنجم جمادی الثانیه ۱۳۴۳

مجلس دوساعت قبل از ظهر برپاست آقای مؤمن الملک تشکیل گردید صورت مجلس بوسیله منشی هفتم جلدی را آقای اقبال الملک قرائت نمودند رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - بنده قبل از دستور مرضی دارم رئیس - آقای صدر الاسلام (اجازه)

صدر الاسلام - بنده بعد از تصویب صورت مجلس عرض دارم رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - بنده هم بعد از تصویب صورت مجلس عرضی دارم رئیس - آقای آقا - بنده بمقرب راجع بصورت مجلس فرمایشی دارید؟

آقا سید یعقوب - خیر قبل از دستور مرضی دارم ولی قبل از همه اجازه خواستم همه هم دیدند که اشاره کردم رئیس - نسبت بصورت مجلس ایرادی نیست؟

(اظهاری نشد) رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - در اغلب مسائل مهمه و فتنه ما ها با هم صحبت میکنیم بنده غالباً دیده ام که یک اتفاق نظر و عقیده بین آقایان هست ولی وقتی که جمع میشویم در یکجا میفرمایند آن نظر و عقیده را بصورت عمل می آوریم بنده - این را بنده درست نفهمیدم علتش چیست -

آقایانیکه قبل از بنده در مجلس تشریف داشتند این نظر را بنده درست نفهمیدم علتش چیست -

داشته اند و نسبت بنده صحت استادی دارند البته بهتر میدانند مدرس - خلق زنانه شیروانی - بنده فلسفه این مسئله را نفهمیدم یکی از مسائلش که ما همیشه چه در خارج مجلس وجه در داخل مجلس در آن توافق نظر داشته ایم - مسئله اصلاح طرق و شوارع هست که همه عقیده داشته ایم که باید اصلاح راه ها در اصلاحات باشد و مخصوصاً آقایانیکه قدری پیش قدم بوده اند

ملا آقای تقی زاده و سایر آقایان همیشه باین مسئله اهمیت میدادند شاید نظر بنده هم قبل از آمدن مجلس همین بوده است که اقلاً در این دوره برای اصلاح راه ها یک فکری بکنیم و این نظر را بنده داشتم و شاید خیلی از آقایان هم همین نظر را داشتند و عقیده شان این بوده است که اگر بخواهند یک کار مهم عمومی در تمام مدت و کالت شان برای این مملکت بکنند

اینست که برای اصلاح راهها فکری بکنند و در این باب یک پیشنهادهایی شده و یک حرفهایی هم زده شده ولی وقتی میخواهم آنرا بوقع عمل بگذارم یعنی جریان بینه ازیم - مبینیم یک کوهانی پیدا میکنند پلی ما شاید نتوانیم مجالاً برای تمام مملکت خودمان خط آهن بکشیم

ولی اگر بتوانیم در چند خط وسایل اتومبیل رانی تهیه کنیم البته خدمت بزرگی کرده ایم - حالا که وسایل کشیدن خط آهن برای سر تا سر مملکت نداریم اقلاً میتوانیم کاری بکنیم که وسایل حمل و نقل تا اندازه براهتی فراهم شود که از مسافرت با شتر و الاغ و بالاخره کارهای دولتی مصون بمانیم - یک پیشنهادی از طرف یک کمیانی خارجی راجع باتومبیل رانی بین طهران دسر حد کرمانشاه قره توبه دولت داده است و بنده آن پیشنهاد را که مطالعه کردم (شاید خیلی از آقایان هم مطالعه کرده باشند) یکی از پیشنهادهایی است که کمتر نظیرش بپسند آمده است که منافع ما هم از نقطه نظر سیاسی و هم از نقطه نظر اقتصادی کاملاً منظور شده است

این پیشنهاد آمد بپسند و در مجلس هم جریان قانونی خود را طی کرد و بکمیسیون هم رفت ولی بعد دولت آنرا برای تجدید نظر مسترد داشت (شاید بعضی از آقایان بدانند)

بنده مبینیم بواسطه امنیتی که در ایران پیدا شده است از اروپا یا جاهای دیگر دنیا یک توجهاتی بملکت ما پیدا کرده اند - مخصوصاً اخیراً یک کمیونی بعد از آنکه شدیداً اینطور پیشنهاد بدو داده شده است

این پیشنهاد آمد بپسند و در مجلس هم جریان قانونی خود را طی کرد و بکمیسیون هم رفت ولی بعد دولت آنرا برای تجدید نظر مسترد داشت (شاید بعضی از آقایان بدانند)

بنده مبینیم بواسطه امنیتی که در ایران پیدا شده است از اروپا یا جاهای دیگر دنیا یک توجهاتی بملکت ما پیدا کرده اند - مخصوصاً اخیراً یک کمیونی بعد از آنکه شدیداً اینطور پیشنهاد بدو داده شده است

این پیشنهاد آمد بپسند و در مجلس هم جریان قانونی خود را طی کرد و بکمیسیون هم رفت ولی بعد دولت آنرا برای تجدید نظر مسترد داشت (شاید بعضی از آقایان بدانند)

بنده مبینیم بواسطه امنیتی که در ایران پیدا شده است از اروپا یا جاهای دیگر دنیا یک توجهاتی بملکت ما پیدا کرده اند - مخصوصاً اخیراً یک کمیونی بعد از آنکه شدیداً اینطور پیشنهاد بدو داده شده است

این پیشنهاد آمد بپسند و در مجلس هم جریان قانونی خود را طی کرد و بکمیسیون هم رفت ولی بعد دولت آنرا برای تجدید نظر مسترد داشت (شاید بعضی از آقایان بدانند)

از فرانسه آمده اند بطهران برای مذاکرات اقتصادی که بانک تأسیس نمایند و بالاخره شاید برای کشیدن خط آهن مذاکراتی بنمایند

ولی ورود این مسیون تصادف کرده است با مس گرفتن این پیشنهاد از مجلس و البته این قبیل مسائل مایوس میسند اشخاصی را که از جاهای دیگر دنیا میایند یا ما داخل مسائل اقتصادی شوند تقریباً دو هفته میگذرد که دولت این لایحه را برای تجدید نظر پس گرفته است در صورتی که قبل از اینکه این لایحه را به مجلس بفرستد مدتی در جریان بوده بوزارتخانه ها و ادارات مربوطه رفته و بالاخره بهیئت وزراء رفته و تصویب شده

بعد به مجلس آمده مدتی هم در مجلس جریان قانونیش را طی کرده نازه برای اینکه شاید یکی دو کلمه اش پس و پیش شده دولت قریب دو سه هفته است آنرا پس گرفته و نماینده يك كیانی پزركی را در طهران بلا تکلیف گذارده اند بنده میخواستم با آقایان معترم که بنده افتخار همکاری شان را دارم تذکر بدم که همان طور که مسئله اصلاح راهها را در خارج دوتا دوتا صحبت میکنیم فوق العاده اهمیت میدهم در اینجا هم که میاید بیشتر اهمیت بدیم و در روی آن عقیده بیشتر کار کنیم و کمیسیونهای مربوطه باین کار هم بیشتر در این باب دقت فرمایند

بعضی از نمایندگان - وارد دستورشوم.

صدر الاسلام - بنده اجازه خواسته ام قبل از دستور عرض دارم.

رئیس - شش همت نفر اجازه خواسته اند راپورتی از کمیسیون اقتصادیات رسیده است قرائت میشود.

(شرح ذیل قرائت شد)

هر چند کمیسیون اقتصادیات بیشتر مایل بود پس از اخذ نتیجه کلی از عملیات خود خبر جاعی عرض پرسند مع هذا برای آنکه خاطر محترم آقایان نمایندگان عظام را از مختصر هم بی اطلاع نگذارده باشد عرضه میدارم

از تاریخ ۸ قوس ۱۳۰۲ که اولین جلسه کمیسیون منعقد شده مرتباً جلسات کمیسیون بر گذار بوده و در تمام جلسات آقای وزیر فوائده عامه شخصاً یا خودشان یا معاونشان حضور داشته و در هر جلسه نیز آقای رئیس کل مالیه حاضر بوده اند . اساساً کمیسیون اصل مهم اتخاذ نموده است تا در اطراف آن از نقطه نظر الاهام فلاله و هریک که نزدیک تر بعمل باشد اقدام نماید .

(۱) اصلاح طرق شوسه موجوده بوسیله تعمیرات صحیح ثابت متدوساختن و ایجاد سایر راههای همراه رو (۲) کاستن از واردات مملکت بوسیله

تهیه ۰۰۰۰ مدرس - يك مرتبه دیگر از سر خوانده شود .

(مجدداً باین ترتیب خوانده شد) (۱) اصلاح طرق شوسه موجوده بوسیله تعمیرات صحیح ثابت متدوساختن و ایجاد سایر راههای همراه رو (۲) کاستن از واردات مملکت بوسیله تهیه دفع حواجز در داخله .

(۳) افزودن بر صادرات ارز اما اصلاح نواتس اتمه موجوده داخله و ترقی جهات فلاحی غیره در اثر اتخاذ این عقیده با موافقت آقایان وزیر فوائده عامه و رئیس کل مالیه .

اولاً تهیه صورتی در نظر است که برای مضارح طرق موجوده و ساختن طرق جدید بطرزهای و باطریق تعیین محل تابشی برای مضارح آن صورت پیشنهاد از طرف دولت تقدیم مجلس شود .

ثانیاً از آنجائیکه بار سنگین بواج راهها قابل تحمل نیست با مذاکرات و موافقت آقایان فوق الذکر در تهیه پیشنهادی هستند که از درجه تخفیف بواج راهها با تصویب مجلس شورای ملی شروع شود و بتدریج این عادت باج گرفتن از راهها معور گردد .

ثالثاً پیشنهادی تهیه و تقدیم نمایند که وسایل نقلیه جدید ورود و عرابه دار از تأدی حقوق گمرکی معاف باشد و همچنین در نظر گرفته شده است که ماشین آلات فلاحی و صنعتی نیز به علاوه معافیت از پرداخت حقوق گمرکی از باج راه و نواتس معاف گردد تا بهر وقت تهیه وسایل تجارتي و صنعتی و فلاحی که اساس و سرمایه از دپاد ثروت مملکت است میفرزاید .

و اما برای ازدیاد غرس نهال چای و تربیت اشجار و وسایل فزونی حاصل بریشم اطلاعات و نقشه جاتی تهیه شده که در دست مطالعه است .

فستهای مهم دیگر هم در نظراست که پس از وقتیکه بیاخذ نتیجه اساسی بر عرض خواهد رسید .

ضمناً برای آنکه از افکار عمومی هم در مسائل اقتصادی استفاده شده باشد - به علاوه آنکه اهلانی برای اطلاع آقایان نمایندگان معترم در سرسرای مجلس نصب گردید نیز در جراید درج و علاقه مندان باین مقصود دعوت شده اند هر گونه پیشنهادی داشته باشند بکمیسیون ارسال دارند و بر حی پیشنهادات رسیده که در تحت مطالعه است در خانمه مزید می نماید که کمیسیون اقتصادیات در موقع اتخاذ تصمیم اقدام بهر قسمتی بوسیله ملاحظه توازن بودجه مملکتی را نموده بایه پیشرفت هر قسمت از نظریات خود را بر روی آن اصل محکم استوار میسازد .

رئیس - بالمعنی در این باب مذاکره

خواهد شد .
وکیل الملک - خوب است طبع و توزیع شود .

رئیس - طبع و توزیع میشود - بودجه مملکتی مطرح است .
۴ فقره پیشنهاد که مراجعه شده بود به کمیسیون کمیسیون هر سه وارد کرده قرائت می شود .

(شرح ذیل قرائت شد)
کمیسیون بودجه پیشنهاد آقای عطاء الله خان روحی نماینده محترم رامورد مطالعه قرارداد و نظر باینکه با اطلاع و بصیرتی که اعضای کمیسیون بوضیعت امور صحیه و بودجه آن دارند و بدلیل زیادتی که در این موضوع موجود است با این پیشنهاد برای سال جاری ۱۳۰۳ نمی تواند موافقت نماید و نمایندگان معترم بر اظهارات شفاهی دولت در مجلس شورای ملی مراجعه میدهند .

ماد السلطنه
رئیس - ماده الحاقیه پیشنهاد آقای روحی قرائت می شود .

(بسطور خوانده شد)
بنده ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد میکنم .

دولت مکلف است که مبلغ پنجاه هزار تومان از یکصد و شش هزار و شصت و هفتاد تومان بودجه صحیه مملکتی را به تناسب اختصاص به صحیه ایالات و ولایات بدهد .

مخبر - چون در راپورت بنده عرض کرده ام که دلایل زیاد داریم حالا بنده نمی خواهم تمام دلایلی را که کمیسیون دارد در مجلس عرض کنم . فقط یکی دو تا را عرض میکنم که خاطر آقایان مسیون شود .

این پیشنهادی که آقای روحی کرده اند در مجلس هم قابل توجه شد که پنجاه هزار تومان از بودجه صحیه مرکز کسر و به مصرف ایالات و ولایات برسد .

این در عمل اینطور می شود .
کلیه بودجه مملکتی در سال صدوسی هزار تومان است که هر برجی می شود ده هزار هشتصد و سی و سه تومان -

فلاله دو ماه بیشتر بآخر سال نمانده اگر تمام دولت بر صحیه مملکتی را از اول برج دلو منحل کنیم آنوقت بیست و یک هزار و شصت و شصت و شش تومان از محل اسسال باقی می ماند در صورتی که اینجا پنجاه هزار تومان قابل توجه شده است .

از یک طرف تصور نمی کنم که وکلای محترم و مجلس شورای ملی علاقه مند باشند که صحیه ولایات برقرار شود و مؤسسات صهی مرکز منحل شود .
نهاد مستلزم است که بکلی مؤسسات صهی مرکز منحل شود .

ولی کمیسیون بودجه هم باین نظریه

آقایان معترم کاملاً موافق است و مخصوصاً در این خصوص با حضور آقای وزیر مالیه مذاکرای زیادی بعمل آمد و بالاخره آقای وزیر مالیه گفتند همانطور که در مجلس اظهار شده وزارت مالیه هم با این نظر موافق است و در بودجه سال آتی يك ميليون علاوه بر این صدوسی هزار تومان که آنهم افلا در حدود همین مبلغ باشد بیس - نهاد خواهند نمود که تصویب مجلس شورای ملی برسد تا مؤسسات صهی مرکز منحل شوند و ایالات و ولایات هم از این راه استفاده نمایند .

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - این دومین دفعه است که يك پیشنهادی در مجلس شورای ملی قایل توجه و تصدیق شده است و کمیسیون بودجه آنرا رد کرده است .

کمیسیون بودجه اظهار يك اطلاعی میکند مطابق آن اطلاعات پیشنهادی را که اکثریت مجلس قایل توجه دانسته است رد میکند و رد کردن این پیشنهاد معنیش این است که اکثریت مجلس یعنی آن اشخاص که این پیشنهاد را قابل توجه دانسته اند باندازه اعضای کمیسیون بودجه اطلاع ندارند .

حالا ناچاره اندازم این حرف مقرون به حق و صواب است کارنامه اولی اگر فرغ زاید بر اصل شنیده باشید همین مسئله است که اکثریت مجلس می گوید در مقابل صد و سی و شش هزار تومان که برای صحیه مملکت ایران در نظر گرفته شده است باینکه برای ایران باستان پنجاه هزار تومان برای مملکت طهران صرف شود و پنجاه هزار تومان برای سایر ممالک صرف ایران شود آقایان می فرمایند اینطور درست نمی شود بنده عرض می کنم مدارس طبی و آنجهائی که بخدمت تعلیم می دهند بر جای خودشان باقی بمانند .

ولی این صحیه های عمومی که دولت بآنها پول می دهد با وجود بودن صد هاد کتر در مرکز پول این صحیه ها را بولایات بدهند که فائده جمیع وسایل زندگانی هستند مخصوصاً سرحادات .

آقایان هیچ تصور نمی کنند که سرحادات یعنی دروازه های مملکت دست کسی است و کسی بایست آنها را اداره کند .

امراضی که از خارجی وارد مملکت می شوند باید در سرحادات از آنها جلوگیری شود .

بنده يك مرتبه راجع بیوشهر باندازه که میتوانست توضیح دادم - حالا شاید بیش از آن لازم نبود .

ولی عرض میکنم که برای جلوگیری از ورود امراض در مملکت پنجاه هزار تومان از صدوسی و شش هزار تومان صرف

شود زیاد نیست خوب است رعایت حال اهالی ایالات و ولایات را هم بفرمایند . در همین کازرون چند هزار بچه از مرض آبله مردند در صورتی که سرم آبله چندین قیستی ندارد و اگر میخواستند برای تمام ایالات و ولایات ایران سرم بفرستند شاید بیش از هزار تومان قیمتش نمی شود باندازه تومان سرم آبله برای يك ولایت نفرستاده اند و نتیجه اش این می شود که بانده لعل از میان برود .

میفرمایند صدوسی و شش هزار تومان برای صحیه مرکز بایست باشد ولی برای ولایات در آتی فکر میشود در صورتیکه در مرکز در سراسر ده کلنگ يك تابلوی دستکرو و کلینک هست .

(خنده نمایندگان)
خوب است آقایان در فکر سایر مردم هم باشند .

مخبر - بنده میخواهم وقت مجلس را مثل آقای کازرونی تلف کنم بنده عرض میکنم از روی حساب تا آخر سال قریب بیست و دو هزار تومان بیشتر پول ندارید آنوقت می گویند پنجاه هزار تومان برای ولایات اختصاص داده شود !! البته همه موافقت باین مسئله ولی برای امسال مورد ندارد برای سال آتی .

رئیس - رای گرفته میشود به ماده الحاقیه پیشنهادی آقای روحی . آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند .

(جمع قلیلی برخاستند)
رئیس - تصویب شد ماده الحاقیه پیش - نهادی آقای طهرانی و جمعی از آقایان نمایندگان قرائت میشود .

(شرح ذیل قرائت شد)
اینجانبان پیشنهاد مینمایم که ماده الحاقیه ذیل بر مواد قانون بودجه علاوه شود .

ماده الحاقیه - وزراء مکلفند مادامی که در جزو منتظرین خدمت وزارتخانه اشخاص هستند که از همه شغلی برمی آیند اشخاصی خارج را بتوان کترات استخدام نمایند مگر در فن معصوم متخصص باشند که در حده منتظرین خدمت یافت نشود .

رئیس - راپورت کمیسیون راجع به این ماده قرائت میشود .

(بشرح آتی خوانده شد)
کمیسیون بودجه پیشنهاد آقای آقا شیخ محمدعلی طهرانی و جمعی از نمایندگان معترم را مورد مطالعه قرارداد و چون ضمیمه این ماده در دقانون بودجه مملکتی بی مورد میدانند لذا نمیتواند موافقت نماید .

رئیس - آقای ضیاء الراعظین (اجازه)

ضیاء الراعظین - با آنکه موافقت ولی با راپورت کمیسیون مخالفم .
رئیس - با راپورت کمیسیون مخالفم .
ضیاء الراعظین - بلی

رئیس - بفرمایید
آقا شیخ محمدعلی طهرانی - بنده قبلاً اجازه گرفته بودم

رئیس - کجا
طهرانی - در راپورت کمیسیون نوشته ام مخالفم
رئیس - نوشته اید در ماده چهارده مخالفید .

آقا شیخ محمدعلی طهرانی - در راپورت کمیسیون بودجه عرض کردم مخالفم راجع به همین موضوع است .

رئیس - بفرمایید
آقا شیخ محمدعلی طهرانی - اولاً از آقای مخبر خواهش دارم در موقع جواب بیکقدر ملاحظه نراند و راپورتی که صورت مجلس خارج از نزاکت نباشد و مثل آن دفعه در موقع دفاع يك تعبیرات خوبی شده باشد .

اولاً آمدیم بر سر پیشنهادی که بنده و هفده نفر از آقایان نمایندگان معترم کرده ایم و راپورتیکه کمیسیون بودجه داده است گمان میکنم در قانون استخدام دقت نکرده اند بجهت خاطر اینکه ماده ده قانون استخدام مینویسد :

۱. آمدیم بر سر پیشنهادی که بنده و هفده نفر از آقایان نمایندگان معترم کرده ایم و راپورتیکه کمیسیون بودجه داده است گمان میکنم در قانون استخدام دقت نکرده اند بجهت خاطر اینکه ماده ده قانون استخدام مینویسد :
متخصصین فنی از اتباع داخله که به موجب قرار دادهای مخصوصه برای مدت معینی اجیر میشوند جزو مستخدمین رسمی محسوب نخواهند شد .

این ماده ده بود از این ماده اینطور استفاده می شود که اگر دولت بخواهد فرضاً يك طبیبی را بعنوان طبابت یا مهندس را بعنوان مهندسی استخدام بکند اینها جزو مستخدمین رسمی محسوب نخواهند بود یعنی دولت حق ندارد يك نفر متخصص فنی داخلی را بیاورد و اجیر کند و کترات نمایند .

از این عبارت فقط باین اندازه استفاده میشود اعم از اینکه جزو منتظرین خدمت يك طبیبی باشد که متخصص فنی هم هست یا مهندسی باشد که متخصص فنی هم هست یا باشد و مقصود ما از این پیشنهاد این بود که دولت حق ندارد با داشتن متخصصینی که جزو منتظرین خدمت اند اشخاص از خارج بیاورد و در نتیجه بر عده منتظرین خدمت بیفزاید .

این ماده این مسئله را منع نمیکند .
۲. اینکه ما همه مطلعیم اگر هم همه مطلع نباشیم اکثر مطلعیم و مشاهده میکنیم که مثلا در خیابان لاله زار از فلان مشاوره فلان ضمیمه این ماده در دقانون بودجه مملکتی بی مورد میدانند لذا نمیتواند موافقت نماید .

رئیس - آقای ضیاء الراعظین (اجازه)
ضیاء الراعظین - با آنکه موافقت ولی با راپورت کمیسیون مخالفم .
رئیس - با راپورت کمیسیون مخالفم .
ضیاء الراعظین - بلی

استخدام کنند . ناشی شده است . ماده هفتاد و سه می نویسد
مادام که عده منتظرین خدمت ادارات دولتی بیش صدی پنج مقرر در ماده بیست و نه میباشد هیچ يك از وزارتخانه ها و ادارات حق استخدام عضو جدید ندارند .

ماده قبل اشاره میکند با استخدام عضو جدید بعنوان کترات و میگوید .
این اشخاص جزو مستخدمین محسوب نمی شوند ولی اشاره راجع بمنتظرین خدمت در آن نیست و فقط از ماده ده این طور استفاده می شود که کسی را که اجیر کرده اند او مستخدم نیست .

در صورتیکه ماده هفتاد و سه میگوید اگر عده منتظرین خدمت زیاد از صد پنج شد مستخدم جدید را نمیتواند استخدام کند و مستخدمینی که منتظر خدمت هستند بحالت خودشان باقی باشند لذا دولت ممنوع نیست از اینکه مستخدمین جدید را بعنوان متخصصین کترات کند .

ولی ماده الحاقیه که بنده و هفده نفر از آقایان امضاء و پیشنهاد کرده ایم روی این زمینه است که دولت حق ندارد بعد از این بنام بواربیت و معادلیت اشخاص را کترات کند و در وزارتخانه ها بکار و دارد و آنوقت عده زیاد از عده بخت هائیکه استخدام مینویسد :

متخصصین فنی از اتباع داخله که به موجب قرار دادهای مخصوصه برای مدت معینی اجیر میشوند جزو مستخدمین رسمی محسوب نخواهند شد .
این ماده ده بود از این ماده اینطور استفاده می شود که اگر دولت بخواهد فرضاً يك طبیبی را بعنوان طبابت یا مهندس را بعنوان مهندسی استخدام بکند اینها جزو مستخدمین رسمی محسوب نخواهند بود یعنی دولت حق ندارد يك نفر متخصص فنی داخلی را بیاورد و اجیر کند و کترات نمایند .

از این عبارت فقط باین اندازه استفاده میشود اعم از اینکه جزو منتظرین خدمت يك طبیبی باشد که متخصص فنی هم هست یا مهندسی باشد که متخصص فنی هم هست یا باشد و مقصود ما از این پیشنهاد این بود که دولت حق ندارد با داشتن متخصصینی که جزو منتظرین خدمت اند اشخاص از خارج بیاورد و در نتیجه بر عده منتظرین خدمت بیفزاید .

این ماده این مسئله را منع نمیکند .
۲. اینکه ما همه مطلعیم اگر هم همه مطلع نباشیم اکثر مطلعیم و مشاهده میکنیم که مثلا در خیابان لاله زار از فلان مشاوره فلان ضمیمه این ماده در دقانون بودجه مملکتی بی مورد میدانند لذا نمیتواند موافقت نماید .

بنده خودم در طهران دیده ام يك صاعبه را منحل میکردند و پس از چندی

یکسفر را می آوردند و بآن کار میگذاشتند .
بعد از این کار کن های ادارات باید بفهمند که با يك معنای موهوم نمیشود قانون استخدام استفاده کرد .

حالا اگر قانون استخدام يك مسایبی دارد و باید اصلاح شود آن امری حلیمه است ولی مادام که این مواد هست نمیشود استفاده موهوم از آن کرد .
این خلاصه امر این بنده بود که عرض کردم .

مخبر - بنده با فرض اینکه تمام دلایلی را که آقای طهرانی اظهار فرمودند وارد بدانم مع ذلك عقیده کمیسیون این بود که این ماده و این مطلب جایش در قانون بودجه برای هذمه السناست و دو ماه دیگر بیشتر باخر سال باقی نمانده است . علاوه شاکه این عقیده را دارید ممکن بود این نظریه را بطور يك ماده پیشنهاد میفرمودید .

يك کمیسیون دیگری هم بود که قانون استخدام را معاینه میکنند با آنجا ارجاع میشد و حکم اصلاح میکردند ولی این بیاناتی را که آقا فرمودند بنده يك فستش را وارد نمیدانم .

زیرا باتمام فلسفه و دلایلی که ایراد فرمودید باید عرض کنم که مجلس شورای ملی در دوره چهارم يك قانون دیگری هم راجع به کترات رئیس مالیه گذارنده است و آن قانون يك ماده چهارده می دارد که اگر بآن مراجعه بفرمایید رفع اشکال خواهد شد .

رئیس - رای گرفته می شود به این ماده الحاقیه .
آقایانی که این ماده را تصویب میکنند قیام فرمایند .

(عده قلیلی قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد .

پیشنهاد دیگری از طرف آقای ملک التجار شده قرائت میشود .

(شرح آتی خوانده شد)
نظر باینکه وزارت مالیه در پرداخت حقوق وزارتخانه ها و ادارات تبعیضاتی برای خود قائل شده است و منتظرین خدمت هم از حقوق شش ماهه اول سال معلوم بوده اند و برای اینکه رعایتی از منتظرین خدمت شده باشد و در آخر سال هم بیکدمه طلبکار قانونی برای دولت تهیه نشود این بنده پیشنهاد می نماید که در فصل دوم مخصوصاً قید شود که حقوق قانونی منتظرین خدمت مرتباً در هر برج پرداخت شود .

رئیس - راپورت کمیسیون بودجه قرائت میشود .
(باین ترتیب خوانده شد)

کمیسیون بودجه پیشنهاد آقای سلطان‌العلماء نماینده محترم را مورد مطالعه قرار داده نظر باینکه عقیده آن‌ها به کمیسیون از اول امر که نسبت بر عایت بودند هر مبنی که در باره منتظرین خدمت منظور میشود مثل مشغولین بخدمت بطور مشاهده پرداخته گردد و نظر باینکه چون کلیه بودجه مملکتی بطور در دست و اعتباری است کمیسیون با وجود اظهارات شفاهی وزارت مالیه در کمیسیون و در مجلس زاید مبدانست که این توضیح واضح را قید نماید چنانچه نسبت به بودجه سایر وزارتخانه ها و مشغولین بخدمت هم این قید بعمل نیامده.

پنا بر این با اینکه کمیسیون معتقد است که حقوق منتظرین خدمت مثل مشغولین بخدمت بطور مشاهده پرداخته شود.

عقیده دولت هم همین است دیگر این پیشنهاد را زائد دانستند و نمیتوانند موافقت نمایند.

رئیس - آقای مهرانی - (اجازه)

آقای شیخ محمد علی طهرانی - بنده با ماده العاقیه موافقم و دلیل هم این است که کارها را بصورت ماست مالی نباید درست کرد.

حقایق را باید گفت و تاریخ هم ضبط میکند ام از اینکه گویند مغلوب شود باغالب.

در همین مجلس قبل از اینکه بودجه بیاورد برای منتظرین خدمت وزارت خارجه و مستخدمین قدیمی وزارت خارجه مایک رانی داریم و دوسه چهار ماه قبل از اول سنه تا آنوقت بلکه تمام حقوق هفده سنه آنها را می دادیم بخواهیم یا خوشبختانه نام اجزای منتظرین خدمت بمن کارسند گفتند لایحه لاغی اعتبار بود اعتباری ندارد بواسطه اینکه الان چهار پنج ماه است که از تصویب لایحه شما میگذرد هنوز یکماه آنرا بوضع اجرا نگذاشته اند ما باید همه دوزخ برویم وزارت مالیه با وزارت خارجه و برای گرفتن بیست و پنج تومان همه دوزخ از این اطاق بان اطاق برویم.

ما که تمام شئون خودمان را بدولت فروخته ایم و مجلس هم با ما مساعدت کرده که پولی بماند یا دوماه بدوماه بماند هنوز چیزی ندادند اما مکلفیم که این توضیحات را بدویم و لایحه دولت هم عمل نکنند زیرا وقتی این توضیحات بقانون بودجه ملحق بشود مردمی دانند که ما بوظائف خودمان عمل کرده ایم حالا اگر مالیه عمل نکنند ربطی بماند ندارد و ما بوظیفه ای که داریم البته عمل میکنیم و تعقیب هم خواهیم کرد از اینجهت بنده این ماده العاقیه را قابل توجهی می دانم و باید ماده بیه منتظرین خدمت

حقوق داده شود زیرا مشاهده کرده ایم با اینکه نسبت بمنتظرین خدمت وزارت خارجه رای داده شده مع ذلک باز با آنها حقوق ندادند.

شاید این نظر را داشته اند که چون این منتظرین خدمت بی کار هستند و معالاجت ای بدولت نیستند از اینجهت حقوق این بیچاره ها را باید عقب انداخت از اینجهت ممکن است بکفایت برج حمل روم وزارت خانه ها حقوق گرفته باشند ولی شمامه حق بمنتظرین خدمت ندادند باشند.

مخبر - مطالبی را که آقا اظهار کردند معلوم میشود مذاکراتی که شده است درست حالی نشدند.

راجع بوزارت خارجه که فرمودند مجلس شورای ملی راجع بحقوق امسال منتظرین خدمت وزارت خارجه تا کنون رانی ندادند است و لازم هم بود رانی بدهند و آن رانی که مجلس داد مربوط چهار ماه آخر سال گذشته از باب حقوق معرفه بوده و بنده گمان میکنم این معطلی هم که در وزارت مالیه پیدا شده نه برای این بوده است که خواسته اند از برای مجلس ترمذ کنند بلکه خواسته اند با قانون معاسبات همی مطابق دهند چون بموجب قانون معاسبات عمومی وزارت مالیه که ناظر بر پرداخت مخارج است باید تمام اوجه را با قانون معاسبات عمومی تطبیق دهد مواد قانونی معاسبات را هم مراعات کنند.

اما اینکه راجع بمنتظرین خدمت شرحی فرمودید بنده گمان نمیکنم هیچکس مثل کمیسیون بودجه در این مسئله دقت و اهتمام داشته زیرا تمام افراد و اعضاء کمیسیون بودجه عقیده دارند و از چند ماه قبل تا کنون هم سعی کرده اند که دولت یک فکر برای منتظرین خدمت بکنند و عقیده آقایان هم این است که بطور شرعی بحقوق منتظرین خدمت پرداخته شود.

اما ملاحظه بفرمائید که این توضیح واضح در اینجا جا دارد بماند.

عقیده کمیسیون اینست که جانشان و لازم نیست برای اینکه در این بودجه وقتی که حقوق مشغولین خدمت را نوشته ایم هیچ ذکر کرده ایم که بطور مشاهده پرداخته شود؟

مثلا در بودجه وزارت فواید عامه یا سند و تکرار باجای دیگر تصویب هم کرده ایم هیچ ذکر شده که باید حقوق اعضاء اجزاء بطور مشاهده پرداخته شود؟

خیر لازم نیست دولت هم نظر همین است.

چنانچه وزیر مالیه هم در پشت تریبون اظهار کردند و در کمیسیون بودجه هم اظهار کرده اند که حقوق منتظرین خدمت بطور شهریه پرداخته خواهد شد و خود کمیسیون هم اگر از این نظر مطمئن نبود این قید را در اینجا میکرد در این

صورت این تسمی را که میخواهید ذکر کنید در اینجا از اساس و بکلی معترضین بخدمت هم هست.

رئیس - رای میگیریم بماده ۰۰۰۰

سلطان العلماء - در صورتیکه دولت قبول کرده است و آقای مخبر هم قبول میکنند بنده مستر میدارم.

رئیس - مستر میدارید؟

سلطان العلماء - بلی.

رئیس - مذاکره در مواد تمام شد فقط بکفره نیم عشر اوقاف مانده است و باید رای بگیریم.

محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس بنده پیشنهادی تقدیم کرده بودم (پیشنهاد آقای شیروانی بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده ماده العاقیه ذیل را پیشنهاد میکنم:

ماده العاقیه - هوائه نیم عشر اوقاف علاوه بر بودجه معصوم اختصاصی بصحبه و معارف ولایات خواهد داشت و وزارت معارف مأمور است که با تصویب شورای معارف مصرف نماید.

رئیس - قیلا باید بخود نیم عشر رای گرفت بعد باین پیشنهاد.

رای گرفته میشود به نیم عشر اوقاف ببلخ پنجاد و دو هزار تومان.

شیخ الرئیس - بنده پیشنهادی کرده ام در باب تأخیر رای **رئیس -** چه میفرمائید؟

شیخ الرئیس - بنده پیشنهادی کرده ام و عقیده ام اینست که این قسمت بتأخیر بماند و بودجه بگذرد و پیشنهاد کرده ام که پس از چند روز دیگر از طرف دولت قانون آن تقدیم شود آن پیشنهاد مقدم بر این پیشنهاد است.

(پیشنهاد شاهزاده شیخ الرئیس بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم بودجه مملکتی باستثناء پنجاد و دو هزار تومان اوقاف مطرح و ختم شود و اوقاف بماند تا از طرف دولت قانونی پیشنهاد مجلس مقدس شود.

رئیس - بچه شکل این را پیشنهاد می کند؟

شیخ الرئیس - یعنی میفرمائید اشکان قانونی دارد؟

رئیس - در فقرات ممکن نیست پیشنهاد بشود.

اگر پیشنهاد می کنید باید بطور ماده العاقیه باشد و بعد قابل توجه بشود.

شیخ الرئیس - خیلی خوب ماده العاقیه باشد. اجازه میفرمائید؟

رئیس - بفرمائید.

شیخ الرئیس - بنده چون ملاحظه کردم در این چند روز که مذاکره شده است آقایان راجع بنیم عشر اوقاف اظهار

کردند و این هم از جهت استیکری در اینجا از اساس و بکلی معترضین بخدمت هم هست.

بعضی اوقات آقای مخبر هم که مدافعه میکنند مباحثه میکنند که بار سال رای داده آید.

در صورتیکه آن رای اجازه خرج بوده قانون و قانونگذاری و آن مدت معینی دارد که در نظامنامه است و در قانون اساسی هم مصرح است که باید مطابق آن ترتیب بیاورد مجلس و بگذرد و آن قانون اوقاف هم که گذشته راجع بنظرات است.

بنابر این اخذ نیم عشر اوقاف یک قانونی است و میل بنده ندارم که این حق قانونگذاری از مجلس سلب بشود باید بشکل قانون از مجلس بگذرد.

نه بعنوان اجازه خرج یا دخل که اگر مطالبی هست بایک نظریات عینی درش مطالعه بشود.

و هر قسمتش قابل تصویب است تصویب بشود و هر قسمتش نیست درش و عقیده ام این است که این قسمت بماند و بقیه بودجه رای گرفته شود و بگذرد و اگر خیر آقایان می خواهند بودجه معطل شود و میل دارند باین قسمت هم رای گرفته شود آنهم بسته بنظریات خودشان است و بیش از این بنده عرض ندارم.

مخبر - ولی بهتر از این فرمایشی که خود شاهزاده اظهار کرده است نیست که اوقاف پارسانه رای داده آید.

در صورتیکه نیم عشر اوقاف پارسانه جز بودجه مملکتی بوده است و باین جهت این اظهاری را که ایشان کردند بنده نذت ام.

ولی راجع ببیشنهادشان بنده حاضرم و قیون می کنم که قسمت نیم عشر موضوع شود و در بودجه رای گرفته شود و این قسمت بماند برای بعد.

رئیس - دو فقره پیشنهاد هست که باید تکلیفش معلوم شود.

شیروانی - این پیشنهاد بماند برای بعد بیک پیشنهاد دیگر در موضوع نیم عشر تقدیم کرده بودم.

رئیس - پس می گیرید؟

شیروانی - بلی.

رئیس - پیشنهاد آقای یاسانی قرائت می شود.

(بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم - پنجاد و دو هزار تومان نیم عشر اوقاف در جز جمع مایهات وزارت معارف قلمداد شود.

رئیس - بفرمائید.

یاسانی - عرض می شود از مجلس شورای ملی یک قانونی گذشته ماده شش آن قانون نظارت دولت را در اوقاف مملکت تصویب کرده است و این قانون باید اجرا شود و وقتی که اجراء شود باید دولت یک حق نظاره از اوقاف بگیرد

بنده عقیده ندارم این حق نظارت جزء مایهات عمومی بیاورد و بیش نهاد کرده ام که در جزء مایهات خود وزارت معارف و اوقاف قلمداد شود مثل تومانی یک عباسی و خروازی بقران باشد.

باینکه باید قانون را لغو کنید و آن وقت بمسئله نیم عشر رای ندهید

والا اگر بخواهید این قانون عملی شود البته باید وسائل نظارت دولت را در اوقاف فراهم کنید

زیرا یک مملکتی که میخواهد خودش را اداره کند البته وجوه لازم دارد و هیچ مجوزی هم ندارد که از مایهات عمومی صرف امور خیریه بکند و اوقاف یک شبهه ای است از امور خیریه و باید خرجش هم از خودش در یابد و از مایهات عمومی نباشد صرف اوقاف کرد

مدعی العموم هم نمیتواند وظیفه رئیس اوقاف و ناظر اوقاف را انجام دهد و اگر بخواهد باین قانون عملی شود باید مخارج اوقاف را از خودش ببرد و بیاورد و از مایهات عمومی نمیتوان خرج کرد

مایهات عمومی باید خرج تأمینات و انتظامات مملکت بشود

اوقاف یک خرجی است خیریه و باید خرجش از خودش بیرون بیاورد و بنده باید بجای نیم عشر یک عشر گرفته شود و می بایست در آینه این املاک موقوفه که استهلاك کرده اند بتدریج ازید غاصبان منتزع شود و اشخاصی که طرفدار اوقاف هستند باید رای بدهند باین نیم عشر تا اوقاف اداره شود والا اگر چنانچه همین طور باقی بماند چند سال دیگر هیچ موقوفه باقی نمانند

مخبر - در صورتی که خود موضوع نیم عشر را ما قبول کردیم که بماند برای بعد دیگر این پیشنهاد آقا هم فعلا مورد ندارد و ممکن است حالا مسترد بفرمائید و در موقع رای گرفتن بنیم عشر مجدداً پیش نهاد کنند

یاسانی - بنده مسترد میدارم

رئیس - پیشنهاد شاهزاده را آقای مشارعظم اینطور نوشته اند اگر صحیح است رای بگیریم

(پیشنهاد را کوراً بنظر خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده العاقیه منجبه قانون بودجه شود

زیرا مبلغی از عایدات گرفته شده و مبلغی هم خرج شده و هر قدر از عایدات یا از مخارج کسر شود دولت دچار اشکالات می شود

ولی بنده نمیخواهم این موقع را بگذارم قوت شود بدون اینکه چند ملاحظه مهم در اساس بودجه عرض کنم تا اینکه برای سال آینده در نظر گرفته شود و مقید واقع شود

اینطور که ما عایدات میگیریم و صرف می کنیم به این ترتیب سکار مملکت بجائی

بنده عقیده ندارم این حق نظارت جزء مایهات عمومی بیاورد و بیش نهاد کرده ام که در جزء مایهات خود وزارت معارف و اوقاف قلمداد شود مثل تومانی یک عباسی و خروازی بقران باشد.

باینکه باید قانون را لغو کنید و آن وقت بمسئله نیم عشر رای ندهید

والا اگر بخواهید این قانون عملی شود البته باید وسائل نظارت دولت را در اوقاف فراهم کنید

زیرا یک مملکتی که میخواهد خودش را اداره کند البته وجوه لازم دارد و هیچ مجوزی هم ندارد که از مایهات عمومی صرف امور خیریه بکند و اوقاف یک شبهه ای است از امور خیریه و باید خرجش هم از خودش در یابد و از مایهات عمومی نمیتوان خرج کرد

مدعی العموم هم نمیتواند وظیفه رئیس اوقاف و ناظر اوقاف را انجام دهد و اگر بخواهد باین قانون عملی شود باید مخارج اوقاف را از خودش ببرد و بیاورد و از مایهات عمومی نمیتوان خرج کرد

مایهات عمومی باید خرج تأمینات و انتظامات مملکت بشود

اوقاف یک خرجی است خیریه و باید خرجش از خودش بیرون بیاورد و بنده باید بجای نیم عشر یک عشر گرفته شود و می بایست در آینه این املاک موقوفه که استهلاك کرده اند بتدریج ازید غاصبان منتزع شود و اشخاصی که طرفدار اوقاف هستند باید رای بدهند باین نیم عشر تا اوقاف اداره شود والا اگر چنانچه همین طور باقی بماند چند سال دیگر هیچ موقوفه باقی نمانند

مخبر - در صورتی که خود موضوع نیم عشر را ما قبول کردیم که بماند برای بعد دیگر این پیشنهاد آقا هم فعلا مورد ندارد و ممکن است حالا مسترد بفرمائید و در موقع رای گرفتن بنیم عشر مجدداً پیش نهاد کنند

یاسانی - بنده مسترد میدارم

رئیس - پیشنهاد شاهزاده را آقای مشارعظم اینطور نوشته اند اگر صحیح است رای بگیریم

(پیشنهاد را کوراً بنظر خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده العاقیه منجبه قانون بودجه شود

زیرا مبلغی از عایدات گرفته شده و مبلغی هم خرج شده و هر قدر از عایدات یا از مخارج کسر شود دولت دچار اشکالات می شود

ولی بنده نمیخواهم این موقع را بگذارم قوت شود بدون اینکه چند ملاحظه مهم در اساس بودجه عرض کنم تا اینکه برای سال آینده در نظر گرفته شود و مقید واقع شود

اینطور که ما عایدات میگیریم و صرف می کنیم به این ترتیب سکار مملکت بجائی

بنده عقیده ندارم این حق نظارت جزء مایهات عمومی بیاورد و بیش نهاد کرده ام که در جزء مایهات خود وزارت معارف و اوقاف قلمداد شود مثل تومانی یک عباسی و خروازی بقران باشد.

باینکه باید قانون را لغو کنید و آن وقت بمسئله نیم عشر رای ندهید

والا اگر بخواهید این قانون عملی شود البته باید وسائل نظارت دولت را در اوقاف فراهم کنید

زیرا یک مملکتی که میخواهد خودش را اداره کند البته وجوه لازم دارد و هیچ مجوزی هم ندارد که از مایهات عمومی صرف امور خیریه بکند و اوقاف یک شبهه ای است از امور خیریه و باید خرجش هم از خودش در یابد و از مایهات عمومی نمیتوان خرج کرد

مدعی العموم هم نمیتواند وظیفه رئیس اوقاف و ناظر اوقاف را انجام دهد و اگر بخواهد باین قانون عملی شود باید مخارج اوقاف را از خودش ببرد و بیاورد و از مایهات عمومی نمیتوان خرج کرد

مایهات عمومی باید خرج تأمینات و انتظامات مملکت بشود

اوقاف یک خرجی است خیریه و باید خرجش از خودش بیرون بیاورد و بنده باید بجای نیم عشر یک عشر گرفته شود و می بایست در آینه این املاک موقوفه که استهلاك کرده اند بتدریج ازید غاصبان منتزع شود و اشخاصی که طرفدار اوقاف هستند باید رای بدهند باین نیم عشر تا اوقاف اداره شود والا اگر چنانچه همین طور باقی بماند چند سال دیگر هیچ موقوفه باقی نمانند

مخبر - در صورتی که خود موضوع نیم عشر را ما قبول کردیم که بماند برای بعد دیگر این پیشنهاد آقا هم فعلا مورد ندارد و ممکن است حالا مسترد بفرمائید و در موقع رای گرفتن بنیم عشر مجدداً پیش نهاد کنند

یاسانی - بنده مسترد میدارم

رئیس - پیشنهاد شاهزاده را آقای مشارعظم اینطور نوشته اند اگر صحیح است رای بگیریم

(پیشنهاد را کوراً بنظر خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده العاقیه منجبه قانون بودجه شود

زیرا مبلغی از عایدات گرفته شده و مبلغی هم خرج شده و هر قدر از عایدات یا از مخارج کسر شود دولت دچار اشکالات می شود

ولی بنده نمیخواهم این موقع را بگذارم قوت شود بدون اینکه چند ملاحظه مهم در اساس بودجه عرض کنم تا اینکه برای سال آینده در نظر گرفته شود و مقید واقع شود

اینطور که ما عایدات میگیریم و صرف می کنیم به این ترتیب سکار مملکت بجائی

بنده عقیده ندارم این حق نظارت جزء مایهات عمومی بیاورد و بیش نهاد کرده ام که در جزء مایهات خود وزارت معارف و اوقاف قلمداد شود مثل تومانی یک عباسی و خروازی بقران باشد.

باینکه باید قانون را لغو کنید و آن وقت بمسئله نیم عشر رای ندهید

والا اگر بخواهید این قانون عملی شود البته باید وسائل نظارت دولت را در اوقاف فراهم کنید

زیرا یک مملکتی که میخواهد خودش را اداره کند البته وجوه لازم دارد و هیچ مجوزی هم ندارد که از مایهات عمومی صرف امور خیریه بکند و اوقاف یک شبهه ای است از امور خیریه و باید خرجش هم از خودش در یابد و از مایهات عمومی نمیتوان خرج کرد

مدعی العموم هم نمیتواند وظیفه رئیس اوقاف و ناظر اوقاف را انجام دهد و اگر بخواهد باین قانون عملی شود باید مخارج اوقاف را از خودش ببرد و بیاورد و از مایهات عمومی نمیتوان خرج کرد

مایهات عمومی باید خرج تأمینات و انتظامات مملکت بشود

اوقاف یک خرجی است خیریه و باید خرجش از خودش بیرون بیاورد و بنده باید بجای نیم عشر یک عشر گرفته شود و می بایست در آینه این املاک موقوفه که استهلاك کرده اند بتدریج ازید غاصبان منتزع شود و اشخاصی که طرفدار اوقاف هستند باید رای بدهند باین نیم عشر تا اوقاف اداره شود والا اگر چنانچه همین طور باقی بماند چند سال دیگر هیچ موقوفه باقی نمانند

مخبر - در صورتی که خود موضوع نیم عشر را ما قبول کردیم که بماند برای بعد دیگر این پیشنهاد آقا هم فعلا مورد ندارد و ممکن است حالا مسترد بفرمائید و در موقع رای گرفتن بنیم عشر مجدداً پیش نهاد کنند

یاسانی - بنده مسترد میدارم

رئیس - پیشنهاد شاهزاده را آقای مشارعظم اینطور نوشته اند اگر صحیح است رای بگیریم

(پیشنهاد را کوراً بنظر خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده العاقیه منجبه قانون بودجه شود

زیرا مبلغی از عایدات گرفته شده و مبلغی هم خرج شده و هر قدر از عایدات یا از مخارج کسر شود دولت دچار اشکالات می شود

ولی بنده نمیخواهم این موقع را بگذارم قوت شود بدون اینکه چند ملاحظه مهم در اساس بودجه عرض کنم تا اینکه برای سال آینده در نظر گرفته شود و مقید واقع شود

اینطور که ما عایدات میگیریم و صرف می کنیم به این ترتیب سکار مملکت بجائی

بنده عقیده ندارم این حق نظارت جزء مایهات عمومی بیاورد و بیش نهاد کرده ام که در جزء مایهات خود وزارت معارف و اوقاف قلمداد شود مثل تومانی یک عباسی و خروازی بقران باشد.

باینکه باید قانون را لغو کنید و آن وقت بمسئله نیم عشر رای ندهید

والا اگر بخواهید این قانون عملی شود البته باید وسائل نظارت دولت را در اوقاف فراهم کنید

زیرا یک مملکتی که میخواهد خودش را اداره کند البته وجوه لازم دارد و هیچ مجوزی هم ندارد که از مایهات عمومی صرف امور خیریه بکند و اوقاف یک شبهه ای است از امور خیریه و باید خرجش هم از خودش در یابد و از مایهات عمومی نمیتوان خرج کرد

مدعی العموم هم نمیتواند وظیفه رئیس اوقاف و ناظر اوقاف را انجام دهد و اگر بخواهد باین قانون عملی شود باید مخارج اوقاف را از خودش ببرد و بیاورد و از مایهات عمومی نمیتوان خرج کرد

مایهات عمومی باید خرج تأمینات و انتظامات مملکت بشود

اوقاف یک خرجی است خیریه و باید خرجش از خودش بیرون بیاورد و بنده باید بجای نیم عشر یک عشر گرفته شود و می بایست در آینه این املاک موقوفه که استهلاك کرده اند بتدریج ازید غاصبان منتزع شود و اشخاصی که طرفدار اوقاف هستند باید رای بدهند باین نیم عشر تا اوقاف اداره شود والا اگر چنانچه همین طور باقی بماند چند سال دیگر هیچ موقوفه باقی نمانند

مخبر - در صورتی که خود موضوع نیم عشر را ما قبول کردیم که بماند برای بعد دیگر این پیشنهاد آقا هم فعلا مورد ندارد و ممکن است حالا مسترد بفرمائید و در موقع رای گرفتن بنیم عشر مجدداً پیش نهاد کنند

یاسانی - بنده مسترد میدارم

رئیس - پیشنهاد شاهزاده را آقای مشارعظم اینطور نوشته اند اگر صحیح است رای بگیریم

(پیشنهاد را کوراً بنظر خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده العاقیه منجبه قانون بودجه شود

زیرا مبلغی از عایدات گرفته شده و مبلغی هم خرج شده و هر قدر از عایدات یا از مخارج کسر شود دولت دچار اشکالات می شود

ولی بنده نمیخواهم این موقع را بگذارم قوت شود بدون اینکه چند ملاحظه مهم در اساس بودجه عرض کنم تا اینکه برای سال آینده در نظر گرفته شود و مقید واقع شود

اینطور که ما عایدات میگیریم و صرف می کنیم به این ترتیب سکار مملکت بجائی

بنده عقیده ندارم این حق نظارت جزء مایهات عمومی بیاورد و بیش نهاد کرده ام که در جزء مایهات خود وزارت معارف و اوقاف قلمداد شود مثل تومانی یک عباسی و خروازی بقران باشد.

باینکه باید قانون را لغو کنید و آن وقت بمسئله نیم عشر رای ندهید

والا اگر بخواهید این قانون عملی شود البته باید وسائل نظارت دولت را در اوقاف فراهم کنید

زیرا یک مملکتی که میخواهد خودش را اداره کند البته وجوه لازم دارد و هیچ مجوزی هم ندارد که از مایهات عمومی صرف امور خیریه بکند و اوقاف یک شبهه ای است از امور خیریه و باید خرجش هم از خودش در یابد و از مایهات عمومی نمیتوان خرج کرد

مدعی العموم هم نمیتواند وظیفه رئیس اوقاف و ناظر اوقاف را انجام دهد و اگر بخواهد باین قانون عملی شود باید مخارج اوقاف را از خودش ببرد و بیاورد و از مایهات عمومی نمیتوان خرج کرد

مایهات عمومی باید خرج تأمینات و انتظامات مملکت بشود

اوقاف یک خرجی است خیریه و باید خرجش از خودش بیرون بیاورد و بنده باید بجای نیم عشر یک عشر گرفته شود و می بایست در آینه این املاک موقوفه که استهلاك کرده اند بتدریج ازید غاصبان منتزع شود و اشخاصی که طرفدار اوقاف هستند باید رای بدهند باین نیم عشر تا اوقاف اداره شود والا اگر چنانچه همین طور باقی بماند چند سال دیگر هیچ موقوفه باقی نمانند

مخبر - در صورتی که خود موضوع نیم عشر را ما قبول کردیم که بماند برای بعد دیگر این پیشنهاد آقا هم فعلا مورد ندارد و ممکن است حالا مسترد بفرمائید و در موقع رای گرفتن بنیم عشر مجدداً پیش نهاد کنند

یاسانی - بنده مسترد میدارم

رئیس - پیشنهاد شاهزاده را آقای مشارعظم اینطور نوشته اند اگر صحیح است رای بگیریم

(پیشنهاد را کوراً بنظر خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده العاقیه منجبه قانون بودجه شود

زیرا مبلغی از عایدات گرفته شده و مبلغی هم خرج شده و هر قدر از عایدات یا از مخارج کسر شود دولت دچار اشکالات می شود

ولی بنده نمیخواهم این موقع را بگذارم قوت شود بدون اینکه چند ملاحظه مهم در اساس بودجه عرض کنم تا اینکه برای سال آینده در نظر گرفته شود و مقید واقع شود

اینطور که ما عایدات میگیریم و صرف می کنیم به این ترتیب سکار مملکت بجائی

بنده عقیده ندارم این حق نظارت جزء مایهات عمومی بیاورد و بیش نهاد کرده ام که در جزء مایهات خود وزارت معارف و اوقاف قلمداد شود مثل تومانی یک عباسی و خروازی بقران باشد.

باینکه باید قانون را لغو کنید و آن وقت بمسئله نیم عشر رای ندهید

والا اگر بخواهید این قانون عملی شود البته باید وسائل نظارت دولت را در اوقاف فراهم کنید

زیرا یک مملکتی که میخواهد خودش را اداره کند البته وجوه لازم دارد و هیچ مجوزی هم ندارد که از مایهات عمومی صرف امور خیریه بکند و اوقاف یک شبهه ای است از امور خیریه و باید خرجش هم از خودش در یابد و از مایهات عمومی نمیتوان خرج کرد

مدعی العموم هم نمیتواند وظیفه رئیس اوقاف و ناظر اوقاف را انجام دهد و اگر بخواهد باین قانون عملی شود باید مخارج اوقاف را از خودش ببرد و بیاورد و از مایهات عمومی نمیتوان خرج کرد

مایهات عمومی باید خرج تأمینات و انتظامات مملکت بشود

اوقاف یک خرجی است خیریه و باید خرجش از خودش بیرون بیاورد و بنده باید بجای نیم عشر یک عشر گرفته شود و می بایست در آینه این املاک موقوفه که استهلاك کرده اند بتدریج ازید غاصبان منتزع شود و اشخاصی که طرفدار اوقاف هستند باید رای بدهند باین نیم عشر تا اوقاف اداره شود والا اگر چنانچه همین طور باقی بماند چند سال دیگر هیچ موقوفه باقی نمانند

مخبر - در صورتی که خود موضوع نیم عشر را ما قبول کردیم که بماند برای بعد دیگر این پیشنهاد آقا هم فعلا مورد ندارد و ممکن است حالا مسترد بفرمائید و در موقع رای گرفتن بنیم عشر مجدداً پیش نهاد کنند

یاسانی - بنده مسترد میدارم

رئیس - پیشنهاد شاهزاده را آقای مشارعظم اینطور نوشته اند اگر صحیح است رای بگیریم

(پیشنهاد را کوراً بنظر خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده العاقیه منجبه قانون بودجه شود

زیرا مبلغی از عایدات گرفته شده و مبلغی هم خرج شده و هر قدر از عایدات یا از مخارج کسر شود دولت دچار اشکالات می شود

ولی بنده نمیخواهم این موقع را بگذارم قوت شود بدون اینکه چند ملاحظه مهم در اساس بودجه عرض کنم تا اینکه برای سال آینده در نظر گرفته شود و مقید واقع شود

اینطور که ما عایدات میگیریم و صرف می کنیم به این ترتیب سکار مملکت بجائی

بنده عقیده ندارم این حق نظارت جزء مایهات عمومی بیاورد و بیش نهاد کرده ام که در جزء مایهات خود وزارت معارف و اوقاف قلمداد شود مثل تومانی یک عباسی و خروازی بقران باشد.

باینکه باید قانون را لغو کنید و آن وقت بمسئله نیم عشر رای ندهید

والا اگر بخواهید این قانون عملی شود البته باید وسائل نظارت دولت را در اوقاف فراهم کنید

زیرا یک مملکتی که میخواهد خودش را اداره کند البته وجوه لازم دارد و هیچ مجوزی هم ندارد که از مایهات عمومی صرف امور خیریه بکند و اوقاف یک شبهه ای است از امور خیریه و باید خرجش هم از خودش در یابد و از مایهات عمومی نمیتوان خرج کرد

مدعی العموم هم نمیتواند وظیفه رئیس اوقاف و ناظر اوقاف را انجام دهد و اگر بخواهد باین قانون عملی شود باید مخارج اوقاف را از خودش ببرد و بیاورد و از مایهات عمومی نمیتوان خرج کرد

مایهات عمومی باید خرج تأمینات و انتظامات مملکت بشود

اوقاف یک خرجی است خیریه و باید خرجش از خودش بیرون بیاورد و بنده باید بجای نیم عشر یک عشر گرفته شود و می بایست در آینه این املاک موقوفه که استهلاك کرده اند بتدریج ازید غاصبان منتزع شود و اشخاصی که طرفدار اوقاف هستند باید رای بدهند باین نیم عشر تا اوقاف اداره شود والا اگر چنانچه همین طور باقی بماند چند سال دیگر هیچ موقوفه باقی نمانند

مخبر - در صورتی که خود موضوع نیم عشر را ما قبول کردیم که بماند برای بعد دیگر این پیشنهاد آقا هم فعلا مورد ندارد و ممکن است حالا مسترد بفرمائید و در موقع رای گرفتن بنیم عشر مجدداً پیش نهاد کنند

یاسانی - بنده مسترد میدارم

رئیس - پیشنهاد شاهزاده را آقای مشارعظم اینطور نوشته اند اگر صحیح است رای بگیریم

(پیشنهاد را کوراً بنظر خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده العاقیه منجبه قانون بودجه شود

زیرا مبلغی از عایدات گرفته شده و مبلغی هم خرج شده و هر قدر از عایدات یا از مخارج کسر شود دولت دچار اشکالات می شود

ولی بنده نمیخواهم این موقع را بگذارم قوت شود بدون اینکه چند ملاحظه مهم در اساس بودجه عرض کنم تا اینکه برای سال آینده در نظر گرفته شود و مقید واقع شود

اینطور که ما عایدات میگیریم و صرف می کنیم به این ترتیب سکار مملکت بجائی

آیا آن چیزهایی را که در بودجه پیشنهاد شده باید حذف کرد یا اینکه يك مالیات جدیدی وضع کرد؟

مادر این مجلس بدبختانه يك علت بزرگ نظر بنده میرسد که در مذاکرات خودمان داشته ایم و اگر این مسئله جاری بشود فکشل میدانم که بهیچ اصلاحی موفق شویم.

ما سه کار داریم در این مجلس یکی میخواهیم اصلاحات تازه و تاسیسات تازه بکنیم و هر روز هر گله ای که میگوئیم پنجاه هزار تومان چهارم از تومان نیست هزار تومان بکوت تحویل کنیم یعنی خرج را علاوه میکنیم میخواهیم در فلانجا عدلیه باشد ده هزار تومان بصدور دولت حواله میدهم.

میخواهیم در فلانجا خط تلگراف باشد این هم بیست هزار تومان خرج دارد ولی از آنطرف دو کار دیگر هم داریم که متصل پیشنهاد میکنیم که فلان مالیات موجود حذف شود یا فلان مالیات را متفرقه که زده شود و اگر این سه روش را بخواهیم ما بیش بگیریم یعنی مالیاتهای که در خارج داریم و مالیات جدید هم وضع بکنیم و متصل اصلاحات بخواهیم يك قدم اصلاح نیرسیم البته شاهزادگان و بزرگان کینه ممکن است مالیاتهای که امروز گرفته میشود و تعدیل نشده و عادلانه نیست ممکن است بعضی را حذف کنند ولی باید يك مالیات عادلانه تر وجودی جای آن بگذارید.

ممکن است بعضی مخارج که مرتب نمیشود یا ترتیب بهتری آن مخارج شود ولی برای معارف که قدم بزرگ است برای مملکت با همین چیزی که ایشان آوردند مثلا در مریضخانه ها ما نمیتوانیم منتقل بکنیم و فوراً مریض ها را توی کوچه بگذاریم این چیزهایی که هست گمان نمی کنم بشود فوراً آنها را حذف کرد آهم باین زودی بنابر این البته لازم است ما منابع جدیدی پیدا کنیم و بنده گمان میکنم باید خود را حاضر کند منابع عایدات جدیدی که با پیشنهاد میشود يك قلم بنظر به به او نگاه نکنند اگر اصلاح میخواهد در آن بکنند بکنند.

ولی بکلی نباید آن را منظور نظر قرار ندهد در مملکت ما بهترین است که برای هر مالیات جدیدی يك محل خرجی درست بکنیم اگر چه این ترتیب برخلاف ترتیب سایر ممالک متدنه است ولی در این مملکت اگر بدون این که محل خرج معین کنیم عایدات را زیاد بکنیم اگر ده میلیون بیست میلیون هم باشد این ادارات دهان خودشان را باز کرده اند

و فوراً صرف آنها می شود. يك نکته دیگر راجع به مسائل اصلاحی است که آقایان هر کدام يك چیزی را واجب تر میدانند و اظهار میکنند.

بنده میخواهم عرض کنم این مطالب باهم جمع نمیشود برای اینکه يك روز مادر ضمن نطق مان میگوئیم عدلیه مهمترین چیزها است و مهمترین در زبان فارسی و سایر زبانها يك چیز است و همه چیز میشود مهمترین باشد.

مثلا بگی میگوئید عدلیه مهمترین چیزهاست همه میگویند صحیح است فردا هم بگی دیگر میگوئید معارف مهمترین چیزهاست باز همه میگویند صحیح است هم چنین خط تلگراف و غیره وقتی که همه صحیح شد آنوقت باید يك عایدی داشته باشیم که همه این کارها را بکنیم.

اگر بخواهیم بیست میلیون مالیات جدید درست کنیم که این مملکت با این فقر و فاقه تاب نیاورد.

اگر راه آهن می خواهیم بکشیم چندین کرور خرج دارد مقدرات این مملکت دست این مجلس است.

باید سعی کنیم بهیچ مملکتی که کم است اگر کسی وقتی از عدلیه صحبت کند که مهم است بنده عرض نمیکنم مهم نیست.

البته مهم است و هیچکس نمیتواند جرئت داشته باشد که جسارت کند و بگوید مهم نیست.

ولی اگر در بهای معارف بگذارید مهم نیست چرا برای اینکه ممکن است مثلا در چهارم چهارم سال دیگر هم میرزا علیقلی خان رئیس عدلیه آنجا آقا شیخ اسدالله حاکم شرع قدیم بعمل مداومت دهد و هیچ دنیاهم خراب نمیشود.

مدرس - مردم نیاسند آسوده باشند.

تقی زاده - این مملکت صد سال دیوانه خازه نداشت و حکام شرع عمل میکردند بعد گفتند عدلیه باید قانونی و مرتب شود.

البته لازم هم هست در قانون اساسی هم گفتند ولی این را باید از مرکز بگیرند ولی عقیده بنده این است که معارف باید زودتر جلورود برای اینکه عدلیه و ساختن راه و کشیدن تلگراف لازم است داشتن اشخاص با سواد است و برای اینکه تلگراف کشنده خوب داشته باشیم و مجلس دو گیل خوب داشته باشیم باید مردم سواد داشته باشند.

اماره بخشیده مقصود آقایان حاضرین در این کلمه که می خواهم عرض کنم نیست بنده هر وقت پیش خود تصور میکنم خیال میکنم که عموم مردم مملکت صمیمی نیستند در اینکه میگویند معارف لازم است

برای اینکه اگر راست باشد همه همراهی داشته باشند باید يك قدری هم نتیجه ظاهری داشته باشد مثلا بعضی چیزها را همه لازم میدانند تشبیه میکنم با مورد شرعی مثلا نماز را که میخوانند.

مثلا زکوة که همه آنرا صحیح میدانند و عملاً منسوخ است اما در شرع مقامی دارد که هیچکس نمیگوید صحیح نیست اما هیچکس زکوة نمیدهد معارف هم همینطور است يك اسمی در این مملکت داده که از هر کس میبیرسی میگویند لازم است اما کجا است که لازم است.

این مجلس که نشسته و بیست و سه میلیون برای خرج مملکت تصویب میکند آنوقت صد هفتاد هزار تومان از چهل و شش کرور برای معارف تمام مملکت میدهد پس کدام اهمیت را معارف دارد؟

بالاخره مقصود بنده چنانچه کردم مخالفت با بودجه حالیه نیست و حتی الامکان هم نمیخواهم آن چیزی که برخلاف عقیده اساسی من است و آن عبارت از منقطع خارج از دستور است اجرا کنم.

لذا این موقر را منتقم شردم که در موقعی که بعد الله بودجه گذشته است در این باب دو کلمه حرف میزنم و عقیده بنده این است که مجلس يك قطعنامه اخذ کند و اگر هم در همین امروز این رای را نپذیرد منتقم شونده که انشاء الله برای سال آینده بودجه معارف زیاد تر باشد و بیشتر برای معارف و اقتصادیات و صحبه بول خرج شود.

در این مملکت ما گرفتار يك اشکالاتی شده ایم و آن این است که از اول حمل که صحبت می کنیم که مدارس در آذربایجان یا در شیراز باید درست کنیم جواب می گویند بودجه امسال گذشته در برنج تورم میگویند بودجه امسال گذشته

ما باید منتظر باشیم در تمام سال یکی دو هفته که بودجه سال آتی نوشته میشود پیدا کنیم بلکه در آن موقع کاری بکنیم که نگویند باشد برای سال آتی و بنده مدتی است منتظرم که بودجه هلهاله کی تمام میشود و بودجه سال آینده کی نوشته می شود که بیش از نوشتن دست و دامن دولت را بگیریم و خواهش کنیم که این سه مطلب اساسی را که سعادت مملکت روی آن است و ترقی و حاصل خیزی مملکت مبنی بر او است ملاحظه کنند و بنابراین اگر عایدات جدیدی هم احداث کنند ما با کمال میل تصویب کنیم بشرط اینکه در ذیل آن قانون مالیات دو چیز را بنویسند اولاً بنویسند این برای معارف ایالات و ولایات است و ثانیاً بنویسند مخارج اداری (با اصلاح طهران) نخواهد شد و در این باب از مذاکراتی که شده است بنده امیدواری دارم که دولت و وزارت مالیه هیچ مخالفتی

نداشته باشد.

اگر مجلس حاضر شود که عایدات جدید را بدون مخالفت تصویب کنند و اگر اصلاح لازم دارد بکنند برای این کار وزارت مالیه و دولت با کمال میل حاضر خواهند بود که آن را با پیشنهاد کند و اگر البته مجلس این رویه را نپذیرد انظار کند که آنچه وزیر مالیه به مجلس پیشنهاد میکند یا بودجه باشد یا مخارج باشد یا عایدات جدید رد کند و چون البته بعضی چیزها در بعضی وزارت خانه ها غیر مرتب است.

مثلاً اگر امین مالیه کرمان فلان مالیات را درست نگرفته است مجلس نباید نسبت به وزارت مالیه بکوبه خصومت آمیزی پیش بگیرد اینها را بجائی نبرساند باید کمک کنیم که عایدات جدید مان زیاد شود و برای او محل هائی درست کنیم.

بنده پیش از این عرضی ندارم و امیدوارم آقایان متفق شوند که بودجه سال آینده را قبول نکنند یعنی بیش از وقت اعلان کنند رای خود را که بودجه را قبول نخواهند کرد مگر اینکه برای معارف اتلا دو میلیون تخصیص بدهند و هم چنین برای راهها و امور صحبه.

(جمعی از نمایندگان گفتند مذاکرات کافی است)

رئیس - اجازه میدهم رای را بعد از تنفس بگیریم.

بعضی از نمایندگان رای بگیرند

وقت گذشته است.

رئیس - بسیار خوب رای گرفته میشود بقانون بودجه که مشتمل بر چهارده ماده است.

یاساسی - يك ماده الحاقیه هم اضافه شده بود پیشنهاد بنده و آقای تدین بود که بصورت ماده الحاقیه در آمد بنده گمان میکنم باز در ماده میشود.

رئیس - بلی ماده الحاقیه در آورده است و قانون مشتمل بر شانزده ماده میشود.

آقایانیکه تصویب میکنند در وقت قبول و الا ورقه کبود خواهند داد

(در این وقت اخذ و استخراج آراء بعمل آمده نتیجه بقرار ذیل حاصل شد)

قبول علامت در ۴

رئیس - همه حضار حاضرند و در این وقت و وقت رای تصویب شد.

اسامی موافقین - آقایان دیوان بیگی میرزا آقاخان عصر انقلاب - کی استوان آقا شیخ هادی شیخ رئیس سهام السلطان میرزا یحیی خان - یاساسی - آقا میرزا شهاب الدین - سردار منصور - صدق السلطنه - سیف الله خان اسکندری - صدر الاسلام - حسین الملک ناصر الاسلام - سلیمان میرزا - مقوم الملک - اشگر - اعتبار الدوله - سردار ناخر - وکیل الملک - تقی زاده - شاهزاده محمد

هاشم میرزا - علایی - میرزا سلیم خان ایزدی افشار - نصرت الدوله - اقبال المالک - معظم السلطان - نظم الملک - سردار مقصود - شاه - الملک - امین الشریعه - قائم مقام - سر کشیک زاده - مشارعظم - آقا سعید یعقوب - امیر احتشام سردار نصرت - آقا میرزا احمد بهبهانی - سالار لشکر - ضیاء الوهاظین - سردار معتمد - سیدار اعظم - شیخ الاسلام ملایری - ضیاء - الاطیبا - حاج سعیدالمحققین - امیراعلم هرمزی - صدیق السلطنه - شاهزاده غلامحسین میرزا - حاج میرزا علی رضا - عماد السلطنه - آقا شیخ محمدعلی طهرانی - صدرا ثانی - امیر اشرف - محمدولی میرزا - حاج میرزا یحیی دولت آبادی - اسامی مخالفین - آقایان - حائری زاده - ملک الشعراء - زعیم.

رئیس - اجازه میفرمایید جلسه ختم شود.

بعضی از نمایندگان - صحیح است.

بنده پیش از این عرضی ندارم و امیدوارم آقایان متفق شوند که بودجه سال آینده را قبول نکنند یعنی بیش از وقت اعلان کنند رای خود را که بودجه را قبول نخواهند کرد مگر اینکه برای معارف اتلا دو میلیون تخصیص بدهند و هم چنین برای راهها و امور صحبه.

(جمعی از نمایندگان گفتند مذاکرات کافی است)

رئیس - اجازه میدهم رای را بعد از تنفس بگیریم.

بعضی از نمایندگان رای بگیرند

وقت گذشته است.

رئیس - بسیار خوب رای گرفته میشود بقانون بودجه که مشتمل بر چهارده ماده است.

یاساسی - يك ماده الحاقیه هم اضافه شده بود پیشنهاد بنده و آقای تدین بود که بصورت ماده الحاقیه در آمد بنده گمان میکنم باز در ماده میشود.

رئیس - بلی ماده الحاقیه در آورده است و قانون مشتمل بر شانزده ماده میشود.

آقایانیکه تصویب میکنند در وقت قبول و الا ورقه کبود خواهند داد

(در این وقت اخذ و استخراج آراء بعمل آمده نتیجه بقرار ذیل حاصل شد)

قبول علامت در ۴

رئیس - همه حضار حاضرند و در این وقت و وقت رای تصویب شد.

اسامی موافقین - آقایان دیوان بیگی میرزا آقاخان عصر انقلاب - کی استوان آقا شیخ هادی شیخ رئیس سهام السلطان میرزا یحیی خان - یاساسی - آقا میرزا شهاب الدین - سردار منصور - صدق السلطنه - سیف الله خان اسکندری - صدر الاسلام - حسین الملک ناصر الاسلام - سلیمان میرزا - مقوم الملک - اشگر - اعتبار الدوله - سردار ناخر - وکیل الملک - تقی زاده - شاهزاده محمد

توجهات خاصه آقایان نمایندگان معترم است بوشیعت اسف انگیزی که اخیراً در حدود قایمات و بیرون جبهه در داده است.

البته همه آقایان مسبوق شده اند از این قضیه تا آنکه بنده پیشانی هائی که برای اهالی وسکنه آن حدود روی داده است بر طبق تلگرافاتی که بوسیله بنده تقدیم مجلس شده و تلگرافات خصوصی که بنده بنده رسیده است مختصراً عرض می کنم که شهر قانز دچار سیل شدیدی شده و در اثر سیل زدی قریب شصدهزار خانه بکلی منهدم شده و از این رفته است و در بر چند در اثر چهار شبانه روز بارندگی متصل و آمدن سیل قریب سیصد باب دکان و منزل بکلی منهدم شده است.

و در اثر همین سیل های مهیب قنوت زیادی بکلی منهدم و خراب شده و بر طبق اطلاعات اخیر که رسماً از طرف شبیه شبر و خورشید فراسان رسیده است و از دیدنی که شده قریب ده هزار نفر از سکنه بیرجند و قایمات بکلی بی خانمان شده اند و در این موقع زمستان معلوم نیست چاره بدبختی هستند؟ بنده میخواستم جلب توجهات خاصه و احساسات نوع پرورانه آقایان نمایندگان را بشایم که اصولاً در این باب يك فکری بکنند (بعضی از نمایندگان صحبه است) ولی قبل از آنکه از طرف مجلس يك فکر اساسی در این خصوص شود و میخواستیم تقاضا کنیم در صورتیکه آقایان تصویب فرمایند از طرف مجلس شرحی بدوالت نوشته شود و تقاضا شود که دولت سریعاً در این باب اقداماتی فرمایند.

علاوه بر اطلاعاتی که اخیراً از آقایان رسیده معلوم می شود که در حدود یزد هم همین صدمات و سختیها سکنه آن حدود وارد آمده است (بعضی از نمایندگان صحیح است) این است که بنده علاوه می کنم نسبت به یزد هم تذکری بدوالت داده شود که در اسرع اوقات نسبت به مجموع این نقاط اقدام عاجلی بنمایند که شاید در این موقع زمستان وسعتی وسائل راحتی هر چه زودتر از برای این بدبختیها فراهم شود.

(جمعی از نمایندگان صحیح است)

دست غیب - شیراز هم همینطور است.

رئیس - آقای آسید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده مفصل عرض نمیکنم لیکن خیلی تحسین می کنم از آقای تدین که این تذکر را دادند بنده هم برای اطلاع خاطر آقایان اضافه میکنم بفرمایشات ایشان که کازرون سابقاً يك شهری بود و در اثر مشروطیت نصابه شد و در این ایام دزد شده است.

هزار و پانصد نفر از بچه های کازرون در اثر مرض آبله و نبودن مایه آبله از بین رفته اند و هی در مجلس مذاکره می شود

که چه چیزهاست در مملکت بنده میگویم اهم از همه چیز صحبه است تا صحبه نباشد معارف - نظام - عدلیه - هیچ چیز در مملکت نیست - خوب است در این باب يك فکری فرمایند که هزار و پانصد نفر بچه بواسطه نبودن مایه آبله از بین رفته اند خواهستم مجلس مقدس را مطلع کنم شاید يك انگشتری پیدا کند که وزرا در این خیال بیفتند.

ويك فکری برای آنجا بکنند - همین بود عرض بنده.

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - در ضمن لایحه بودجه پیشنهادی از طرف اکثر نمایندگان راجع به پنجاه هزار تومانی که پیش بینی شده بود از برای يك مصارفی از شهریه ها کسر شود تقدیم مجلس شد.

بنده تمنی می کنم - قبل از ورود دستور گذارده شود که رجوع بشب شده و در جریان بیفتند تا انشاء الله برای اول حمل اقلاً حاضر شده باشد طبع و توضیح هم شده است.

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده خواستم راجع بقانون البسه وطنی باز مجلس تذکر بدهم.

بنده چندین فقره سؤال از دولت کردم راجع به همین قضیه ایشان هم يك جوابهائی دادند.

خوبند هم نظر به علاقه مفرطی که باین قانون داشتم و نظر باینکه می بینم اثرات فوق العاده در امر اقتصادیات مملکت دارد غالباً بوزارتخانه های روم و سپینمیدران لباس وطنی نمی پوشند.

در صورتیکه مدیریوشد يك فقرات بیچاره ممکن است بگوئیم مقدورش نشده است که بیوشد با اصلاح آن هم نمیشود چنانچه همه آقایان میدانند مکرر در اینجا گفته شد که اگر جریبه اخذ شده صورت آن را بدهند در صورتیکه نگرفتند و این قانون بطور بی اعتنائی تلقی شده است از طرف دیگر تجار باطینان این قانون پارچه هائی تهیه نموده بسیار ولایات هم فرستاده اند و از ولایات مرجوع میدارند و بنویسند که ابتدا از این قانون اسمی در اینجا نیست و مستخدمین دولت هیچ متاع نیستند با استعمال البسه خودشان و علاوه البسه خارجی هم ارزانتر شده است.

حالا در اثر این قانون است یا چیز دیگر نمیدانم مثلا پارچه که در سابق ذریع شش تومان بوده حالا ذریع دو تومان شده است.

غرض تاین اندازه ترحم با اقتصادیات نمیشود - این است که بنده از آقایان

نمایندگان استدهامی کنم که در این خصوص بقدر اهتمامی فرموده و بکاره عملی جهت اجرای این قانون پیدا کنند و تا کیدی بفرمایند که از رختخانه ها از این البسه بکیزه و شفاف اروپا دست بردارند و پارچه های خشن وطن خودشان را بپوشند و الا گمان نمیکند این قانون با ترتیب عملی شود.

بعضی از نمایندگان - وارد دستور شویم.

رئیس - آقای تقی زاده از وزارت داخله سئوالی داشتند - حاضر نیستند.

رئیس - لایحه هوارض ورودی بدلی مطرح است.

آقای مدرس (اجازه)

مدرس - البته آقایان این لایحه هوارض ورودی بدلی را مطالعه فرموده اند من مخالف با هوارض بدلی رفیر بدلی که مر از ذاق عمومی تحمیل شود (بعضی از نمایندگان صحیح است)

این دو همی من است اصل مالیات یعنی گرفتن وجهی از عموم جهت مصارف عموم این معنی مالیات است البته مملکت يك مخارج دارد و هر کس مدیر مملکت است و اداره کننده مملکت است و مدیر جمعیت به هر اسمی و رسمی چه سادی باشد چه رضی باید از عموم يك وجوهاتی بگیرد و بصرف لازمه همان عموم برساند البته مملکت يك مخارجی دارد شهر هم يك مخارجی دارد - حالا داخل در فلسفه مالیات و مخارج مملکتی نمیشود که باید از کیها چه اشخاص گرفته شود - آن قسمت باشد انشاء الله الرحمن در قانون میبزی مصلحه عرض میکنم فقط آنچه متعلق باین لایحه است مخارج شهر است که باید مخارج لازمه شهر از سکا گرفته شود؟

یقیناً باید از خود اهل شهر گرفته شود. برای خرج اینها میشود يك تحمیلی بر اهالی آذربایجان کرد - اگر بخواهند شتق طهران را تعمیر کنند من بدهم اگر مدیر باشم مخارج خندق شهر طهران را از شهر طهران میگیرم (فلسفه میخواهم بگویم) نظبه طهران باید مخارجش را از اهل طهران گرفته شود چون این مخارج مملکتی نیست. مخارج شهری است.

حالا کلام در این است که بطور باید گرفته شود - يك دفعه این طور است که می آیند و از هر سری يك چیزی میگیرند و میگویند هر کس که توی کوچه ها راه میرود یا توی خیابانها یا توی این شهر باید سالی يك قران یا تومانی بدهد يك قسمت دیگر این طور است که (بقیه تمدن این قسم خیلی خوب است) از اراضی میگیرند.

این عقیده شده من است که مخارج شهر را از اراضی شهر باید گرفت خصوص از این خاکمی که مادر آن استفاده ایم که

خاکری است و مفتوح العنواست و زمینیست مال تمام مسلمین است (بعضی از نمایندگان صحیح است) هر وقت بنا شد من پیش نهاد کنم که مخارج شهر طهران را از کجا باید گرفت این مخارج را تحویل برادرانی میکنم. اگر یک خانه من در طهران دارم که هزار ذرع است در سال برای هر ذری صد دینار سه شاهی پنجشاهی بدهم از روی عدل و انصاف است فلسفه هم دارد.

(گفتند صحیح است) حالا آقایان به کارایای امروند البته میدانند از این فلسفه هم میگویند حالا اگر نه بر سر میخواستند تحویل کینده باراضی بسیار خوب. بمایهات هم تحویل نمیکند بسیار خوب بمخارج میخواستند تحویل کیند چون این چیزهاییکه نوی این لایحه نوشته است تمام یعنی قسمت اعظمش تحویل بر مخارج است یعنی من که سالی یک خروار آرد میخورم باید یک تومان بدهم باسالی دو خروار ذقال خرج میکنم باید یک تومان بدهم این هوایدی که نوی این لایحه نوشته اند تمام تحویل بر مخارج است. یعنی در مقابل آن فلسفه که آقای اصفهانی گفتند مالیات باید بر هوایدی باشد این بر مخارج است. حالا از همه اینها هم بگذریم از سرانه و اراضی و مالیات بر عایدات هم که تنزل بکنیم و بخواهیم بر مخارج تحویل کنیم. میگویم یک خرجی داریم و یک رجبی و بقیه من باید بر برج تحویل شود نه بر شرح بر قلم تراش کار را جز باید تحویل کرد نه بر چاقوی من که از شاخ بز است و صد دینار قیمتش است.

فقط بقیه من در این لایحه دو قلم است که بر برج تحویل شده یکی خربوزه و به اصفهان و گلایه نظدن دیگری قماش و جای و خرازی و بلور آلات آنوقت اینها را هم نوشته اند.

باری پنجقران و یک تومان در مقابل اینها گندم را نوشته اند باری دوقران عدس را باری چقدر و لوبیا را چقدر نخود را چقدر چقدر چقدر اینها صد تادوست نامفتش می خواهد آدم میخواهد که جمع آوری و نفتش را بکنند من بقیه ام این است که این تحویلات را نباید برادران عمومی کرد خوب است یک عرضی از قضیه کار خود خدمت آقایان بکنم در وقت قبل که برف آمد در روز سردی بود یک شخص از اهل کوهستان بره میآورده است شهر بفرود شخصی باو گفته است این بردها که حالا میبری دم دروازه پول از تو میخواهند و اسباب زحمت میشوند گفته بود من نمیدانم پول ندارم گفته بود بگو میبرم برای مدرس (خنده نمایندگان)

این شخص هم که دم دروازه رسیده بود جلویش را میگیرند که بره را کجا میبری باید برده قصابخانه تا معاینه

نمایند. این مرد قصابخانه را هم غسال خانه خیال کرده بود گفته بود این بردها دادند تعارف ببرم. گفته بودند برای کی گفته بود برای مدرس. گفته بودند بسیار خوب بر در برادر ولی این بالا بوشت را اینجا بگذار و یک نوشته ای از مدرس بیاورد که این بره مال من است. این بیچاره بنده خدا که بره برای من بیاورده بودا گرفتار شده بوده آمده بود درب خانه من را سراغ گرفته بود. منم در منزل نبودم غروب آمدم دیدم یک دهاتی تر شده در منزل نشسته است و به من گفت که قضیه ما این طور شده است. منم یک چیزی برای مأمور دروازه نوشتم بابا تو هر کسی هستی بیا بشخص را بده همین نوشته من را داشته باش و بعد بن ارائه بده هر چه میخواهی من خودم میدهم. دوقران پول هم احتیاطا گفتم به او دادند که اگر باین نوشته قناعت نکردند پول بدهد چون نمی دانستم اینجا یک قران نوشته اند. گفتم این نوشته را ببر بده بمأمور حالا بره را چکار کرده گفت می خواهم بگیرم بفرستم. خلاصه رفت حالا ببینید از این قبیل قضایا هر روز چقدر برای مردم اتفاق می افتد. اهل مملکت هم تصدیق میفرمایند عالم نیستند. مثلا قصابخانه را غسالی قهید. غسالخانه را هم نمیداند یعنی چه. پس فرض عرض من اینست که البته باید مخارج شهر را داد باید هم تحویل بر عموم کرد. اما باید حسابش را کرد که چه تحویلی بر مردم زحمتش کمتر است و در عین حال برای آنها زیاده ندارد. مثلا بر بلور آلات خیلی خوب است یک تحویلی بشود چون بلور یک بر جی است و زحمتش هم بر عموم نیست. یک واردات تجارتی است صندوقست و مکتبست از هر صندوقی فلان قدر بگیرند نه اینکه بر ماش و گاودانه و نخود و لوبیا و عدس و سنگک و گندم و جو و سایر ازران عمومی که زحمتش بر افراد است و چقدر هم خرج اداره و مأمور و مفتش و غیره می خواهد. بنابراین عقیده من اینست که اگر بر دو سه قلم از اینها تحویل کنید بهتر است.

منتهی باری پنجقران را یک تومان کنید یک تومان را دو تومان کنید آنهم بر برج که هم برای اقتصادیات نافع است هم زحمتش بر عموم نیست. بر اجناس خرازی و بلور آلات و از چیزهایی که اگر بگذردی برش تحویل شود بر احتیاط انداشته باشد که مالیات بیندید و از ازران عمومی بردارید. خیال نکنید بگذران کم است خیرا اگر بگذران دوقرانی که بر گندم و جو و ماش و لوبیا و غیره تحویل شده حساب کنید من گمان اینست که خیلی تحویل زیادی است عوض این تحویل خوردنها تحویل درشت بکنید ضرر هم کمتر است انضیباتش هم بهتر است زود هم بشود گرفت. از بگذران گندم صرف نظر کنید و بلور یا خرازی آلات اضافه کنید. مثلا یکی از چیزهایی که بنده بکلی مخالف هست اسباب ولوازم نباتی است از قبیل خاک و آجر و آهک و گچ که از او هم می گیرند. بناای یکی از لوازم ضروری زندگانی اجتماعی است. باید مصالحش را مهالکن ارزان کرد که اگر خانه یک بیچاره خراب شد از عهد تعمیرش بر آید. حالا غیر از مالیاتی که از کوره بز و از پوشن و غیره میگیرند دم دروازه هم می گیرند و یک تحویل فوق العاده ای است و باید سعی کرد که این تحویلات را رفع کرد فقط دو قلم است که بقیه من اگر بر آنها تحویل کند ضرری ندارد. خرازی و بلور آلات بر اینها تحویل کنید آنهم جهت مخارج بلدی و مصارف شهر نه برای خوردن اجزای بلدی برای دارالایام - تنظیفات شهر دار الساکین و غیره.

اگر از جای باری دو تومان بگیرد و از پنج بگیرد از ماش و نخود و لوبیا بگیرد چه عیبی دارد؟ دوتا یکقران را بردارید و روی جای بیندازید. جای که جزو ازران عمومی نیست اگر ما سه مان جای خوریم یک قدری گرانگش می کنیم هیچ ضرری هم ندارد. نه برای دنیا - نه برای آخرت. اما از زنان و گوشت نمی شود گرفت. و بنده یک عیب اساسی هم در این کلام بینم و آن اینست که ما کلیتاً اینطور مرفی می شویم که هیچ صلاح و فساد را تشخیص نمی دهیم. بر ازران عمومی نباید تحویل کرد خصوص برای اهل تهران من یک شخصی هستم که اگر جاهای ایران را دیده ام و به عقیده من اهل تهران فقیر ترین مردم ایرانند. (بعضی از نمایندگان - صحیح است)

هر کس از روحیات مردم اطلاع داشته باشد و از حال خانه و دکان این شهر خبر داشته باشد و ببیند پیشش اظهار حاجت بنشیند می دانند که اهل تهران از تمام جاهای ایران فقیرترند نه کسب دارند و نه راه عایدی دارند و همین اختلافاتی هم که ما شب و روز داریم مزید بر فقر آنها شده است. پس باید ازران این ها را توسعه داد و لافل نگذاشت به ازران عمومی تحویل شود. نگوئید بگذران چیزی نیست. خیر یک قران خیلی است حتی بقیه بنده سه شاهی هم خیلی است. دلیل هم دارم در دوره چهارم که ما در کمیسیون بودیم خلی از آقایان - هم تشریف داشتند. آمدیم شهری هائی که می خواستیم تغییر بدهیم خوردن پیدا می کرد رای دادیم که خوردن ما را بزنند. مثلا پنجقران سه شاهی یا سه قران و ده شاهی خوردن اش را بزنند. هفته بدش چند فقر آمدند منزل بنده گفتند که این رقمه حقوق ما را کم کرده اند زن ها - فقرا - از این قبیل اشخاص بودند. گفتیم چطور کسر کردند؟ گفتند بلی از حقوق ما هفتصد دینار کسر شده است. این مبلغ را که ما در کمیسیون اهمیت نمی دادیم این بیچاره ها آنقدر اهمیت میدادند حق هم داشتند. پس بگذران برای اینها خیلی پول است. صد دینار هم خیلی است برای یک فقیر. آنوقت ببینید چقدر از این صد دینارها یک قرانها جمع شود تا خرج میدان نویی خانه بشود و یک ذره هم کل جمع شود سابقاً زمین شل بود آنها فرو میرفت ولی حالا که سفت کرده اند یک ذره گل جمع میشود. (خنده نمایندگان) پس چقدر بگذران می خواهد تا در این میدان به این بزرگی یک ذره گل جمع شود. در چهارده یا نوزده سال پیش از این وقتی باران می آمد آنها فرو میرفت و فردایش میشد صبور کرد. اما ببینید چقدر بگذران خرج شده و باین محکمی شده است تا حالا یک ذره گل نوی این میدان می ایستد. پس از ازران عمومی خصوص از اهل تهران که خیلی بریشان بنده مناسبی دانم چیزی گرفته شود و بهتر این است بر جای تحویل کنید. بر خرازی بر بلور پر نمائش خارجه و

فقیر تحویل کنید. جای یک من پنج تومان است پنج تومان و نیم شش تومان باشد - هفت تومان باشد ضرری ندارد و گمان اینست مقتضای عدل و انصاف هم باشد. **داور** (مخیر کمیسیون) - گمان می کنم اساساً کار مخیر مخصوصاً مخیر کمیسیون قوانین سالی آنهم بعد از بیانات یک نفر ناطق زبردستی مثل آقای مدرس خیلی مشکل باشد بخصوص در مملکت ما که روی هم رفته میل مالیات دادن یکی از آن میل هائی است که باید خیلی در احسان قلوب مردم کشت ناشاید یک تکه اش را پیدا کرد. اساساً روح عمومی متمایل باینست که نباید چیزی داد. مالیاتی بشود یا بچسب پیشنهاد بشود کسانی که نمیخواهند با آن موافقت نمایند باید بیه این را بپن خودشان بلدند که یک عده از مردم فوراً بگویند عجب مردم بدی هستند هیچ خیر خواه نیستند. خیر خواه کسانی هستند که می آیند و از فقر و بدبختی مردم صحبت می کنند و شرح می دهند و طرفداری از فقر می کنند. همه هم شاید زود بمرفته این عقیده را داشته باشند که مالیات ندهند. خلاصه همانطور که آقای مدرس فرمودند غالب مردم در ایران و همینطور در تهران فقیرند و البته مردم فقیر هم نمی خواهند چیزی بدهند اغیار هم روی هر مرتبه چندان میل ندارند بدهند. وقتی هم که صحبت مالیات می شود اغیار از خودشان صحبت نمیکنند فقط یاد آوری می کنند که مردم فقیرند و فقر مردم را در نظر مجسم میکنند بالاخره باتکاء اشخاص فقیر خودشان را هم از دادن مالیات معاف میکنند. نظیرش را هم در مواقع دیگر در مالیات هائی که ابتدا تحویل بر فقرا نمی شد دیدیم که فوراً صدای اغیار بلند شد. مثلا همین مالیات اراضی را که آقای مدرس میفرمایند اگر یک وقت اتفاق افتاد که بعنوان مالیات مستللات صاحبان آنها وجهی بدهند. مثل اینکه همچو لایحه ای بر کمیسیون آمده آنوقت هم همین صحبتها می شود حالا پیش بینی نمی کنم ولی قطع دارم آن روز هم یک ناطق زبردستی می آید اینجا و فقر و فلاکت و بدبختی مردم را میگوید بسمی که آدم متأثر میشود. مثل اینکه الان بنده از بیانات آقای مدرس متأثر هستم و فکر میکنم که منظور خودم را از تحت این تأثیر خارج کنم. لکن بعد از همه این مسائل بر میگردم

باصل قضیه که عبارت باشد از عوارض و رودی بلدی. چند سال است که این عوارض گرفته می شود. ما هم می گفتیم این عوارض باید قانونی باشد این ترتیب که نیشود که بلدی به هر چه دلش میخواهد بگیرد و باید از روی یک قانونی باشد تا حالا قانونش به مجلس آمده است. ما مکرر در مجلس دیده ایم و هر کدام خودمان از این کارها کرده ایم که وقتی یک کاری را نمیخواهیم پیش برویم می گوئیم اساساً موافق هستیم اما ولی یک امائی هم دارد. (اما) در ایران از آن چیزهایی است که وقتی در یک کاری - در یک مطلبی - اما آمد یقین داشته باشید که آن کار از این وقت است. دو قلم را نماینده - محترم فرمودند قبول دارم. بنده نگاه میکنم یکی قماش و بلود آلات و قالی و خرازی است یکی هم خربوزه و به اصفهان و گلایه نظدن. **داور** - بلی - بنزین و جای هم هست سه قلم. آنوقت یکی از آقایان محترم می فرمایند که خوب خربوزه اصفهان را مردم که زحمت میکنند و می آورند بطهران که یک فایده ببرد گلایه نظدن را هم یکی دیگر از آقایان میفرمایند که با هزار زحمت یک بار گلایه از نظدن می آورد برای تهران یک مقدار هم در راه بیخ می زند و یک مقدار برایش می ماند و بطهران می رساند. این را هم شما میخواهید از او مالیات بگیرد. هیچکس را هم جلوی چشم ما مجسم می کند یک آدم فقیر و پیرشانی بالیا باره که واقعا آدم متأثر میشود. **شیروانی** - همینطور هم هست. **داور** - بسیار خوب راجع بجای و خرازی و غیره هم وقتی نگاه کنیم می بینیم در سال عایدش آنقدر نیست که کفایت معارج بلدی را بکند یعنی آنها را قلم بگیریم این دوسه قلم هم کفایت نمیکند پس بر چه تحویل کنیم؟ میفرمایند یک تومان بلور را هم دو تومان کنید بسیار خوب اینها را هم که جمع کنیم مثلا عایدی می دهیم چهار هزار هفتصد و پنجاه و شش تومان. آقایان با این مبلغ بلدی درست میشود؟ **مدرس** - خیر دو سه هزار تومان میشود. **داور** - خوب بالاخره این از جدیت خارج می شود که ما بگوئیم از یکبار جای

چهار صد تومان عوارض بگیرند. بالاخره بنده بر می گردم باصل قضیه و از جای دیگر شروع میکنم. قناب فقرا که آقایان مثال میزنند واسطه اند. آنکسی که بره را آورده است درب خانه آقای مدرس و یک هیکل فقیر و مفلوکی در نظر ما مجسم میشود خودش بره را نمی خورد بره را کسانیکه بپزد دارند میخورند. پس این شخص فقیر واسطه است آن کسانیکه گلایه نظدن را می آورند خودشان نمی خورند اشخاص پول دار میخورند و آن ها واسطه هستند. پس باید آن پول درها بدهند حالا کار ندارم آن کسانیکه گلایه نظدن یا خربوزه اصفهان میخورند حتماً دارائی دارند یا ندارند و قرض و قوه می کنند بهر شکلی است میخواهند سر سفره شان گلایه باشد. پس همانها باید بدهند چون استطاعت خوردنش را دارند. باید آن مبلغی هم که روی گلایه کشیده شده بدهند اینجا واسطه را نباید آورد جلو و وقت گلایه را از دادن مالیات رودی باید معاف کرد و بالاخره مثالی زدند و فرمودند از برج باید گرفت معلوم شد که برج یک چیزهای تجلی است. مثلا فرمودند از جای باید مالیات گرفت جای بیشتر طرف احتیاج مردم است همان جمله که بره را آورده است از برنج میتواند صرف نظر بکند صرف نظر هم می کنند. ولی اگر در سرمای سخت زمستان جای نخورد باو خیلی سخت می گذرد. حالا اگر آقایان عادت بجای ندارند و اهمیت هم نمی دهند تصور میفرمایند جای از نقطه نظر احتیاج قابل ملاحظه نیست و طرف احتیاج مردم نیست این مسئله فقیر از این است که مردم عادت بآن کرده اند مردم معتادند بجای و بیشتر طرف احتیاج مردم خورده یا است تا برنج که اصلا دسترس بآن ندارند چون پول ندارند. ولی جای طرف احتیاج شان است بروید درب قهوه خانها و ببینید که همین مردم فقیر چقدر خرج جای میکنند. پس از غالب این صحبت ها را وقتی که درش دقت کنیم یک قسمتش از برای تولیدی احساسات است از برای زمین حاضری کردن برای آن رأی آخری یعنی رأی منفی. این قضیه را هم کنار میگذارم. بر میگردد باصل قضیه. اگر در این دوسه قلمی که آقای فرمودند

مثلا میفرمایند از جای مالیات باید گرفت بسیار خوب میرویم راجع به بلور آلات دقت کنیم. می بینم آنجا هم خیلی چیزها هست که طرف احتیاج واقعی مردم است استکان است نعلبکی است - لوله است - چراغ است. وقتی که دقت کنیم می بینم فقیر ترین مردم هم این احتیاجات را دارند. و بالاخره هر قدر هم که این مالیات ها دلانه باشد و بقول آقایان تومان کنیم معذمانی توانیم بگوئیم چهار صد تومان بده برای یکبار یادوار بلی آلات. این عادلانه است نه عاقلانه. پس وقتیکه کاملا پیشنهاد ایشان را مطالعه نمایم عبارت از این میشود که در سال شما بیاید و عوارض رودی بلدی را بر چند چیز معین تحویل نماید عایدش را هم وقتی پیش بینی کنیم چقدر میشود چهار یا پنج هزار تومان و باین ترتیب دیگر نمی شود اصلا تقاضا داشت که شهر تمیز بشود روشن باشد. البته بنده انکار نمیکنم ببلدی و واقعی دارد مثل سایر چیزهای مملکت. ولی با این عایدات غیر از این هم نمی شود کرد با این عایداتی که الان دارد نمی شود شهر و ولایت از طهران را مثل کف دست صاف و تمیز و روشن کرد در تمام نقاط دارالمجزه دارالساکن دست کرد. این تقاضا را نمی شود کرد زیرا عایدات این قدر نیست. اگر آقایان بصورتیکه از بلدی آمده مراجعه میفرمایند می بیند مخارج اداری بلدی (بالنسبه بیک مملکتی که از هر طرف فشار وارد می آید که باید فلان آدم سر کار باشد چون فقیر است و چه وجه متصل متصل توصیه نوشته میشود) خیلی کم است و مخارج اداری زیادی ندارد البته زحمانی هم در این مدت کشیده شده بی انصاف هم نباید بود کلیه در مملکتی که میخواهیم کار کنیم باید تمام اطراف را در نظر داشته باشیم. و بی انصافی نکنیم البته ایراد بهه چیز میشود گرفت و هر چیزی را بشود گفت نواقص دارد و خراب است ولی یک معایبی و یک فوایدی هم که باید از آنها هم تعریف کرد. و آنها را هم در نظر داشت. برای این که اشخاص تشویق بشوند بنده نمی خواهم این جاراجه باشخاص صحبت کنم و با از کسی تعریف و تمجید کنم هیچ وقت هم میل ندارم عادت هم ندارم ولی بالاخره بطور کلی نباید هر مسئله که پیش می آید فوراً رفت و آن طرفی را که ناقص است چسبید